بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱ آبان‌ماه ۱۴۰۵

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

سؤالاتی که با نشانگر نهایی مشخص شده‌اند، مشابه سؤالات امتحانات نهایی هستند. با تمرین این دسته از سؤالات می‌توانید در امتحانات نهایی عملکرد بهتری داشته باشید.

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	حسین ابراهیم‌نژاد، محمد اسدی، محمد بحیرایی،ابوالفضل بهاری، عارف بهرام‌نیا، محمد پردل نظامی، احمد حسن‌زاده‌فرد، علی حسینی‌نوه، محمد حمیدی، رضا خانبابائی، شکیب رجبی، هادی فولادی، علی قهرمان‌زاده، عباس مالکی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، حسن اصحابی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، سعید جعفری، سید محسن رضوی، رضا رنجبری، الهام محمدی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، اکبر یحیوی
جامعه‌شناسی	امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، جواد جلیلیان، علیرضا حیدری، امیرحسین خزایی، مریم خسروی دهنوی، فاطمه رضائیان، یاسین ساعدی، سینا غلامی، مهراد کرمی، سید آرش مرتضائی‌فر، محمد مهدی یعقوبی
روان‌شناسی	هانا احمدزاده، محمد حبیبی، محمدعرفان فرهادی، نگین مرسلی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، عمار تاجبخش، ابوطالب درانی، محمدرضا سوری، امیرحسین شکوری، کامران عبداللهی، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، روح‌الله گلشن، سید محمدعلی مرتضوی، پیروز وجان، محمد مهدی یعقوبی
تاریخ و جغرافیا	علیرضا آزادی‌زاده، راضیه ابراهیمی‌نژاد، فاطمه احمدی، علیرضا پدرام، مریم خسروی دهنوی، یاسین ساعدی، علیرضا سالمی، عاطفه طاهر، حامد صفرخانیان، فاطمه عزیزی، مهدی کاردان، محمد مهدی یعقوبی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، مجید پیرحسینلو، پرگل رحیمی، موسی سپاهی، کیمیا طهماسبی، الهه فاضلی، فرهاد قاسمی‌نژاد، محمد قربانی، امیرمحمد قلعه‌کاهی، علی معزی، فیروز نژادنجف
اقتصاد	آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، مهدی کاردان، محمدحسین متولی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	عباس مالکی عرشیا محمدی	مسئول درس: ابراهیم نوری ویراستار: معصومه صنعت‌کار، سجاد سلیمی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	محمد مشهدبان محمدمهدی اسلامی	مسئول درس: فریبا رئوفی ویراستار: محسن جمشیدی، مهشید سعیدی
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضائی‌فر	سید آرش مرتضائی‌فر	ـــــ	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سیدمجتبی رضازاده
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	سینا غلامی ملیکا ذاکری	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: مریم عابدی، محمدحسن سعیدی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	مسئول درس: لیلا ایزدی ویراستار: امیررضا علیزاده، وجیهه نجفی
تاریخ و جغرافیا	محمدمهدی یعقوبی	محمدمهدی یعقوبی	علیرضا سالمی فاطمه عزیزی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: محمدحسن سعیدی
فلسفه و منطق	محمد قربانی	فرهاد علی‌نژاد	امیرمحمد قلعه‌کاهی هادی حاجی‌زاده	مسئول درس: سوگند بیگلری ویراستار: محمدحسین صادق‌پور
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	سینا غلامی	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سیدمجتبی رضازاده

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینهٔ «۱» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

برای سفر از شهر A به شهر C باید متوجه شویم چند مسیر وجود دارد، از A به B به دو طریق می‌توان رفت و از B به شهر C به سه طریق و طبق اصل ضرب تعداد کل حالت‌های سفر از شهر A به شهر C برابر $۲\times۳=۶$ مسیر می‌باشد.

تذکر: به جهت حرکت در جاده‌ها توجه کنید.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ و ۴)

۲- گزینهٔ «۴» *(علی قهرمان‌زاده)*

$$۱۶\times۱۸(۱۵!+۱۶\times۱۵!)=(n+۱۰)!$$

$$\Rightarrow ۱۶\times۱۸((۱۵!)(\underbrace{۱+۱۶}_{۱۷}))=(n+۱۰)!$$

$$\Rightarrow ۱۶\times۱۸\times۱۵!\times۱۷=(n+۱۰)!$$

$$\Rightarrow ۱۸!=(n+۱۰)!\Rightarrow n+۱۰=۱۸$$

$$n=۸\Rightarrow \binom{۸}{۲}!=۴!=۲۴$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۵)

۳- گزینهٔ «۲» *(علی حسینی‌نوه)*

از آنجایی که در این انتخاب کردن، جابه‌جایی کتاب‌های انتخاب شده اهمیت دارد و حالت جدید بوجود می‌آورد پس با فرمول ترتیب تعداد حالات مختلف را حساب می‌کنیم:

$$p(n,r)=\frac{n!}{(n-r)!}$$

$$p(۶,۳)=\frac{۶!}{(۶-۳)!}=\frac{۶!}{۳!}=\frac{۶\times۵\times۴\times۳!}{۳!}=۱۲۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶ تا ۸)

۴- گزینهٔ «۲» *(محمد اسری)*

ابتدا شرط «مریم قبل از سارا» را در نظر می‌گیریم. از ۵ جایگاه، ۲ جایگاه را برای مریم و سارا انتخاب می‌کنیم:

$$\binom{۵}{۲}=۱۰$$

چون مریم باید قبل از سارا باشد، ترتیب آن‌ها مشخص است. سه نفر باقیمانده نیز:

$$۳!=۶$$

۶ حالت در جایگاه‌های باقی مانده قرار می‌گیرند. پس:

$$۱۰\times۶=۶۰$$

حالا حالت‌هایی را که علی و رضا کنار هم هستند را حذف می‌کنیم، دو نفر کنار هم می‌توانند در ۴ جفت جایگاه قرار بگیرند و خودشان نیز ۲ ترتیب دارند. برای مریم و سارا از ۳ جایگاه باقی‌مانده، ۲ جایگاه انتخاب می‌کنیم:

$$۴\times۲\times\binom{۳}{۲}=۲۴$$

بنابراین:

$$۶۰-۲۴=۳۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۵- گزینهٔ «۳» *(هادی فولادی)*

می‌دانیم $\binom{n}{k}$ برابر تعداد زیرمجموعه‌ای k عضوی مجموعهٔ n عضوی است.

بین ۴ عضو خواسته شده، تکلیف دو عضو a و b مشخص شده و باید در زیرمجموعه باشند. بنابراین باید دو عضو دیگر انتخاب کنیم که دارای حالات زیر است.

۱) d باشد اما c نباشد: برای عضو چهارم باید از بین {e,f} یکی را انتخاب کنیم. $\binom{۲}{۱}=۲$

۲) c باشد و d نباشد: در این حالت نیز باید یکی از بین {e,f} انتخاب کنیم. $\binom{۲}{۱}=۲$

۳) c و d همزمان نباشد (هیچ کدام نباشند) در این حالت زیرمجموعه به صورت {a,b,...,...} است که باید ۲ عضو باقی مانده را از بین {e,f} انتخاب کنیم. $\binom{۲}{۲}=۱$

جواب نهایی: $۲+۲+۱=۵$

روش دوم: متمم عبارت «c و d با هم نباشند» برابر است با c و d هر دو با هم باشند.

در زیر مجموعه {a,b,...,...} باید ۲ عضو انتخاب کنیم که c و d هستند. $\binom{۲}{۲}$

کل زیر مجموعه‌ای که نیاز به ۲ عضو دیگر دارند برابر است با: باید از مجموعه {f,e,c,d} دو عضو انتخاب کنیم. $\binom{۴}{۲}=۶$

$\binom{۴}{۲}-\binom{۲}{۲}=۶-۱=۵$ جواب نهایی

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۶- گزینهٔ «۴» *(عباس مالکی)*

فضای نمونه تمام اعداد زوج ممکن به صورت زیر است:

۳ حالت $\rightarrow$ یک رقمی $= ۰,۲,۴$

۹ حالت $\rightarrow$ دو رقمی $= \frac{۳}{۱,۲,۴} \times \frac{۳}{۰,۲,۴}$

۳۶ حالت $\rightarrow$ سه رقمی $= \frac{۳}{۱,۲,۴} \times \frac{۴}{۰,۱,۲,۴} \times \frac{۳}{۰,۲,۴}$

۱۴۴ حالت $\rightarrow$ چهار رقمی $= \frac{۳}{۱,۲,۴} \times \frac{۴}{۰,۱,۲,۴} \times \frac{۴}{۰,۱,۲,۴} \times \frac{۳}{۰,۲,۴}$

مجموع $= ۳+۹+۳۶+۱۴۴=۱۹۲$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۷- گزینهٔ «۳» *(محمد پردل نظامی)*

در تعداد پرتاب ۲ سکه: $۲^۲ = ۴$ حالت داریم.

در تعداد پرتاب ۳ سکه: $۲^۳ = ۸$ حالت داریم:

$$n(s)=۳\times۴+۳\times۸=۳۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۸- گزینهٔ «۱» *(عارف بهرام‌نیا)*

کافی است از بین ۶ عدد ۴ تا انتخاب کنیم و طبق خواسته مسئله می‌چینیم.

$$\binom{۶}{۴}=\binom{۶}{۲}=\frac{۶\times۵}{۲}=۱۵$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۹- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

فضای نمونهٔ پرتاب یک تاس عبارت است از $S=\{۱,۲,۳,۴,۵,۶\}$ و پیشامدهای A، B و C عبارت‌اند از:

$$A=\{۲,۴,۶\}, B=\{۳,۶\}, C=\{۲,۳,۵\}$$

پیشامد «A یا B رخ دهد ولی C رخ ندهد.» یعنی $(A\cup B)-C$ و داریم:

$$A\cup B=\{۲,۳,۴,۶\}\Rightarrow (A\cup B)-C=\{۴,۶\}$$

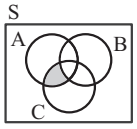
(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

۱۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور سراسری دی ۱۴۰۱)*

در دو شکل زیر، مجموعه‌های $A-(A\cap B)$ و $A\cap C$ مشخص شده‌اند.



پس $(A-(A\cap B))\cap(A\cap C)$ به صورت زیر است:



(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۱۸)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینهٔ «۱» *(محمد پردل نظامی)*

$$\frac{\text{وزن مس}}{\text{وزن سایر فلزات}}=۶\Rightarrow\begin{cases}\text{وزن سایر فلزات}=x\\ \text{وزن مس}=۶x\end{cases}$$

وزن ظرف میوه $= x+۶x=۷x$

ظرف جدید $\Rightarrow \frac{۶}{۸}=\frac{\text{وزن مس}}{\text{وزن ظرف}}=\frac{۶x}{۷x+۲۰۰}=\frac{۶}{۸}$

$۴۸x=۴۲x+۱۲۰۰\Rightarrow ۶x=۱۲۰۰\Rightarrow x=۲۰۰$ گرم

وزن ظرف اولیه $=۷x=۱۴۰۰$ گرم

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحهٔ ۳۵)

۱۲- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

با استفاده از اتحاد جمله مشترک، مخرج کسر طرف راست تساوی را تجزیه می‌کنیم:

$$\frac{x+۱}{x-۴}=\frac{x^۲-kx-۵}{x^۲-۳x-۴}\Rightarrow\frac{x+۱}{x-۴}=\frac{x^۲-kx-۵}{(x+۱)(x-۴)}$$

با فرض $x\neq ۴$، عبارت $x-۴$ را از طرفین تساوی ساده می‌کنیم:

$$\frac{x+۱}{۱}=\frac{x^۲-kx-۵}{x+۱}\xrightarrow{\text{طرفین وسطین}}(x+۱)^۲=x^۲-kx-۵$$

$$\Rightarrow x^۲+۲x+۱=x^۲-kx-۵\Rightarrow ۲x+۱=-kx-۵$$

$$\Rightarrow ۲x+kx=-۶\Rightarrow (k+۲)x=-۶\Rightarrow x=-\frac{۶}{k+۲}$$

ترنج بوک
تلاش در مسیر موفقیت

برای آنکه معادله جواب نداشته باشد، دو حالت زیر را می‌توان در نظر گرفت:

حالت اول: اگر مخرج کسر $x=-\frac{۶}{k+۲}$ صفر شود، مقدار x وجود نـدارد، پس:

$$k+۲=۰\Rightarrow k=-۲$$

حالت دوم: اگر جواب $x=-\frac{۶}{k+۲}$ برابر با ریشه‌های مخرج معادلـهٔ اصـلی باشد، قابل قبول نیست. ریشه‌های مخرج $x=-۱$ و $x=۴$ هستند:

$$\xrightarrow{x=۴}۴=-\frac{۶}{k+۲}\Rightarrow k+۲=-\frac{۶}{۴}=-\frac{۳}{۲}\Rightarrow k=-۳/۵$$

$$\xrightarrow{x=-۱}-۱=-\frac{۶}{k+۲}\Rightarrow k+۲=۶\Rightarrow k=۴$$

بنابراین به ازای سه مقدار k، معادله جواب ندارد.

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحهٔ ۳۵)

۱۳- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

ابتدا مخرج کسر سمت راست تساوی را با استفاده از اتحـاد جملـه مشـترک تجزیه می‌کنیم:

$$x^۲-x-۲۰=(x-۵)(x+۴)$$

بنابراین ک.م.م مخرج‌ها برابر با $(x-۵)(x+۴)$ اسـت، آن را در طـرفین تساوی ضرب می‌کنیم:

$$\frac{x-۲}{x-۵}+\frac{x-۱}{x+۴}=\frac{x^۲+۵x+۸}{(x-۵)(x+۴)}\xrightarrow{\times(x-۵)(x+۴)}$$

$$(x+۴)(x-۲)+(x-۵)(x-۱)=x^۲+۵x+۸$$

$$\Rightarrow x^۲+۲x-۸+x^۲-۶x+۵=x^۲+۵x+۸$$

$$\Rightarrow ۲x^۲-۴x-۳=x^۲+۵x+۸\Rightarrow x^۲-۹x-۱۱=۰$$

$$\Rightarrow \text{مجموع جواب‌ها}: S=-\frac{b}{a}=-\frac{(-۹)}{۱}=۹$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحهٔ ۳۴)

۱۴- گزینهٔ «۳» *(محمد بحیرایی)*

رابطه‌ای از مجموعهٔ A به مجموعهٔ B تابع است که به هر عضو مجموعـهٔ A دقیقاً یک عضو از مجموعهٔ B را نسبت دهد.

هر عدد طبیعی دقیقاً یک مجذور دارد، پس رابطهٔ گزینهٔ «۳» تابع است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحهٔ ۴۶)

۱۵- گزینهٔ «۳» *(محمد اسدی)*

فرض می‌کنیم شیر B استخر را در x ساعت پر می‌کنـد، پـس شـیر A این کار را در $x-۱۵$ ساعت انجام می‌دهد. حالا داریم:

$$\frac{۱}{\text{زمان شیر } A}+\frac{۱}{\text{زمان شیر } B}=\frac{۱}{\text{زمان هر دو شیر}}\Rightarrow\frac{۱}{x-۱۵}+\frac{۱}{x}=\frac{۱}{۴}$$

دو طرف را در $۴x(x-۱۵)$ ضرب می‌کنیم:

$$۴x(x-۱۵)\frac{۱}{(x-۱۵)}+۴x(x-۱۵)\frac{۱}{x}=۴x(x-۱۵)\frac{۱}{۴}$$

$$\Rightarrow ۴x+۴(x-۱۵)=x(x-۱۵)$$

$$\Rightarrow ۴x+۴x-۶۰=x^۲-۱۵x\Rightarrow x^۲-۲۳x+۶۰=۰$$

$$\xrightarrow{\text{جمله مشترک}}(x-۲۰)(x-۳)=۰$$

$x=۲۰$ ✓ یا $x=۳$ ✗

دقت کنید $x=۳$ مورد قبول نیست، چون در این صورت زمـان پـر کـردن شیر A منفی می‌شود. پس شیر B به تنهایی در ۲۰ ساعت استخر را پـر می‌کند.

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحهٔ ۳۶)

۱۶- گزینهٔ «۱» *(محمد اسدی)*

طبق توصیف سؤال:

فاصلهٔ عدد متناظر با x از x، برابر ۲ است.

همچنین عدد متناظر باید بزرگتر از x باشد.

پس برای هر x، تنها عدد ممکن $x+۲$ است. بنابراین:

$$f(-۲)=۰, f(-۱)=۱, f(۰)=۲$$

$$f(۱)=۳, f(۲)=۴$$

که هر عضو دامنه دقیقاً یک خروجی دارد؛ پس رابطه تابع است.

و برد آن برابر مجموعهٔ $\{۰,۱,۲,۳,۴\}$ است که شامل ۵ عضو است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۱۷- گزینهٔ «۲» *(محمد حمیدی)*

این رابطه در صورتی تابع نیست که مؤلفه‌های اول زوج‌هـای مرتـب بـا هـم برابر بوده ولی مؤلفه‌های دوم برابر نباشند. یعنی:

$$۳a=a+۱\Rightarrow ۲a=۱\Rightarrow a=\frac{۱}{۲}\quad (۱)$$

$$a-۱\neq b\xrightarrow{(۱)}\frac{۱}{۲}-۱\neq b\Rightarrow b\neq-\frac{۱}{۲}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۶)

تلاشی در مسیر موفقیت

۱۸- گزینهٔ «۳» *(محمد حمیدی)*

مجموعهٔ دامنهٔ تابع $=\{a,1,2\}$

مجموعهٔ برد تابع $=\{2,(a+b),3\}$

$$\Rightarrow \begin{cases} a=3 \\ a+b=1 \xrightarrow{a=3} 3+b=1 \Rightarrow b=-2 \end{cases}$$

$$\Rightarrow 3b+a \xrightarrow[a=3]{b=-2} =3(-2)+3=-6+3=-3$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۹ و ۵۲)

۱۹- گزینهٔ «۱» *(عباس مالکی)*

$$(2,6),(2,a^2+a) \Rightarrow a^2+a=6 \Rightarrow a^2+a-6=0$$

$$\Rightarrow (a+3)(a-2)=0 \Rightarrow \begin{cases} a_1=-3 \\ a_2=2 \end{cases}$$

اگر $a=2$ در نظر بگیریم، دیگر مجموعهٔ A تابع نخواهد بود، چرا که دو خروجی برای ورودی ۲ دارد.

$$\Rightarrow a=-3 \xrightarrow{\text{بازنویسی}} A=\{(2,6),(-3,7),(2,6),(-3,b+1)\}$$

$$\Rightarrow b+1=7 \Rightarrow b=6$$

$$\Rightarrow a+b=6+(-3)=3$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحهٔ ۴۹)

۲۰- گزینهٔ «۲» *(ابوالفضل بهاری)*

f یک تابع است، پس مولفه‌های دوم زوج مرتب‌های $(3,2y-4),(3,7x)$ باید با هم برابر باشند:

$$2y-4=7x \Rightarrow 2y-7x=4$$

حال دامنهٔ هر دو تابع را مشخص می‌کنیم:

$$D_f=\{3,-x+6\},\ D_g=\{3,3y\}$$

برای اینکه هر دو دامنه یکی باشد، باید $3y=-x+6$ قرار دهیم:

$$3y=-x+6 \Rightarrow 3y+x=6$$

$$7\times\begin{cases} 2y-7x=4 \\ 3y+x=6 \end{cases}$$

$$\Rightarrow 2y-7x=4$$

$$21y+7x=42$$

$$23y=46 \Rightarrow y=2$$

$$3y+x=6 \Rightarrow 3(2)+x=6 \Rightarrow x=0$$

ثلث x به اضافهٔ نصف y برابر است با:

$$\frac{1}{3}x+\frac{1}{2}y \Rightarrow \frac{1}{3}(0)+\frac{1}{2}(2)=1$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۲)

ریاضی و آمار (۲)

۲۱- گزینهٔ «۴» *(عباس مالکی)*

$$a^2+1=10 \Rightarrow a^2=9 \Rightarrow \begin{cases} a_1=-3 \\ a_2=3 \end{cases}$$

$$a^2+2a-3=0 \Rightarrow (a+3)(a-1)=0 \Rightarrow \begin{cases} a_1=1 \\ a_2=-3 \end{cases}$$

$$\Rightarrow a=-3$$

$$a+b=3 \xrightarrow{a=-3} b-3=3 \Rightarrow b=6$$

$$\Rightarrow b-a=6-(-3)=9$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

۲۲- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

ضابطهٔ تابع همانی $f(x)=x$ است و ضابطهٔ تابع ثابت $f(x)=k$ است، پس تابعی که طول و عرض آن برابر باشد و برد آن فقط شامل یک عدد باشد، هم همانی است و هم ثابت، که این دو ویژگی در تابع گزینهٔ «۳» دیده می‌شود.

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۳۱)

۲۳- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

ورودی و خروجی تابع همانی با هم برابرند، بنابراین داریم:

$$f(3-4k)=5k-11 \xrightarrow{f(x)=x} 3-4k=5k-11$$

$$\Rightarrow 14=9k \Rightarrow k=\frac{14}{9}$$

بنابراین داریم: $f(k+3)=k+3=\frac{14}{9}+3=\frac{14+27}{9}=\frac{41}{9}$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۳۲)

۲۴- گزینهٔ «۳» *(حسین ابراهیم‌نژاد)*

چون f تابع ثابت است، پس:

$f(5)=3$ و چون g تابع همانی است، پس $g(3)=3$

$$f(5)-g(3)=3-3=0$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

۲۵- گزینهٔ «۳» *(عباس مالکی)*

$$n^2-1=2n+7 \Rightarrow n^2-2n-8=0 \Rightarrow (n-4)(n+2)=0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n_1=4 \\ n_2=-2 \end{cases}$$

$$\begin{cases} n=4 \Rightarrow n=2m \Rightarrow 4=2m \Rightarrow m=2 \Rightarrow nm=2\times 4=8 \\ n=-2 \Rightarrow n=2m \Rightarrow -2=2m \Rightarrow m=-1 \text{ غ‌ق‌ق} \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۳۲)

۲۶- گزینهٔ «۴» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

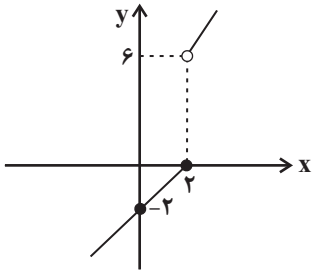
ابتدا حاصل $f(۳)$ و $f(۲)$ را حساب می‌کنیم.

$$\left.\begin{matrix} f(۳)=۳k+۲ \\ f(۲)=۲-k \end{matrix}\right\} \Rightarrow ۳k+۲+۲-k=۸$$

$$۲k+۴=۸ \Rightarrow k=۲$$

بنابراین $f(x)=\begin{cases} ۲x+۲ & , \ x>۲ \\ x-۲ & , \ x\le ۲ \end{cases}$ است و با رسم می‌توان برد این تابع را بدست آورد.

با توجه به نمودار اعداد صحیح $\{۱,۲,۳,۴,۵,۶\}$ در برد تابع f نمی‌باشند.



(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۳)

۲۷- گزینهٔ «۲» *(رضا خانبابائی)*

به کمک نقطه‌یابی می‌توان مقادیر y هر ضابطه را حدس زد:

$$f(x)=۲x+۳ \xrightarrow{x<۱} f(۱)=۵ \ , \ f(۰)=۳$$

$$y_۱<۵$$

$$f(x)=x^۲-۲ \xrightarrow{۱\le x\le ۳} f(۱)=-۱, f(۳)=۷ \ , f(۲)=۲$$

$$-۱\le y_۲ \le ۷$$

$$f(x)=۷-x \xrightarrow{x>۳} f(۳)=۴ \ , f(۴)=۳$$

$$\Rightarrow y_۳<۴$$

$$\xrightarrow{\text{اجتماع y‌ها}} \text{برد } y\le ۷$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های۳۲ و ۳۳)

۲۸- گزینهٔ «۳» *(علی قهرمان‌زاده)*

با توجه به اینکه f یک تابع است، پس مقدار $x=\sqrt{۳}-۱$ در هر دو ضابطه باید یکسان باشد.

ضابطهٔ بالا: $x^۲+۲x+۱+a=(x+۱)^۲+a \xrightarrow{x=\sqrt{۳}-۱}$

$$(\sqrt{۳}+۱-۱)^۲+a=۳+a$$

ضابطهٔ پایین: $-۲\sqrt{۳}-۲\sqrt{۳}x \xrightarrow{x=\sqrt{۳}-۱} -۲\sqrt{۳}-۲\sqrt{۳}(\sqrt{۳}-۱)$

$$=-۲\sqrt{۳}-۶+۲\sqrt{۳}=-۶$$

$$۳+a=-۶$$

$$a=-۹$$

مقدار $f(\sqrt{۵}-۱)$ از ضابطهٔ بالا به دست می‌آید:

$$f(\sqrt{۵}-۱)=(\sqrt{۵}-۱+۱)^۲-۹$$

$$=۵-۹=-۴$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۳۳)

۲۹- گزینهٔ «۲» *(شکیب رهبی)*

چون تابع f همانی است، پس باید به فرم $f(x)=x$ باشد. پس باید ضریب $x^۲$ و عدد ثابت برابر صفر شوند همچنین ضریب x، یک شود، پس:

$$۲a-۴=۰ \Rightarrow a=۲$$

$$b-۱=۱ \Rightarrow b=۲$$

$$۵+c=۰ \Rightarrow c=-۵$$

همچنین چون g ثابت است، پس باید تمام خروجی‌ها یکی باشند، پس $d=\sqrt{۵}$ است.

$$\Rightarrow \frac{۲+۲+(-۵)}{\sqrt{۵}}=\frac{-۱}{\sqrt{۵}}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۲)

۳۰- گزینهٔ «۲» *(رضا خانبابائی)*

اگر $f(x)=\frac{Ax+B}{Cx+D}$ تابع ثابت باشد، آنگاه $\frac{A}{C}=\frac{B}{D}$

$$\frac{a}{۴}=\frac{۴}{a} \Rightarrow a^۲=۱۶ \Rightarrow a=\pm ۴$$

از طرفی نمودار f بالای محور x هاست، پس مقدار ثابت باید مثبت باشد پس $a=۴$ مورد قبول است.

$$\left.\begin{matrix} \text{اگر } a=۴ & \text{در نتیجه } f(x)=\frac{۴x+۴}{۴x+۴}=۱ \\ \text{اگر } a=-۴ & \text{در نتیجه } f(x)=\frac{-۴x+۴}{۴x-۴}=-۱ \end{matrix}\right\}$$

$g(x)=(a+b)x+\frac{c}{x}$ چون تابع همانی است، بنابراین:

$$\left.\begin{matrix} ۴+b=۱ \Rightarrow b=-۳ \\ c=۰ \Rightarrow \frac{c}{x}=۰ \end{matrix}\right\}$$

تابع $h(x)=kf(x)+ax-b$ در $x=۲$ محور x ها را قطع می‌کند، یعنی $h(۲)=۰$ و از طرفی می‌دانیم $f(x)=۱$ و $a=۴$ و $b=-۳$

$$h(۲)=k(۱)+۴(۲)-(-۳)$$

$$\Rightarrow ۰=k+۸+۳ \Rightarrow k=-۱۱$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۲)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۳۱- گزینهٔ «۱» *(محسن اصغری)*

بیت صورت سؤال و توضیحات این گزینه مربوط به «ادیب‌الممالک فراهانی» است.

سایر گزینه‌ها مربوط به شاعران دیگر از دوره بیداری هستند:

گزینهٔ «۲»: محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)

گزینهٔ «۳»: ایرج میرزا

گزینهٔ «۴»: عارف قزوینی

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

۳۲- گزینهٔ «۳» *(سعید جعفری)*

«با روی کار آمدن سلسلهٔ قاجار و تثبیت حکومت مرکزی در ایران، بازگشت به شیوه و الگوی گذشتگان در ادبیات، پررونق‌تر از گذشته بود. عبدالوهاب نشاط، انجمن ادبی نشاط را تأسیس کرد؛ پس از آن انجمن ادبی خاقان به ریاست فتحعلی‌شاه در تهران تشکیل شد. هدف این انجمن رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و انحطاط اواخر دورهٔ صفوی و دوره‌های بعد از آن بود، امّا برای رسیدن به این هدف، راهی جز تقلید از آثار پیشینیان در پیش نگرفتند.»

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحهٔ ۱۲)

۳۳- گزینهٔ «۳» *(محسن اصغری)*

تشریح موارد نادرست:

الف) زبان پارتی، در دورهٔ اشکانیان رایج بود و تا اوایل دورهٔ ساسانی نیز آثاری به این زبان، تألیف می‌شده است.

ج) منظومهٔ «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» که هر دو اصل پارتی دارند، در میان اندرزنامه‌های منثور جای دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۳۴- گزینهٔ «۱» *(محسن اصغری)*

سرایش اشعار داستانی و اندرزی در این دوره آغاز شد، اما شعر حکمی و اندرزی در واقع در دوران سلجوقی به شکوفایی رسید.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحهٔ ۴۳)

۳۵- گزینهٔ «۴» *(عزیز الیاسی‌پور)*

مفهوم گزینه‌های «۱ تا ۳»: ناپایداری دنیا و بی‌اعتباری جاه و مقام

مفهوم بیت گزینهٔ «۴»: پناه‌جویی

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و مفهوم، ترکیبی)

۳۶- گزینهٔ «۱» *(هومن نمازی)*

شاعر در این بیت صرفاً به این نکته اشاره دارد که زیبارویان نباید در انظار باشند و با افراد مختلف معاشرت کنند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: شاعر می‌گوید معشوق اگر زهر هم بدهد مانند نوش‌دارو است و باعث شفا یافتن می‌شود.

گزینهٔ «۳»: مصراع اول پرسش انکاری و نوعی سؤال بلاغی است؛ یعنی هیچ عیبی در صورت زیبای تو نیست.

گزینهٔ «۴»: به‌صورت پنهانی چهرهٔ معشوق را برتر از همهٔ زیبایی‌ها می‌داند و بقیه را مانند نقش دیوار و بی‌ارزش.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۵۰)

۳۷- گزینهٔ «۱» *(سید علیرضا احمدی)*

الف) غرور و عجب در هنگام مستی همانند خود شراب، بدنام و مذموم است.

ب) تا زمانی که شخص همت و اراده داشته باشد، از کسی شراب طلب نمی‌کند.

ج) شراب و هر دل‌بستگی دنیایی، شادی و نشئه‌ای به همراه ندارد، بلکه وارستگی از دنیا همه چیز را خوشایند می‌کند.

د) شراب، سودا و دیوانگی عشق را می‌افزاید.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

۳۸- گزینهٔ «۴» *(حسن اصحابی)*

عبارت منثور صورت سؤال دارای مفاهیم تقدیرگرایی و دعوت به قناعت است، زیرا شاعر معتقد است دولت و خوشبختی با تلاش به دست نمی‌آید که این باور مفهوم قضا و قدر را در خود دارد.

مفاهیم ابیات:

گزینهٔ «۱»: تقدیرگرایی

گزینهٔ «۲»: برتری پول بر قدرت (جوی زر بهتر از پنجاه من زور)

گزینهٔ «۳»: دعوت به قناعت

گزینهٔ «۴»: تقدیرگرایی و قناعت پیشه‌کردن

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۵۴)

۳۹- گزینهٔ «۳» *(هومن نمازی)*

مورد الف) شاعر در حال مدح معشوق است.

مورد ب) در این بیت شاعر دنیا را چو بازی پنداشته است که با انسان در نبرد است و او را پیر و فرتوت و در نهایت نابود می‌سازد. پس باید از او گریخت و کار خود را سامان بدهد.

مورد ج) این بیت به خلق و خوی مناسب داشتن در جهانی که ماندگار است و میان انسان‌هایی که فناپذیر هستند سفارش می‌کند.

مورد د) پیام بیت این است که دسترسی به معشوق دشوار است؛ شست یعنی قُلّاب یا دام.

مورد هـ) مانند مورد «ب» هشدار می‌دهد که به دنیا گرفتار نشویم.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۵۱)

۴۰- گزینهٔ «۲» *(سید علیرضا احمدی)*

مفهوم بیت «ب»: ارزش در خود نگریستن و سفر به درون خود است.

مفهوم بیت «هـ»: بیت مدحی است و در مدح یکـی از بزرگـان و پادشـاهان سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

۴۱- گزینهٔ «۳» *(اکبر یحیوی)*

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جند، تند

گزینهٔ «۲»: زرد، درد، کرد

گزینهٔ «۴»: مل، گل

(علوم و فنون ادبی، بیان لفظی)

۴۲- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

گزینهٔ «۳»: ارکان سجع: «بنیاد» و «پیمان» ← سجع متوازن، چـون فقـط در وزن مشترک هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ارکان سجع: «جواب» و «آب» ← سجع مطرّف، چون فقـط در حروف پایانی مشترک‌اند و وزنشان یکسان نیست.

گزینهٔ «۲»: ارکان سجع: «علّت» و «وسیلت» ← سجع مطرّف، چـون فقـط در حروف پایانی مشترک‌اند و وزنشان یکسان نیست. (فعل «بـود» در پایـان جملهٔ دوّم به قرینهٔ فعلِ جملهٔ قبلی حذف شده است.)

گزینهٔ «۴»: ارکان سجع: «قیامت» و «حیرت» ← سجع مطرّف، چون فقـط در حروف پایانی مشترک‌اند و وزنشان یکسان نیست. (فعل «است» در پایان جملهٔ دوّم به قرینهٔ فعل جملهٔ قبلی حذف شده است.)

نکتهٔ «۱»: حذف فعل (به قرینهٔ لفظی یا معنایی) در جملات مُسجّع، اشکالی در برقراری سجع پدید نمی‌آورد و مهم حضور کلمات غیرتکرارِ هم‌آهنـگ در پایان جملات است.

نکتهٔ «۲»: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چنـد واژهٔ یکسـان مـی‌آینـد و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند. (مانند «ردیف» در شعر)

یادآوری: سجع: یکسان‌بودن دو واژه در وزن، در واج (یا واج‌های) پایـانی، یـا در هر دوی آن‌ها «سجع» نامیـده مـی‌شـود. آرایـهٔ سـجع در کلامـی دیـده می‌شود که حداقل دو جمله باشد، زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایهٔ سجع پدید آید. درست مانند قافیه که در پایان مصراع‌ها یـا بیـت‌هـا می‌آید.

ارکان سجع: به کلماتی که سبب ایجاد آرایهٔ سجع می‌شوند، «ارکان سـجع» می‌گوییم.

متن مسجع: نثر و شعری که سجع در آن بـه کـار بـرود، «مُسـجع» نامیـده می‌شود.

انواع سجع: سجع سـه شـکل دارد: متـوازن (فقـط هـم‌وزن)، مُطـرّف (فقـط یکسان بودن واج یـا واج‌هـای پایـانی) و متـوازی (هـم‌وزن و یکسـان بـودن واج‌های پایانی)

(علوم و فنون ادبی، بدیع لفظی)

۴۳- گزینهٔ «۲» *(الهام محمدی)*

بیت «ب»: تشبیه: «عذار مهوش»: عذار (مشبه)، مه (مشـبه‌بـه)، وش (ادات تشبیه) / مصراع اول به مصراع دوم تشبیه شده است:

آن زلف پرشکست بر عذار (مشبه)، چون (ادات تشبیه)، زنگـی کـه در شـب مشعلی به دست گرفته باشد (مشبه‌به)

بیت «د»: «گلاب» استعاره از «اشک»

بیت «الف»: سجع میان واژگان «نهان، عیان، جهان» وجود دارد.

بیت «ج»: «سنبل» استعاره از «مو و گیسوان معشوق» است که شاعر آن را غارتگر ایمان می‌داند و «لب» را مددکنندهٔ جان؛ بنابراین تشخیص دارد.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۴- گزینهٔ «۳» *(الهام محمدی)*

آرایه‌های مشترک میان دو بیت «واژه‌آرایی» (تکرار)، «تشبیه و سجع» است.

بیت صورت سؤال: سجع: میان واژگان «فرمان، پنهان»/ تشبیه: «خورشـید و مه» به «پروانه» تشبیه شده‌اند. / تکرار: «شمع» و «کنم»

بیت گزینهٔ «۳»: سجع: میان واژگان «می‌دان و جان»/ تشبیه: «شعلهٔ سودا» و «خروش شعلهٔ سودا» / تکرار: «دیدی» و «می‌دان»

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۵- گزینهٔ «۲» *(یاسین مهدیان)*

تشبیه: «الف»: تشبیه مرجّح و پنهان «معشوق» به «آفتاب»

استعاره: «ج»: «وحشی‌غزال» استعارهٔ مصرحه از معشوق

سجع: «ب»: «نگر، شکر و پر»

تشخیص: «د»: «گریه‌کردن ابر» تشخیص است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بیت «ج»، فاقد تشخیص اسـت. توجـه داشـته باشـید کـه «ای وحشی‌غزال»، تشخیص ندارد؛ زیرا «وحشی‌غزال» استعاره از معشوق است و شاعر در واقع، معشوق خودش را صدا زده و مورد خطاب قرار داده، نه غـزالِ وحشی را. [غزال = نوعی آهو]

گزینهٔ «۳»: بیت «ب» نیز فاقد تشخیص است؛ زیـرا تنهـا زمـانی تشـخیص داریم که ویژگی یا عمل انسانی‌ای به چیز بی‌جانی نسبت داده باشیم. در این بیت، «مورچه‌ای که روی بار شـکر راه مـی‌رود» و «طـوطی‌ای کـه بـر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پروانند»، آرایهٔ تشخیص ندارد. منظـور از هـر دو عبارت نیـز، توصـیف سـبیل تـازه‌روییـدهٔ معشـوقش بـر روی لـبش اسـت.

گزینهٔ «۴»: بیت «ب»، فاقد استعاره اسـت؛ زیـرا بـا تشـبیه مرکـب روبـه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یـا صـحنهٔ دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نـوش (سـبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طـوطی‌ای کـه بـر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پروانند» مانند کرده است.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۶- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

تشبیه در ابیات گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ۱- اشـک مـی‌گـون / ۲- شـمع‌وار / ۳- خـون لعـل (آتـش دل استعاره از عشق است و چشم ساغر اضافهٔ استعاری است.)

گزینهٔ «۲»: ۱- من گویی جواب سائل هسـتم (انگـار مـن ماننـد پاسـخ بـه گدایان، معیار ناامیدی هستم.)

گزینهٔ «۳»: ۱- صدف لفظ / ۲- معنی چون در / ۳- گـوهر شـعر / ۴- کـان دل (کان: معدن)

گزینهٔ «۴»: ۱- بر شادی (بر: میوه) / ۲- اندوه به تخم مانند شده است.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۷- گزینهٔ «۲» *(سید علیرضا احمدی)*

الف: «گل» استعارهٔ مصرحه از یار

ج: «زر» استعاره از چهره

تشریح سایر گزینه‌ها:

ب: «سنگ عشق» اضافهٔ تشبیهی است.

د: «سرو بالا» اضافهٔ تشبیهی است. «چمن» هـم مجـاز از «بـاغ و بوسـتان» است، نه استعاره.

هـ: «جام عشق» اضافهٔ تشبیهی است.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۸- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

نگار استعارهٔ مصرحه از یار/ تشبیهات: ۱- نگار مه‌وش ۲- خورشیدرو (تشبیه درون‌واژه‌ای)

تشریح سایر ابیات:

گزینهٔ «۱»: «عقیق جان‌فزایت» استعارهٔ مصرحه از لـب معشـوق و «آب کـوثر» (اعتبار و آبروی چشمه کوثر) اضافهٔ استعاری و استعارهٔ مکنیه/ تشبیه مرجح لـب یار به چشمهٔ کوثر (لب یار باعث رفتن آبروی چشمهٔ کوثر می‌شود، یعنی لب یار در جان‌بخشی و جان‌فزایی مانند چشمهٔ کوثر است؛ بلکه هم برتر از آن)

گزینهٔ «۲»: «آتش دل» استعارهٔ مصرحه از عشق و «آب آتش‌فـام» اسـتعارهٔ مصرحه از شراب / تشبیه: آب آتش‌فام

توضیح نکته درسی:

واژهٔ «فام» می‌تواند دو معنا داشته باشد. از یک سو معنای «رنگ» (همانطور که در بیت گزینهٔ «۲» آمده است «آب آتش‌فام» به معنای آب آتش‌رنگ یـا همان سرخ است که استعارتاً معنای شراب می‌دهد و فام، وجه شبه اسـت و از سوی دیگر معنای «مانند» می‌دهد که در این صورت ادات تشبیه است.

گزینهٔ «۳»: استعاره‌ها: ۱- دود جگر (اضافهٔ اسـتعاری) ۲- شـمع عـالم‌تـاب (استعارهٔ مصرحه از خورشید) ۳- شبستان (استعاره از آسمان تاریک) / مهـر رو (اضافهٔ تشبیهی)

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۹- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

الف: استعارهٔ مکنیه: فعل «چاک زده» و «دیده» برای گـل نسـترن اسـتفاده شده است. / استعارهٔ مصرحه: صنم (یار) / تشبیه: گل‌رخسار

ب: استعارهٔ مکنیه: تیره‌رویی برای گـل سـنبل اسـتفاده شـده اسـت. / اسـتعارهٔ مصرحه: - / تشبیه: ترجیح طرهٔ (موی پیشانی) یار بر گل سنبل (تشبیه مرجح)

ج: استعارهٔ مکنیه: بار بردن برای گل استفاده شده است. / استعارهٔ مصـرحه: - / تشبیه: بار نسیم

د: استعارهٔ مکنیه: فعل «دهان گشوده است» برای گل سوری استفاده شـده است. / استعارهٔ مصرحه: بت (یار) / تشبیه: تـرجیح رخ یـار بـر گـل سـوری (تشبیه مرجح)

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۵۰- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

مست بودن چشم و خواب بودن بخت دارای تشخیص و استعاره هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لعبت چشم: اضافهٔ تشبیهی

گزینهٔ «۲»: مصراع دوم فاقد تشخیص است.

گزینهٔ «۳»: ای [کسی که] لب می‌گون تو هم‌چون شراب و شکر است، و ای [کسی که] دل پرخون من [برای تو] مثل نمک و کباب است.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۵۱- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

بررسی وزن گزینهٔ «۳»:

پایه‌های آوایی	مَن	وَقف	کَر	دِ	ءَم	بِ	تُ
نشانه‌های هجایی	-	U | -	-	U	-	U	U
دسته‌بندی اول	مستفعلن		مفاعل				

پایه‌های آوایی	مَر	دِل	را
نشانه‌های هجایی	-	-	-
دسته‌بندی اول	مفعولن		

نکته: اوزانی که با رکن عروضی مفعول **(U – –)** شروع می‌شوند را می‌توان دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد. اما دقّت کنیـد کـه دو وزنِ «مسـتفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» و «مستفعلن مسـتفعلن مسـتفعلن فـع» بـا الگوی **(U – –)** شروع می‌شوند، ولی دو برش هجایی ندارند. ایـن دو وزن در اکثر سؤال‌ها به عنوان دام تستی به کار می‌روند تا شـما را دچـار اشـتباه بکنند. همچنین بدانید که در تعیین مرز پایه‌ها و نیـز دسـته‌بنـدی هجاهـا، نظم همسان، بر ناهمسان ترجیح دارد و وزن بیت را بهتر نشان می‌دهد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۲- گزینهٔ «۴» *(رضا رنجبری)*

گاهی با توجّه به وزن عروضی یک بیت، برخی واژه‌هـا تلفّـظ متفـاوتی پیـدا می‌کنند و همین امر، بر نـوع الگـوی هجـایی آن‌هـا نیـز تـأثیر مـی‌گـذارد. «گلستان» نمونه‌ای از این واژه‌ها است که می‌توانیم آن را در یک سروده، به دو صورت تلفّظ کنـیم: گُلِسْـتان **(U – –)** و گُلْسِـتان **(– U –)**. بـا ایـن توضیح، می‌بینیم که فقط در گزینـهٔ «۴»، ایـن واژه بـه صـورت «گُلْسِـتان» هجابندی و تلفّظ می‌شود.

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

بررسی وزن گزینهٔ «۴»:

پایه‌های آوایی	هَر	شَ	جَر	گَر	دَد	هَـ	می	دَر
نشانه‌های هجایی	–	U	–	–	–	U	–	–

پایه‌های آوایی	گُل	سِ	تان	بی	بَر	گُ	بَر
نشانه‌های هجایی	–	U	–	–	–	U	–

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) الگوی هجایی بیت به صورتِ «– U – – – U – – – U – – – U – –» است و گلستان را باید به شکلِ «U – –» هجابندی کنیم.

۲) الگوی هجایی بیت به صورتِ «U – – – U – – – U – – – U – – –» است و گلستان را باید به شکلِ «U – –» هجابندی کنیم.

۳) الگوی هجایی بیت به صورتِ «– U – – – U – – – U – – – U –» است و گلستان را باید به شکلِ «U – –» هجابندی کنیم.

نکته: از این واژه‌ها می‌توان به «خِضْر (خِضِر)، حَیْوان (حَیَوان)، گُلِسْتان (گُلِستان)، نیم (نِیَم)، بود (بُوَد)، طَرَف (طَرْف)، تُرْش (تُرُش) و ...» اشاره کرد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی‌شعر)

۵۳- گزینهٔ «۲» *(رضا رنجبری)*

الگوی هجایی بیتِ صورت سؤال و گزینهٔ «۲»:

صورت سؤال	پایه‌های آوایی	عَق	لین	قَ	دَ
گزینهٔ «۲»		مَع	شو	قِ	شَ
نشانه‌های هجایی		–	–	U	U

صورت سؤال	پایه‌های آوایی	رَز	حَ	ری	مِ	وَص	لَت
گزینهٔ «۲»		هیـ	دِ	عِش	قِ	خُد	را
نشانه‌های هجایی		–	U	–	U	–	–

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) – – – U U – – – – – U U – –

۳) – – – U – U – U U – –

توجّه: تفاوت این گزینه با بیتِ صورت سؤال، فقط در یک هجای بلند است که آن هم در پایان مصراع آمده.

۴) – – U U – – U U – – U U – –

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۴- گزینهٔ «۲» *(سید محسن رضوی)*

وزن گزینهٔ «۲» ناهمسان و «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» است که ۴ پایهٔ آوایی دارد. توجه کنید که «فع» در انتها، خود، یک پایه محسوب می‌شود، هرچند تک‌هجایی! تقطیع مصراع دوم:

مفتعلن	فاعلاتُ	مفتعلن	فع
چن دُ نِ شی	نی کِ خا چِ	کی بِ دَ را	یَد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هم به چن بر/ گُ ذا ر خا / هد بود: فاعلاتن / مفاعلن / فعِلن، یعنی ۳ پایه

گزینهٔ «۳»: بِ دان سا عت/ کِ از تن گی/ رَ ها گش تی: مفاعیلن/ مفاعیلن/ مفاعیلن، یعنی ۳ پایه (توجه: این وزنِ پربسامدی نیست. معمولاً می‌بینیم در پایهٔ سوم «فعولن» یا «مفاعی» آمده است، یعنی حالت محذوف.)

گزینهٔ «۴»: یـا ری زِ / صـب ر خـا ه/ کِ یـا ری نیسـت: مفعـولُ/ فـاعلاتُ / مفاعیلن، یعنی ۳ پایه (توجه: این وزن به صورت «مستفعلن مفاعلُ مفعولن» هم قابل دسته‌بندی است که آن هم ۳ پایه دارد.).

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر)

۵۵- گزینهٔ «۳» *(سید محسن رضوی)*

پیشنهاد می‌شود در این نوع سؤالات به جای دست به تقطیع شدن، ابتدا وزن کل مصراع را تشخیص دهید و بعد علایم هجایی را با وزنی که تشخیص داده‌اید مقایسه کنید!

گزینهٔ «۱»: رقصان ز عدم به سوی هست آمد:

مفعولُ / مفاعلن / مفاعیلن

– – – U / – U – U / U – –

اما علایم هجایی این گزینه در پایهٔ آخر « U – – » مرقوم شده، یعنی یک هجا کمتر، پس اشتباه است.

گزینهٔ «۲»: درِ خزانه به مهر تو و نشانه‌ی توست:

مفاعلن / فعلاتن / مفاعلن / فعلن:

– U U / – U – U / – – U U / – U – U

اما علایم هجایی این گزینه در رکن آخر فعلاتن یا « U U – – » مرقوم شده، یعنی یک هجا بیشتر، پس اشتباه است. در حقیقت علایم هجایی این گزینه، صورت همسان دولختی این وزن را نشان می‌دهد، یعنی دوبار مفاعلن فعلاتن کامل.

گزینهٔ «۳»: بی‌دل و بی‌یار همچنان که تو دیدی:

مفتعلن / فاعلاتُ / مفتعلن / فع

– / – U U – / U – U – / – U U –

که کاملاً منطبق بر علایم درج شده در این گزینه است.

گزینهٔ «۴»: فریاد در نهاد بنی‌آدم اوفتد:

مفعولُ / فاعلاتُ / مفاعیلُ / فاعلن

– U – / U – – U / U – U – / U – –

اما در گزینهٔ «۴»، پایهٔ آخر « ـــ ـــ » ذکر شده، پس نادرست است. (او فِ تد = **– U –**)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر)

۵۶- گزینهٔ «۳» *(اکبر یعیوی)*

بررسی موارد:

الف: فاعلاتُ مفعولن فاعلاتُ مفعولن (فاعلن مفاعیلن فاعلن مفـاعیلن) ← از اوزان دولختی و دارای دو دسته‌بندی هجایی

ب: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن ← از اوزان ناهمسان

ج: مفعولُ مفاعلن مفاعیلن (مستفعِلُ فاعِلاتُ مفعولن) ← از اوزان ناهمسان و دارای دو دسته‌بندی هجایی

د: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن (مستفعلن مفاعِلُ مفعولن) ← از اوزان ناهمسـان و دارای دو دسته‌بندی هجایی

هـ: مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فَع ← از اوزان ناهمسان

بنابراین، ابیات «**ب و د**» بـه‌ترتیـب دارای وزن ناهمسـان و دو دسـته‌بنـدی هجایی هستند؛ پس پاسخ گزینهٔ «۳» (ب ـ د) است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۷- گزینهٔ «۴» *(سید محسن رضوی)*

وزن‌واژه‌ها و تقطیع مطابق آنها در همهٔ گزینه‌ها به شرح زیر است:

گزینهٔ «۱»: ترسم ای میوهٔ درخت بلند: فاعلاتن مفاعلن فعلن

فاعلاتن				مفاعلن				فعلن		
–	U	–	–	U	–	U	–	U	U	–
تر	سَ	مِی	می	وِ	یِ	دِ	رخ	تِ	بُ	لند

در خوانش صحیح، حذف همزه واژهٔ «اِی» و تغییر کمیـت هجـای «یِ» در «میوه‌یِ» به هجای بلند عیان می‌شود!

گزینهٔ «۲»: حال از دهان دوست شنیدن چه خوش بـود: مسـتفعلن مفاعـل مستفعلن فعل

مستفعلن				مفاعلُ			
–	U	–	–	U	U	–	U
حا	لَز	دَ	ها	نِ	دو	س	شِ

مستفعلن				فعل	
–	U	–	U	–	U
نی	دَن	چِ	خُش	بُ	وَد

پس رکن دوم، «مفاعلُ» است، نه مفاعلن!

گزینهٔ «۳»: این زهر کشنده انگبین بخشد

مفعولُ			مفاعلن				مفاعیلن			
–	–	U	U	–	U	–	U	–	–	–
این	زَه	رِ	کُ	شَن	دِ	اَن	گَ	بین	بخ	شد

پس پایهٔ آخر «مفاعیلن»، نه «فعولن». در حقیقـت وزن بیـت در انتهـا یـک هجا بیشتر دارد.

گزینهٔ «۴»: آنها کجا شدند و کجا اینها

مفعولُ			فاعلاتُ				مفاعیلن			
–	–	U	U	–	U	–	U	–	–	–
آن	ها	کُ	د	دن	شُ	جا	کُ	جا	این	ها

که دقیقاً همـان وزن مـذکور در گزینـهٔ «۴» اسـت. پیشـنهاد مـی‌شـود بـه تشخیص سـماعی و تسـلط بـر پایـه‌هـای وزن گزینـه‌هـای «۳ و ۴» توجـه بیشتری کنید.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

۵۸- گزینهٔ «۱» *(سید علیرضا احمدی)*

وزن بیت گزینهٔ «۱»، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» اسـت -کـه وزنـی اسـت ناهمسان- و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت می‌توانیم وزن «مستفعل مسـتفعل مستفعل مستف» - که وزنی همسان است- را برای آن درنظر بگیریم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینـهٔ «۲»: مسـتفعلن مسـتفعلن مسـتفعلن مسـتفعلن (همسـان) قابلیـت دسته‌بندی هجایی دوگانه را ندارد.

گزینهٔ «۳»: مفعول فاعلات مفاعیـل فاعلن(ناهمسـان) و بنـابر دسـته‌بنـدی هجایی متفاوت: مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (ناهمسان)

گزینهٔ «۴»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (همسان) و بنـابر دسـته‌بنـدی هجایی متفاوت: مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (همسان)

توضیح نکته درسی:

اوزانی که دسته‌بندی هجایی دوگانه‌ای دارند:

مفعول مفاعلن فعولن=مستفعل فاعلات فعلن (هر دو ناهمسان)

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن=مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (هر دو ناهمسان)

مفعول مفاعیل مفاعیل فعل=مستفعل مستفعل مستفعل فع (هر دو ناهمسان)

مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن= مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن (هر دو همسان)

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن=مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (هر دو همسان)

مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن=مسـتفعل مسـتفعل مسـتفعل مسـتف (اولـی ناهمسان و دومی همسان)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر)

۵۹- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

مفاعلن (خِ یا لِ وَص) فعلاتن (لِ تُ ام ار) مفاعلن (نَ بو دُ آ) فعلاتـن (بِ حَ یا تم)

مفاعلن (فَ غان ز آ) فعلاتن (تَ شِ سو ز) مفاعلن (جِ گر دَ قی) فعلاتـن (قِ دَ قی قِ)

هجای هشتم مصراع دوم در تقطیع هجایی کوتاه است، ولی بنا بـر ضـرورت وزن شعر، بلند تلفظ می‌شود. این مورد را در درس پنجم علوم و فنون ادبـی ۳ تحت عنوان اختیارات زبانی خواهیم خواند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر)

۶۰- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

بیت صورت گزینهٔ «۴» به نامعلوم بودن ماهیت دنیـا و هسـتی اشـاره دارد، ولی رباعی پیامی عاشـقانه دارد و دنیـا را بـدون یـار، نیسـت و نـابود فـرض می‌کند،

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: وزن رباعی همـواره قابلیـت دسـته‌بنـدی بـه‌صـورت همسـان و ناهمسان را دارد. صورت همسان آن «مستفعل مستفعل مستفعل فع» اسـت و صورت ناهمسان آن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است.

گزینهٔ «۲»: واژه‌های مست، دست و هست هم قافیه هستند و حروف اصـلی قافیه «ـَ ست» است که متشکل از یک مصوت و دو صامت است.

گزینهٔ «۳»: «روی» مجاز از کل وجود / «ملک وجود» تشبیه بلیغ اضـافی و «دل کسی رفتن» کنایه از عاشق شدن است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، بیان و مفهوم)

جامعه‌شناسی (۳)

۶۱- گزینهٔ «۳» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

از آنجا که ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می کنیم دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیرهٔ دانشی، صفحهٔ ۴)

۶۲- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

گزینهٔ «۱» مربوط به دیدگاه اول و گزینه‌های «۳» و «۴» مربوط به دیدگاه سوم است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیرهٔ دانشی، صفحهٔ ۸)

۶۳- گزینهٔ «۴» *(جواد جلیلیان)*

هر وقت در یک جامعه مسئلهٔ خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی دربارهٔ آن نیز فراهم می‌گردد.

افرادی که دربارهٔ مسائل و مشکلات دانش علمی دارند از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۶۴- گزینهٔ «۱» *(ریحانه امینی)*

مطابق آن دیدگاه، دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند بلکه خلق و بازسازی آن هستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۳، ۶ و ۸)

۶۵- گزینهٔ «۴» *(محمدمهدی یعقوبی)*

هر علمی دربارهٔ موضوع خاصی بحث می‌کند. علوم انسانی دربارهٔ کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۱)

۶۶- گزینهٔ «۲» *(یاسین ساعدی)*

در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۶)

۶۷- گزینهٔ «۱» *(سینا غلامی)*

دانش علمی در جهان اسلام منحصر و محدود به دانش تجربی نیست و علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز در بر می‌گیرد. ایدهٔ علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در ارتباط با حل تعارض مطرح شده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۶۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

نمودار نشان می‌دهد که دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی را نیز شامل می‌شود. دانش عمومی نیز دانش غیرموثق و نامعتبر نیست بلکه کم و بیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را نیز دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیرهٔ دانشی، صفحهٔ ۸)

۶۹- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

- کنش اجتماعی بخشی از کنش انسانی است.

- موضوع علوم انسانی، عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند ولی برخی علوم انسانی در زمرهٔ علوم اجتماعی نیستند. روان‌شناسی نمونه‌ای از علوم انسانی و جامعه‌شناسی نمونه‌ای از علوم اجتماعی‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۱)

۷۰- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

تصاویر صفحهٔ ۱۴ کتاب درسی با متن صفحهٔ قبل خود کاملاً ارتباط مفهومی داشته و مراد از این تصاویر این بوده که نشان دهند علوم اجتماعی با داوری دربارهٔ علوم طبیعی، درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کنند از طبیعت و علوم طبیعی (بدون آسیب رساندن به دیگر ساختمان‌ها) به شیوهٔ صحیح استفاده کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

جامعه‌شناسی (۱)

۷۱- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

ـ تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف است. چنین تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند.

ـ «انسان تربیت‌پذیر است» مربوط به لایهٔ عقاید از نهاد تعلیم و تربیت است.

ـ فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا بایدها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۵، ۴۱ و ۵۰)

۷۲- گزینهٔ «۱» *(مهراد کرمی)*

فرهنگ یکی از پدیده‌های اجتماعیِ کلان است که ملموس و عینی نیست بلکه ذهنی است.

تصور از معلم یک پدیدهٔ خرد و ذهنی است.

شهر یکی از پدیده‌های اجتماعیِ کلان است و عینی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

نرفتنی‌ها | تضمین موفقیت

۷۳- گزینهٔ «۳» *(امیرحسین فزایی)*

وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «نهادهای اجتماعی» آشکار می‌شوند. افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و ... قادر به ادامهٔ زندگی نیستند. برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راه‌های متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحهٔ ۳۴)

۷۴- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

در جهان غرب نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظیفهٔ جامعه‌شناسی، مطالعهٔ جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعهٔ جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشتهٔ بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیهٔ رشد خود باقی مانده‌اند. (جوامع غیرغربی) وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفهٔ حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند. از این رو یکی از مهم‌ترین انتقادها به خودمداری فرهنگ غرب و تصور سادهٔ آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحهٔ ۳۹)

۷۵- گزینهٔ «۴» *(فاطمه رضائیان)*

موارد «الف» و «ج» مربوط به نگاه خطی به جوامع و موارد «ب» و «د» مربوط به دیدگاه عرضی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

۷۶- گزینهٔ «۴» *(ریحانه امینی)*

- جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند ارزیابی کرد.
- نظریهٔ استعمار محصول دیدگاه خطی به جوامع (جهان‌های اجتماعی در طول هم) است.
- هر جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۳ و ۴۸)

۷۷- گزینهٔ «۳» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

موارد به‌ترتیب مربوط به جهان‌های دنیوی، اساطیری و معنوی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحهٔ ۵۱)

۷۸- گزینهٔ «۲» *(ریحانه امینی)*

در جهان متجدد عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به وسیلهٔ او به کار گرفته می‌شوند؛ دگرگون می‌شوند؛ به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحهٔ ۵۲)

۷۹- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

عبارت «اول»: تنوع جهان‌های اجتماعی

عبارت «دوم»: تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی واحد

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

۸۰- گزینهٔ «۳» *(امیرمهدی افشار)*

- انسان‌ها در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند، ابتدا آن موقعیت را برای خود تعریف می‌کنند و به آن معنا می‌دهند و سپس در آن موقعیت دست به عمل می‌زنند.
- تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.
- هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است.
- منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۰، ۴۷ و ۵۰)

جامعه‌شناسی (۲)

۸۱- گزینهٔ «۱» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

اصول اعتقادی و ارزش‌های اسلام، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همهٔ انبیاء در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آنها مبعوث شده‌اند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۲۷)

۸۲- گزینهٔ «۱» *(یاسین ساعدی)*

در دوران خلافت، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی دوباره در جامعهٔ اسلامی نمایان شد و به تدریج قدرت در جامعهٔ اسلامی را براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای شکل داد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۲۹)

۸۳- گزینهٔ «۱» *(مریم خسروی رهنوی)*

علم جدید با رویکرد دنیوی خود، دیگر وظیفهٔ شناخت حقیقت عالم و مسئولیت عبور انسان را از ملک به ملکوت بر عهده نداشت؛ بلکه به تدریج به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد و از این جهت به دستاوردهای شگرفی نائل آمد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحهٔ ۵۱)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر توفیق

۸۴- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

- استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایهٔ قدرت و سلطهٔ جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غـرب، چـاره‌ای جـز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.

- اومانیسم از نتایج منطقی سکولاریسم اسـت. اگـر در کـانون هسـتی یـک وجود مقدس و متعالی باشد، هیچ موجودی در مقابل آن نمـی‌توانـد اصـالت داشته باشد و همهٔ موجودات از جمله انسان، آیات و نشـانه‌هـای او خواهنـد بود.

- حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهـت اصـلاح دینـی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها فقط با قدرت پاپ مخالفت داشتند و بـا جریان دنیاگرا تقابل نداشتند. بخشـی دیگـر رویکـرد معنـوی داشـتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار گرفتند. حرکت‌های نوع اول با حمایت قدرت‌های محلی توانستند بخشی از اروپای مسیحی را از تسلط کلیسا خارج سازند.

(جامعه‌شناسی (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۳۱، ۳۹ و ۴۷)

۸۵- گزینهٔ «۳» *(سینا غلامی)*

- روشنگری با رویکرد دنیوی اگر با شناخت عقلـی همـراه باشـد، بـه دلیـل اینکه وحی را نمی‌پذیرد، به دئیسم منجر می‌شود.

- دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامـه‌ای بـرای هـدایت و سـعادت بشر ندارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحهٔ ۴۲)

۸۶- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۹۸)*

- روشنگری در معنای عام خود، پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بـین بـردن مـوانعی آمده‌اند که راه را بر حقیقت بسته‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه روش‌هـای شـناخت حقیقـتانـد. روشـنگری در ایـن معنـا، اگـر بـا هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی همراه باشد، با استفاده از وحی، عقل و تجربه، تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد.

- روشنگری در معنای خاص، به مبنـای معرفـت‌شناسـی پذیرفتـه‌شـده در فرهنگ غرب گفته می‌شـود و روشـی از معرفـت و شـناخت اسـت کـه بـا سکولاریسم و اومانیسـم همـراه شـده اسـت. ایـن روش در طـول بـیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب، شکل‌های مختلفی پیدا کرده اسـت کـه وجه مشترک همهٔ آن‌ها کنار گذاشتن وحی و شـهود در شـناخت حقیقـت است. روشنگری با رویکرد دنیوی، اگر با شناخت عقلی همراه باشد، به‌دلیل این‌که وحی را نمی‌پذیرد به دئیسم منجر می‌شود. دئیسم یعنی اعتقـاد بـه خدایی که هیچ برنامه‌ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

۸۷- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

استبداد قومی می‌کوشید با رعایت ظواهر اسلامی ظاهر دینی خود را حفـظ کند (ساخت تکیهٔ دولت توسط ناصرالدین شاه). استبداد استعماری چـاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت (ممنوعیت حجاب)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۳۱)

۸۸- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی و اندیشه‌های فلسفی روشـنگری و رنسانس ← انقلاب فرانسه (ب)

فراهم شدن زمینه‌های عبور از اقتصاد کشـاورزی اربـاب- رعیتـی ← رشـد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا (الف)

جنگ‌های صلیبی، مواجههٔ اروپاییان با مسلمانان و فتح قسطنطنیه ← ایجاد زمینه‌های فروریختن اقتدار کلیسا (ج)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷ و ۵۳)

۸۹- گزینهٔ «۴» *(امیرمهدی افشار)*

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه‌هایی است که ابعاد معنوی هسـتی را نفی نمی‌کنند؛ بلکه بخش‌هایی از باورهای معنـوی و دینـی را در خـدمت اهداف دنیوی و این‌جهانی قرار می‌دهند و از توجه یـا عمـل بـه بخـش‌هـای دیگر سر باز می‌زنند.

رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن با عنوان پروتستانتیسـم یـاد می‌شود. مانند دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ در جهان غرب.

در جهان غرب سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالـب درآمـده اسـت؛ بـه گونه‌ای که دین‌داران؛ نـاگزیر هنجارهـا و رفتارهـای دینـی خـود را توجیـه دنیوی و این‌جهانی می‌کنند. ماننـد توجیـه هنجارهـا و رفتارهـای دینـی بـا تفاسیر دنیوی.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحهٔ ۳۸)

۹۰- گزینهٔ «۴» *(علیرضا حیدری)*

دنیاگرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مـردم، زمینـهٔ گسـترش فلسفه‌های روشنگری را فراهم آورد و فلسفه‌های روشـنگری، سکولاریسـم را از لایه‌های سطحی فرهنگ غرب به لایه‌های عمیق آن تسری داد و فرهنـگ معاصر غرب را پدید آورد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحهٔ ۵۰)

روان‌شناسی

۹۱- گزینهٔ «۲» *(محمدعرفان فرهادی)*

«الف»: نادرست است؛ روان‌شناسی رشد تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی از زمان انعقاد نطفه تا هنگام مرگ در آدمی رخ می‌دهد، مطالعه کند.

«د»: نادرست است؛ فراخنای زندگی به معنای طول زندگی یا دامنهٔ زندگی است، نه شناسایی پیش‌بینی تغییرات در طول زندگی.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۳۷)

۹۲- گزینهٔ «۲» *(محمدعرفان فرهادی)*

زمانی که گفته می‌شود همهٔ انسان‌ها در برخی از ویژگی‌ها شباهت دارند به نقش وراثت و رسش اشاره دارد؛ چون محیط همهٔ انسان‌ها یکسان نیست که ویژگی‌های مشترک ایجاد کند.

تشریح گزینه‌های درست:

گزینهٔ «۱»: مفهوم بیت این است که همنشینی با افراد خوب را از دست نده، چرا که در اثر همنشینی با آن‌ها تو هم خوب می‌شوی که نقش عامل محیطی بر رشد را نشان می‌دهد.

گزینهٔ «۳»: دوقلوهای همسان دارای ویژگی‌های وراثتی یکسان هستند؛ زیرا هر دو از یک تخمک به وجود آمده‌اند و الزاماً هم‌جنس نیستند.

گزینهٔ «۴»: مفهوم بیت این است که آهنی که ذاتش بد باشد با هیچ تلاشی به گوهر ارزشمندی تبدیل نخواهد شد که نقش عامل وراثت بر رشد را نشان می‌دهد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

۹۳- گزینهٔ «۳» *(هانا احمدزاده)*

بررسی سایر گزینه‌ها:

ـ ۱۲ سالگی هم‌زمان با شروع بلوغ جنسی، آغاز دورهٔ نوجوانی می‌باشد. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

ـ بازهٔ زمانی ۲ تا ۷ سالگی را کودکی اول می‌نامند. در این مرحله نباید از فرزند توقع اطاعت و فرمانبری داشت و باید سعی کرد با عمل و گفتار صحیح از حس تقلیدش بهره برد. (رد گزینهٔ ۱)

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۴۴)

۹۴- گزینهٔ «۳» *(محمد حبیبی)*

گزینهٔ «۳» کاملاً با دو بخش اساسی متن کتاب درسی همخوانی دارد: اول اینکه صفات از طریق کروموزوم‌های هر دو والد (۲۳+۲۳) به ارث می‌رسند، و دوم اینکه عوامل محیطی و روانی (مانند تغذیه، داروها و ارتباط معنوی) به‌صراحت در متن به‌عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت رشد قبل از تولد ذکر شده‌اند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دارای دو خطای آشکار است:

۱- صفات منحصراً از طریق پدر منتقل نمی‌شوند، بلکه سهم دقیقاً ۵۰-۵۰ از مادر و پدر است.

۲- کتاب درسی صریحاً فشار روانی (استرس) را یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد معرفی می‌کند، در حالی که این گزینه آن را بی‌تأثیر می‌داند.

گزینهٔ «۲»: دچار اشتباه مفهومی در مورد کروموزوم‌هاست. متن کتاب تعداد کروموزوم‌های نطفه طبیعی را به‌صورت قطعی ۴۶ عدد اعلام می‌کند و عوامل محیطی (مانند آلودگی و تغذیه) را تنها بر چگونگی و کیفیت رشد مؤثر می‌داند، نه بر تعداد کروموزوم‌ها. تعداد کروموزوم‌ها در نوسان نیست.

گزینهٔ «۴»: دارای دو خطای اساسی است:

۱- وراثت صفات به سن مادر وابسته نیست، بلکه به کروموزوم‌های هر دو والد بستگی دارد (سن مادر فقط یکی از عوامل محیطی مؤثر بر رشد است، نه عامل وراثت).

۲- متن کتاب به‌وضوح اشاره دارد که داروها بر رشد قبل از تولد (دوران جنینی) تأثیر می‌گذارند، نه فقط پس از تولد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۴۵)

۹۵- گزینهٔ «۳» *(هانا احمدزاده)*

ـ منظور از رشد در دورهٔ کودکی، از زمان تولد تا ۱۱_۱۲ سالگی است.(رد گزینهٔ ۴)

ـ بسیاری بر این باورند که روان‌شناسی رشد فقط خصوصیات دورهٔ کودکی را بررسی می‌کند، در حالی که روان‌شناسی رشد مطالعه علمی انسان از زمان انعقاد نطفه تا پایان زندگی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

ـ این دورهٔ سنی (دورهٔ کودکی)، نسبت به سایر دوره‌های بعدی رشد، اهمیت زیادی دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۴۵)

۹۶- گزینهٔ «۲» *(محمد حبیبی)*

کودک ۱ (۵ ماهه): وقتی شیء کاملاً از دید خارج می‌شود، او آن را فراموش می‌کند و جست‌وجو نمی‌کند؛ چون هنوز درک نکرده که اشیا پس از ناپدید شدن همچنان وجود دارند.

کودک ۲ (۴ ساله): کودکان این سن بیشتر جذب اندازه و ظاهر فیزیکی می‌شوند تا ارزش واقعی؛ بنابراین بادکنک بزرگ را به سکهٔ طلای کوچک ترجیح می‌دهند.

کودک ۳ (۵ ساله): کودکان تا قبل از دبستان تحت تأثیر ویژگی ظاهری اشیاء قرار می‌گیرند؛ بنابراین کودک به جای توجه به حجم واقعی، فقط به بلندی ظرف نگاه می‌کند و فکر می‌کند ظرف بلندتر، آب بیشتری دارد؛ پس ظرف بلند و باریک را انتخاب می‌کند.

نکته: هر سه رفتار نشان می‌دهد که در سال‌های اولیه، کودکان تحت تأثیر ظاهر و ویژگی‌های محسوس قرار می‌گیرند، نه مفاهیم انتزاعی مانند ارزش یا حجم واقعی.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۴۸)

۹۷- گزینهٔ «۳» *(محمد حبیبی)*

رفتار کودک در موقعیت اول نشان می‌دهد که او واکنش مادر را نه به‌عنوان بازخورد منفی (نهی)، بلکه به‌عنوان یک هیجان جذاب و مثبت تفسیر کرده است. این دقیقاً همان فرایند «جهت‌دهی هیجانی از طریق دریافت واکنش دیگران» است که در متن کتاب درسی به آن اشاره شده؛ یعنی کودک با توجه به واکنش مادر، به هیجان خود (و رفتارش) معنا می‌بخشد، حتی اگر آن معنا برخلاف قصد مادر باشد.

علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: نادرست است؛ زیرا هیجان مادر در موقعیت اول «ساده و زیستی» محسوب نمی‌شود و در موقعیت دوم نیز سکوت مادر به‌معنای مرکب‌بودن هیجان او نیست. همچنین خودِ واقعه به‌تنهایی تعیین‌کنندهٔ نوع هیجان کودک نیست.

گزینهٔ «۲»: نادرست است؛ زیرا کتاب این موضوع را بیان نکرده کـه کـودک توانایی تشخیص خشم از محبت را ندارد. همچنین سـکوت مـادر منجـر بـه شکل‌گیری «ترحم» در کودک نمی‌شود.

گزینهٔ «۴»: نادرست است؛ زیرا در موقعیت اول، «غلبه نظام پردازش فردی» مطرح نیست (کودک تابع تفسیر خود از واکنش محیط اسـت، نـه پـردازش کاملاً درونی). همچنین در موقعیت دوم، فقدان بازخورد محیطـی لزومـاً بـه تعمیم خشم به پشیمانی ختم نمی‌شود و این اسـتدلال، علیـت نادرسـتی را نشان می‌دهد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۹ و ۵۰)

۹۸- گزینهٔ «۳» *(محمد حبیبی)*

در گزینهٔ «۳»، ترتیب آموزش کاملاً معکوس است. کودک ابتـدا مجبـور بـه انجام یک حرکت ظریف (کار با موچین و برداشتن برچسب ریز) می‌شود که نیازمند هماهنگی دقیق انگشتان است؛ در حالی که هنوز عضلات درشـت او برای فعالیت اصلی (بلند کردن جعبه) کنترل نشده‌اند. ایـن دقیقـاً بـرخلاف قاعدهٔ رشدی «ابتدا درشت، سپس ظریف» اسـت و در دنیـای واقعـی باعـث شکست اولیه و ناامیدی کودک می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

هر سه گزینه به‌درستی از الگوی «اول کنتـرل عضـلات بـزرگ و همـاهنگی دست‌ها، سپس کنترل عضلات ریز و دقیق انگشتان» پیروی کرده‌اند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۴۷)

۹۹- گزینهٔ «۲» *(نگین مرسلی)*

الف) از ابتدایی‌ترین علائم رشد اجتماعی: لبخند اجتماعی که در حدود ۳-۲ ماهگی بروز می‌یابد.

ب) ترس از غریبه معمولاً در حدود ۷ تا ۸ ماهگی رخ می‌دهد.

ج) در سنین اولیه، کودکان در کنار هم بازی مـی‌کننـد، امـا هرکـدام بـازی انفرادی خود را دارند.

د) قاعده‌مند و مشترک شدن بازی در سنین بالاتر بیانگر رشد اجتماعی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۱۰۰- گزینهٔ «۴» *(نگین مرسلی)*

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ «۱»: در رشد درک اخلاقی، اخلاقی بودن یک رفتار لزوماً بـه معنـای آن نیست که فرد فقط به دلیل درست بودن آن رفتار را انجام دهد. کودکان نیز می‌توانند رفتارهای اخلاقی داشته باشند، اما ممکن است انگیزهٔ آنـان بـا انگیزهٔ افراد بزرگسال متفاوت باشد.

گزینهٔ «۲»: در این سن، کودکان ممکن است یک رفتار را اخلاقی بدانند، اما انگیزهٔ انجام آن رفتار نیز در نحوهٔ شـکل‌گیـری درک اخلاقـی آنـان اهمیـت دارد. سارا به دوستش برای خوشحال کردن او کمک مـی‌کنـد؛ درحـالی‌کـه ممکن است فرد بزرگسال همان رفتار را به دلیل درست و اخلاقی بـودن آن انجام دهد.

گزینهٔ «۳»: کودکان می‌توانند رفتارهایی را اخلاقی یا درسـت تلقـی کننـد؛ نکته این است که درک آنان از اخلاق و انگیزه‌ها هنـوز بـا درک بزرگسـالان یکسان نیست زیرا برای اخلاق یک فرایند تدریجی و پیچیده طی می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۰۱- گزینهٔ «۱» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

«إنّی»: همانا من، بی‌گمان من، قطعاً من (رد گزینـه‌هـای ۲ و ۳) / «رَأیـتُ» (صیغهٔ متکلّم‌وحده): دیدم (رد گزینهٔ ۳) / «أحـد عشـرَ»: یـازده / «کوکبـاً و الشّمس و القمر»: ستاره، خورشید و ماه / «رَأیتُهُم»: آن‌ها را دیدم (رد سـایر گزینه‌ها) / «ساجِدینَ»: سجده‌کنان (رد گزینهٔ ۲)

در گزینهٔ «۴»، «در آسمان» و «بودند» اضافی آمده است. (رد گزینهٔ ۴)

(ترجمه)

۱۰۲- گزینهٔ «۳» *(ابوطالب درانی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اِصبِرْ: (فعل امر مخاطب) صبر کن

گزینهٔ «۲»: أعلَمُ: (فعل مضارع متکلّم‌وحده) می‌دانم

گزینهٔ «۴»: أنزَلَ: (فعل ماضی غایب) فروفرستاد

(ترجمه)

۱۰۳- گزینهٔ «۱» *(عمار تاجبخش)*

«قدرُ»: ارزش/ «کُلٌّ مِنّـا»: هـر کـدام از مـا، هـر یـک از مـا (رد گزینـهٔ ۲) / «نُحسِنُه»: آن را خوب انجام می‌دهیم (رد گزینهٔ ۴) / «فَعلینا»: پـس بـر مـا واجب است / «أن نَقومَ بِـ»: که بپردازیم بـه ... / «واجِباتنـا»: وظـایف خـود / «بأحسَنِ ما نَستطیعُ»: با بهترین چیزی که می‌توانیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لأنّ للرّجال»: چـرا کـه انسـان‌هـا ... دارنـد (رد گزینـهٔ ۳) / «علـی الأفعـالِ أسـماء»: با عملکردها، نام‌هایی (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۰۴- گزینهٔ «۴» *(محمود بادبرین- یاسوج)*

«اِستَمعوا»: گوش فرا دهید (رد گزینهٔ ۳) / «کلامٍ فیه شـیء مـن الحکمـة»: سخنی که در آن چیزی از حکمت اسـت (رد گزینـهٔ ۳) / «تَعلَّمـوهـا»: آن را بیاموزید (یاد بگیرید) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «علّموها»: آن را آموزش دهید (یاد بدهید) / «لمن یَطلبونها منکم»: به کسانی که آن را از شما می‌طلبند / «نُورٌ للحیاة و سببٌ لِلنَّجاح»: نوری برای زندگی و دلیلی برای موفقیت اسـت (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

۱۰۵- گزینهٔ «۲» *(پیروز وجدان - گنبدکاووس)*

«سَبّ عقائد الآخَرین»: دشنام دادن به عقاید دیگران (رد گزینهٔ ۳) / «فی أیّ مُجتمع»: در هر جامعه‌ای (رد گزینهٔ ۴) / «سَیؤدّی إلی»: منجر به ... خواهـد شد (رد گزینهٔ ۳) / «إبتَعِدوا»: دوری کنید، دور شوید (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

نکات مهم درسی:

«إبتَعِدوا»: (فعل امر برای جمع مذکّر مخاطب) دوری کنید

«إبتَعَدوا»: (فعل ماضی برای جمع مذکّر غایب) دوری کردند

(ترجمه)

۱۰۶- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لا یحزنْک: نباید تو ناراحت کند / قولُ: سخن

گزینهٔ «۳»: إنّما الفخر: افتخار تنها ... / عقلٍ ثابتٍ (موصوف و صفت نکره): خِردی استوار/ النّسَب: تبار / در عبارت عربی ذکرشده، معادلی برای «آدمی» نیامده است.

گزینهٔ «۴»: بِطاقتها: بلیتش/ غالیة: گران است

(ترجمه)

۱۰۷- گزینهٔ «۱» *(کامران عبداللهی)*

ترجمهٔ صورت سؤال: «دانش را به دست بیاور و جایگزینی برای آن مجو؛ زیرا مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۱» آمده است: «هر کس به طلب دانش بپردازد، به جاودانگی معنوی می‌رسد که چیزی هم‌ارز آن نیست؛ در حالی‌که زندگی افراد غافل از معرفت، معنای حقیقی خود را از دست می‌دهد!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «انسان هنگامی می‌تواند منافع دنیا را بر علم ترجیح دهد که بقای جسمانی‌اش به کسب این منافع وابسته باشد!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «مرگ همه را یکسان فرا می‌گیرد، ولی اهل علم به دلیل بصیرتشان در امور زندگی می‌توانند اجل خود را به تأخیر بیندازند!» (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: «غایت زندگی، کسب فضیلت‌های گوناگون است؛ پس هر کس علم و دیگر نعمت‌ها را با هم جمع کند، از نابودی حتمی نجات می‌یابد!» (نامناسب)

(مفهوم)

۱۰۸- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

ترجمهٔ صورت سؤال: «کاش فصل بهار در سرزمین ما طولانی باشد!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۴» آمده است: «گویندهٔ این عبارت می‌خواهد روزهای بهار زیاد شود، اما این فصل در واقع در سرزمین او کوتاه است!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «آرزو در این عبارت نشان می‌دهد که بهار به این سرزمین نمی‌آید و اهالی آن، زیباییِ این فصل را حس نمی‌کنند!» (نامناسب)

گزینهٔ «۲»: «جمله نشان می‌دهد که فصل بهار در سرزمین گوینده آغاز شده است و اهالی آن سرزمین، با شکیبایی در انتظار پایان آن هستند!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «گوینده به‌طور قطعی می‌خواهد تمامی فصل‌های سال در وطن او، مانند روزهای فصل بهار باشند!» (نامناسب)

(مفهوم)

۱۰۹- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

ترجمهٔ صورت سؤال: «هر گروهی به آن چیزی که دارند، خوشحال هستند!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۲» آمده است: «آیه به وضعیت غرور فکری و تعصّب اشاره دارد؛ به‌طوری که هر گروهی می‌پندارد آنچه از نظرات که نزد خود دارد، حق مطلق است و با این کار، از جستجوی حقیقت باز می‌ماند!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «خداوند اینان را ستایش می‌کند؛ چرا که شادمانی به عقیده‌ای که دارند، باعث تقویت روابط میان افراد گروه می‌شود و برایشان انس و خوشبختی به ارمغان می‌آورد!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «همانا قرآن کریم بر اهمیت تکثّرگرایی تأکید می‌ورزد؛ چرا که طبیعی است هر گروهی برای ترویج روش ویژهٔ خود که مردم را خوشبخت می‌کند، تلاش نماید!» (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: «مقصود قرآن این است که هر فرقه‌ای به دستاوردهای مادی و نفوذ خود در دنیا دل‌خوش است؛ از این‌رو، انسان باید در پی شادمانی بزرگ‌تری در زندگی آخرت باشد!» (نامناسب)

(مفهوم)

۱۱۰- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

ترجمهٔ عبارات: بی‌گمان این امّت شماست؛ امّتی یگانه و من پروردگارتان هستم؛ پس مرا بپرستید. – همانا خداوند فقط پروردگار یک امّت است، پس بر ماست که او را بپرستیم.

می‌دانیم خداوند، پروردگار همهٔ جهانیان است و پروردگار یک امّت یا گروه خاص نیست. (در این آیه، بر وحدت امّت اسلامی تأکید شده است.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بخل و دروغ – ایمان مانع از جمع شدن بخل و دروغ در شخص مؤمن می‌شود. (صحیح)

گزینهٔ «۲»: مؤمن کسی است که مردم او را در مورد خون‌ها و اموال خویش امین بدانند. – از نشانه‌های مؤمن این است که مردم در مورد جان‌ها و مال‌هایشان به وی اعتماد کنند. (صحیح)

گزینهٔ «۴»: مردم خوابند؛ پس هرگاه بمیرند بیدار می‌شوند. – انسان در این زندگی مانند شخص خوابیده است و با مرگ، به حقایق دنیا پی می‌برد. (صحیح)

(مفهوم)

تلاشی درمسیر موفقیت

ترجمهٔ متن درک مطلب:

بسیاری از مردم معتقدند که ثـروت، معیـار نخسـت بـرای ارزش انسـان در جامعه است، در حالی که دیگران تمایل دارند به این که هرگونه نقش پـول در ساخت جایگاه انسانی را انکار کنند. با این حال، نگاهی عمیق به حقیقت امر آشکار می‌سازد که پول صفتی ذاتی نیست که به جـوهر انسـان افـزوده شود و مقام او را بالا ببرد، بلکه بزرگ‌نمایِ آن چیزی اسـت کـه در درون او وجود دارد. چرا که ثروت به فرد نادان حکمت نمی‌بخشد و فرد خسـیس را بخشنده نمی‌کند، بلکه حقیقت اخلاق فرد را، آنگاه کـه بـه او قـدرت عمـل بدون محدودیت می‌دهد، آشکار می‌سازد.

انسان بخشنده، اگر صاحب مال شود، دایـرهٔ نیکـی‌اش گسـترده‌تـر شـده و ثروتش به ابزاری برای خدمت به دیگران و پیشرفت جامعه‌اش بدل می‌شود؛ در حالی که در فرد دارای نفس ضعیف، ثروت ممکن است سرکشی و تکبّـر او را افزایش دهد. بنابراین، پول نمی‌تواند ارزش انسان را بالا یا پایین ببـرد؛ ارزش حقیقی تنها در استفادهٔ خوب از قـدرت اسـت و ثـروت جـز آزمـونی عملی نیست که گـوهر وجـودی انسـان را آشـکار کـرده و آنچـه را کـه در اعماقش پنهان بوده، نمایان می‌سازد.

۱۱۱- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«متن، ثروت را دلیل مهمّی می‌شمارد که ممکن است جوهر انسان نـادان را به انسـانی حکـیم تبـدیل کنـد!» (نادرسـت؛ ثـروت جـوهر انسـان را عـوض نمی‌کند!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: پول در اصل خود امری خنثی است که ارزش انسـانیِ انسـان را بالا نمی‌برد و آن را به ذات خویش پایین نمی‌آورد! (صحیح)

گزینهٔ «۳»: پول عاملی شمرده می‌شود که هنگام دارا بودنِ آن، باطن انسـان و اخلاق حقیقی او را آشکار می‌سازد! (صحیح)

گزینهٔ «۴»: گسترش دایرهٔ نیکی فرد با پول، پیش از به دست آوردن ثـروت، به کرامت نفس او وابسته است! (صحیح)

(درک مطلب)

۱۱۲- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

پول، بزرگ‌نمایِ آن چیزی است که در باطن انسان وجود دارد، زیرا ...

گزینهٔ «۲»: به او قدرت می‌دهد تا خصلت‌هایش را، خواه بخشندگی باشد یـا تکبّر، بدون هیچ قید و بندی آشکار کند!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هر کس را که آن را در اختیار داشته باشد، بـه فـردی بخشـنده تبدیل می‌کند که برای خدمت به جامعه و هم‌وطنانش می‌کوشد! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: صـاحبانِ نفـس‌هـای ضـعیف را از سرکشـی و تکبّـر کـردن بـاز می‌دارد! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: بر تمام افراد جامعه واجب می‌کند که ثروتمند را محترم بدارند و از او اطاعت کنند! (نادرست)

(درک مطلب)

۱۱۳- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

متن به این موضوع اشاره می‌کند: ثروت به عنوان ابزاری برای آشـکار کـردن گوهر انسانی و آزمودن آن!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: نفی مطلق اهمیت پول در زندگی امروزی! (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: تکبّر و سرکشی به عنوان نتیجهٔ داشتن ثروت! (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: نقش قناعت در حفظ پاکی نفس انسانی! (نامناسب)

(درک مطلب)

۱۱۴- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: من الأعداد الأصليّة (نادرست) ← من الأعداد التّرتيبيّة

گزینهٔ «۳»: صفة، و موصوفها ... (نادرست) ← مضاف‌اليه و مضافه ...

گزینهٔ «۴»: مصدره: تَملُّک (نادرست) ← مصدره: امتِلاک

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۱۵- گزینهٔ «۳» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مزید ثلاثی بحرف زائد واحد (نادرست) ← مزید ثلاثی بحـرفینِ زائدینِ («تحوَّلَت» فعل ماضی از باب تفعُّل است)

گزینهٔ «۲»: فعله الماضي: قدَّمَ (نادرست) ← فعله الماضـي: تَقـدَّمَ («تَقـدُّم» مصدر از باب تفعُّل است)

گزینهٔ «۴»: حرفان زائدان (نادرست) ← ثلاثة حروف زائدة (بـاب اسـتفعال، سه حرف زائد دارد)

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۱۶- گزینهٔ «۳» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «تَعَلَّم» امر باب تفعُّل و مصدر آن «تَعَلُّم» است.

گزینهٔ «۲»: «تُحسِنينَ» مضارع باب إفعال و مصدر آن «إحسان» است.

گزینهٔ «۴»: «انتَصَروا» ماضی باب افتِعال و مصدر آن «اِنتصار» است.

(فعل ثلاثی مزید)

۱۱۷- گزینهٔ «۴» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

در گزینهٔ «۴»، حرف «تـ» در «تُرغّب» از حروف مضارعه است و حـرف زائـد فعل محسوب نمی‌شود. «تُرغِّبُ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «تَفعیـل» به معنای «ترغیب می‌کند» است.

نکات مهم درسی:

حرف «تـ» در افعال ثلاثی مزید از باب‌های «اِستِفعال، اِفتِعال، تَفعُّل، تَفاعُل» حرف زائد فعل محسوب می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: حرف «تـ» در «تَجاهل» حرف زائد فعل اسـت. «تَجاهَـلَ» فعـل ماضی و ثلاثی مزید از باب «تَفاعُل» است.

گزینهٔ «۲»: حرف «تـ» در «یَنتَفِعُ» حرف زائـد فعـل اسـت. «یَنتَفِـعُ» فعـل مضارع و ثلاثی مزید از باب «اِفتِعال» است.

گزینهٔ «۳»: حرف «تـ» در «لا یَترک» نخستین حرف اصلی فعل است. دقت کنید «لا یَترک» مضارع منفی، ثلاثی مجرّد و بدون حرف زائد است.

(فعل ثلاثی مزید)

۱۱۸- گزینهٔ «۲» *(امیرحسین شکوری)*

در گزینهٔ «۲»، دو حرف از حروف مشبّهة بالفعل وجود دارد: إنّ - لکنَّ

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «إنْ» (بر سر فعل آمده← اگر) و «لکنْ» (بدون تشدید← ولی) جزء حروف مشبّهة بالفعـل نیسـتند؛ در ایـن عبـارت فقـط «أنّ» از حـروف مشبّهة بالفعل است ← ۱ حرف

گزینهٔ «۳»: «أنْ» (بر سر فعل آمده ← کـه) و «کـانَ» (از افعـال ناقصـه← بود) جزء حروف مشـبّهة بالفعـل نیسـتند؛ «لأنّ: زیـرا» (لِـ+ أنّ) از حـروف مشبّهة بالفعل است ← ۱ حرف

گزینهٔ «۴»: «لَیتَ» از حروف مشبّهة بالفعل است، اما دقت کنید در «فَـإن»، «إنْ» شرطیه (بر سر فعل آمده← اگر) جزء حروف مشبّهة بالفعل نیست ← ۱ حرف

(حروف مشبهه بالفعل)

۱۱۹- گزینهٔ «۳» *(کتاب تاک - کنکور سراسری ۹۸)*

سؤال، کلمه‌ای را می‌خواهد که برای تکمیل جملهٔ قبلش آمده باشد. از بـین حروف مشبّهة بالفعل «لکنّ» برای کامل کردن جملهٔ قبلش به‌کار می‌رود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «إنّ» برای تأکید جمله به‌کار می‌رود.

گزینهٔ «۲»: «أنّ» برای ایجاد ارتباط بین دو عبارت به‌کار می‌رود.

گزینهٔ «۴»: در این عبارت، هیچ‌یک از حروف مشبّهه نیامده است.

(حروف مشبهه بالفعل)

۱۲۰- گزینهٔ «۴» *(روح‌الله گلشن)*

در گزینهٔ «۴»، بلافاصله پس از «لا» ویرگول آمده، ضـمناً کلمـهٔ پـس از آن (ذهبَ) هم فعل است؛ بنابراین «لا» از نوع نفی جـنس نیسـت، بلکـه از نـوع جوابیه است. (ترجمهٔ عبارت: نه، به بازار شهر رفت.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

به‌ترتیب، حرف «لا» در «لا طاقةَ: هیچ توانی»، «لا خیرَ: هیچ خیـری» و «لا التفاتَ: هیچ توجّهی» از نوع «نفی جنس» است که بر نفی کامل دلالت دارد.

(«لا»ی نفی جنس)

تاریخ (۳)

۱۲۱- گزینهٔ «۱» *(عاطفه طاهر)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) میرزا محمـدجعفر خورمـوجی از مورخـان عصـر ناصـری، از منتقـدان تملق‌گویی بود و نخستین کسی است که واقعیـت قتـل امیرکبیـر را بازتـاب داده است.

ب) انقلاب مشروطه، تأثیر عمیقی بر دگرگونی بینش مورخان ایرانی داشت و توجه آنان را به ابعاد گوناگون رویدادهای تاریخی به‌ویژه نقـش مـردم جلـب کرد.

د) ذیل برنامه‌های اصلاحی عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی شاه) ترجمـهٔ آثـار اروپایی به‌تدریج آغاز شد و سپس در زمان ناصرالدین شاه با تأسیس مدرسهٔ دارالفنون و ایجاد دارالطباعهٔ دولتی و دارالترجمهٔ همایونی گسترش یافت.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۲، ۳، ۵ و ۶)

۱۲۲- گزینهٔ «۱» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح گزاره‌ها:

الف) خاطرات، حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ اوضاع سیاسـی، اجتمـاعی، اقتصادی و فرهنگی و شرح حال رجال دورهٔ معاصر اسـت، کـه بـه‌نـدرت در سایر منابع یافت می‌شود.

ب) سفرنامه‌ها از نظر مطالعهٔ تاریخ اجتماعی، اقتصـادی و فرهنگـی اهمیـت فوق‌العاده‌ای دارند و حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ موضوع‌های اقتصادی، مسائل اجتماعی و مباحث فرهنگی هستند.

ج) تاریخ شـفاهی، یـک روش پژوهشـی تـاریخی برنامـه‌ریـزی شـده بـرای جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از حافظهٔ افرادی اسـت کـه خـود در وقایعی شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۹ و ۱۵)

۱۲۳- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

تشریح موارد نادرست:

الف) سپاه تحت فرمان نادر در چندین جنگ بـر ارتـش قدرتمنـد عثمـانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران را آزاد کرد، روس‌ها نیز با مشاهدهٔ توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

د) نادرشاه نخست، تهماسب دوم را به بهانهٔ بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغـان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۹)

۱۲۴- گزینهٔ «۴» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، گرچه لیاقت، شجاعت و محبوبیت نسبی در بین مردم داشت، اما به‌دلیـل اشـتباهات نظـامی و رویگردانـی عـده‌ای از درباریان، از آقا محمدخان قاجار شکست خورد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۲۱)

۱۲۵- گزینهٔ «۱» *(فاطمه عزیزی)*

الف) در دورهٔ کریم‌خان زند، اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگـانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر، به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند.

ب) تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه افشار، سبب کـاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی به‌دلیل نیـاز تشـکیلات نظـامی بـه نیروی رزمنده شد.

ج) در پی سقوط صفویه، مدارس و حـوزه‌هـای علمیـهٔ اصـفهان و شـهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طـلاب کـه از هجـوم افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند.

نکته: مهم‌ترین تحول ادبی در دورهٔ زندیه، شـکل‌گیـری انجمـن‌هـای ادبـی است. در این انجمن‌های ادبی که کانون اصلی بیشتر آن‌هـا اصـفهان اسـت، نهضت بازگشت ادبی شکل مـی‌گیـرد. جریـان ادبـی بازگشـت در دوره‌هـای افشاریه و قاجاریه نیز ادامه یافت.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۲۲)

جغرافیا (۳)

۱۲۶- گزینهٔ «۴» *(مریم فسروی رهنوی)*

منظور از موقعیت یـک شـهر یـا روسـتا، وضـعیت آن سـکونتگاه نسـبت بـه پدیده‌های پیرامون خود و همچنین جایگاه آن در سطح ناحیه است.

دسترسی شهر اهواز به شبکهٔ ارتباطی خط راه‌آهن و ایجاد موقعیت مناسـب برای رونق تجارت و گسترش شهر قاهره به‌سبب دسترسی به عوامل طبیعی و انسانی پیرامون آن (عبارت‌هـای «ج» و «د»)، بـه مفهـوم موقعیـت اشـاره می‌کنند.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۲۷- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

با حرکت از قاعده به سمت رأس هرم سلسله‌مراتب، جمعیـت سـکونتگاه‌هـا بیشـتر و تعـداد و تنـوع خـدمات آن‌هـا نیـز بیشـتر مـی‌شـود. همچنـین سکونتگاه‌های بزرگ‌تر می‌توانند خدمات بیشتری به سـاکنان خـود و حتـی روستاها و شهرهای همجوار ارائه دهند. بنابراین با افزایش جمعیت و تعداد و تنـوع خـدمات، حـوزهٔ نفـوذ برخـی عملکردهـای سـکونتگاه نیـز مـی‌توانـد گسترده‌تر باشد؛ مانند شهر تهران که در برخی عملکردها حوزهٔ نفوذ زیـادی در سطح کشور دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: با حرکت به سمت رأس هرم، جمعیت و تعداد و تنـوع خـدمات بیشتر می‌شود.

گزینهٔ «۳»: در سکونتگاه‌های کم‌جمعیت، خدمات کمتری ارائه می‌شود و بـا افزایش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات افزایش می‌یابـد؛ بنـابراین نمـی‌تـوان گفت با کاهش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینهٔ «۴»: تعداد و تنوع خدمات با حرکت بـه سـوی رأس هـرم و افـزایش جمعیت، افزایش می‌یابد و بـرای بررسـی حـوزهٔ نفـوذ بـه دو جنبـه آسـتانهٔ جمعیتی نفوذ و دامنهٔ نفوذ توجه می‌شود.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۷ و ۹)

۱۲۸- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

گسترش حمل و نقل و افزایش شهرنشینی باعث گسترش حومه‌نشینی شـد. در نتیجهٔ آن، مناطق مادرشهری ایجاد شـده و گسـترش یافتنـد، از بـه هـم پیوستن این مناطق، مگالاپلیس‌ها ایجاد شدند. این موارد با ترتیـب درسـت تنها در گزینهٔ «۳» دیده می‌شوند.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۱۲۹- گزینهٔ «۱» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) در سدهٔ نوزدهم و نیمهٔ اول قرن بیسـتم در کشـورهای توسـعه‌یافتـه و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به‌دنبال توسعهٔ صنایع کارخانـه‌ای مهـاجرت از روستاها به شهرها رخ داد.

ب) مبادلهٔ نابرابر بین شهر و روسـتا سـبب مـی‌شـود، شـهر محـل انباشـت سرمایه، تولید کالاهای کارخانه‌ای و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی باشد.

ج) منظور از شهرگرایی، رونـدی اقتصـادی – اجتمـاعی اسـت کـه طـی آن شیوه‌های زندگی، رفتار و عملکردها، ارزش‌ها و مظاهر شهری در روسـتاها و بین روستانشینان رواج می‌یابد.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۳۰- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

علل شهرنشینی سریع عبارت‌اند از:

۱) دولت‌ها با استفاده از درآمد نفتی، بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها، توسعهٔ کارخانه‌ها و تجهیزات و زیرساخت‌ها را به شهرها اختصاص دادند.

۲) به‌سبب تقسیم نادرست زمین در اصلاحات ارضی، حمایت نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی، شرایط انهدام کشاورزی در ایران فراهم آمد و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

تاریخ (۱)

۱۳۱- گزینهٔ «۳» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) حکومت آشور با لشکرکشی‌های پیاپی به سرزمین‌های همجوار و غارت و ویران کردن آن‌ها، بر قلمرو و ثروت خود افزود.

د) ابتدا نخستین سکونتگاه‌ها شکل گرفتند، سپس تولید مازاد بر نیاز اتفاق افتاد و در نتیجهٔ آن، داد و ستد میان روستاهای دور و نزدیک به‌تدریج آغاز شد.

(تاریخ (۱)، پیدایش تمدّن؛ بین‌النهرین و مصر، صفحه‌های ۳۲، ۳۴، ۳۶ و ۳۷)

۱۳۲- گزینهٔ «۳» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

مصریان خود، با استفاده از نی، کاغذ پاپیروس را ابداع کردند.

(تاریخ (۱)، پیدایش تمدّن؛ بین‌النهرین و مصر، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۱)

۱۳۳- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مربوط به دوران پس از مرگ شی هوانگ تی است.

گزینهٔ «۲»: مربوط به دوران حکومت شی هوانگ تی است.

گزینهٔ «۳»: در دوران سلسلهٔ هان، آیین بودا به چین راه یافت و به‌تدریج در کنار آیین کنفوسیوس و دیگر آیین‌ها، مورد پذیرش بخشی از مردم چین قرار گرفت.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان؛ میراث بشری، صفحه‌های ۴۷ تا ۴۹)

۱۳۴- گزینهٔ «۲» *(حامد صفرخانیان)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) عصر تاریکی (۱۱۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد)

ب) جنگ‌های پلوپونزی (۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد)

ج) مهاجرت طوایف بیابانگرد از دشت‌های اروپای شرقی به شبه‌جزیرهٔ یونان (حدود ۲۰۰۰ قبل از میلاد)

د) جنگ‌های بزرگ بین دولت-شهرهای یونانی و حکومت هخامنشیان (قرن ۵ قبل از میلاد)

هـ) عصر شکوفایی مردم‌سالاری در آتن (۵۰۰ تا ۳۳۸ قبل از میلاد)

و) اولین دوره بازی‌های المپیک (۷۷۶ قبل از میلاد)

در نتیجه ترتیب وقایع به شرح زیر است:

ج ← الف ← و ← شروع هـ ← ب و د (تقریباً موازی یکدیگر زیرا هـر دو در قرن ۵ قبل از میلاد رخ داده‌اند.) ← پایان «هـ»

(تاریخ (۱)، یونان و روم، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۱۳۵- گزینهٔ «۳» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) نخستین اقدام گروهی از اقوام هند و اروپایی که حدود ۱۵۰۰ قبل از میلاد، وارد شبه‌جزیرهٔ ایتالیا شدند، ایجاد مزارع و روستاها بود، نه تشکیل دولت - شهرهای مستقل.

هـ) کنستانتین، مستقیماً دستور تقسیم امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی را صادر نکرد؛ انتخاب بیزانتیوم به‌عنوان پایتخت، زمینه‌ساز این تقسیم شد. همچنین، مسیحیت به دستور کنستانتین، دین رسمی امپراتوری روم نشد، بلکه حدود ۵۰ سال پس از او، به‌عنوان دین رسمی اعلام شد.

(تاریخ (۱)، یونان و روم، صفحه‌های ۵۵ تا ۵۸ و ۶۰)

جغرافیای ایران

۱۳۶- گزینهٔ «۲» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

در عبارت «ایران در جنوب دریای خزر و شمال خلیج فارس قرار گرفته است.»، جایگاه ایران نسبت به پدیده‌های پیرامونش بیان شده است؛ بنابراین کل عبارت مذکور، نمونه‌ای از موقعیت نسبی هستند.

جنوب دریای خزر: موقعیت ایران نسبت به دریای خزر

شمال خلیج فارس: موقعیت ایران نسبت به خلیج فارس

نکتهٔ مهم درسی:

«موقعیت جغرافیایی» مفهوم کلی است و از دو منظر قابل مطالعه است: ۱- موقعیت ریاضی (مطلق) ۲- موقعیت نسبی

(جغرافیای ایران، موقعیت جغرافیایی ایران، صفحه‌های ۱۴ و ۱۶)

انوار بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

۱۳۷- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

بررسی موارد:

الف) حدود ۶۶ درصد ذخایر نفت جهان و ۲۸ درصد ذخایر گاز طبیعی را در خود جای داده است ← خلیج فارس

ب) مهم‌ترین آبراههٔ استراتژیک در تجارت جهان محسوب می‌شود ← تنگهٔ هرمز

ج) ۹۰٪ از خاویار جهان را تأمین می‌کند و به بازار مصرف ۳۰۰ میلیون نفری آسیای میانه دسترسی دارد ← دریای خزر

د) بزرگ‌ترین پهنهٔ آبی محصور در خشکی است و از منابع نفت و گاز بهره‌مند است ← دریای خزر

(جغرافیای ایران، جغرافیایی طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۷ و ۱۹)

۱۳۸- گزینهٔ «۲» *(یاسین ساعدی)*

تشریح گزینهٔ نادرست:

پس از آخرین تحولات دوران سوم زمین‌شناسی «سنوزوئیک»، طی دورهٔ «کواترنر» ناهمواری‌های کشور ایران شکل نهایی یافته و از آن پس تحت تأثیر عوامل فرسایش تغییر شکل می‌یابند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۳۹- گزینهٔ «۲» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: اگر سه نقطهٔ کوه جغتای در خراسان رضوی، گردنهٔ آوج در استان قزوین و قلّهٔ کوه بزمان یا خضر زنده در سیستان و بلوچستان را به یکدیگر وصل کنیم، مثلثی تشکیل می‌شود که منطقهٔ کوهستانی مرکزی نامیده می‌شود.

گزینهٔ «۳»: ریزش‌های جوی شدید، کوه‌های زاگرس را فرسایش می‌دهد و مواد آن در دسترس این رودها قرار می‌گیرد.

گزینهٔ «۴»: سرزمین‌های کوهستانی که اغلب بیش از هزارمتر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارند؛ شامل رشته‌کوه‌های مختلفی از ارسباران (قره‌داغ) تا آلاداغ می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ و ۲۸ تا ۳۰)

۱۴۰- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

دشت‌ها، سرزمین‌های هموار یا نسبتاً هموار هستند که حصاری کوهستانی، آن‌ها را فرا گرفته است.

علل پیدایش دشت‌ها:

۱) برخی دشت‌ها در هنگام چین خوردگی‌ها و در حد فاصل تاقدیس‌ها (در میان ناودیس‌ها)، ایجاد شده‌اند؛ مانند دشت کاکان در فارس.

۲) برخی دشت‌ها مانند دشت نهاوند در استان همدان بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به‌وجود آمده است.

۳) پاره‌ای از دشت‌ها حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها هستند؛ مانند ماهی‌دشت کرمانشاه و دشت ارژن در فارس.

۴) برخی از دشت‌ها در نتیجهٔ گسل‌خوردگی و فرونشست بخشی از پوستهٔ زمین شکل گرفته‌اند که فرسایش بادی و آبی، ناهمواری‌های جدیدی در سطح آن‌ها تشکیل داده است؛ مانند دشت لوت.

نکتهٔ مهم درسی:

جلگه‌ها، سرزمین‌های هموار هستند که از یک طرف به کوه‌ها و از طرف دیگر به دریاها و دریاچه‌ها منتهی می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

تاریخ (۲)

۱۴۱- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

بررسی موارد نادرست:

«ب»: پیامبر (ص) قطعه‌زمین را از آن دو یتیم خریداری کرد و هدیه نگرفت.

«د»: پیامبر (ص) علاوه بر زمین‌هایی که انصار به مهاجران بخشیده بودند، زمین‌هایی را که صاحب نداشت نیز به مهاجران اختصاص داد تا خانه بسازند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

۱۴۲- گزینهٔ «۳» *(یاسین ساعدی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ج) در رمضان سال هشتم هجرت، مکه به‌صورت مسالمت‌آمیز، فتح و کعبه از بت‌ها پاک‌سازی شد.

د) مورخان سال نهم هجری را به‌دلیل اسلام آوردن قبیله‌های مختلف، سال وفود نامیده‌اند.

(تاریخ (۲)، امت و حکومت نبوی (ص) در مدینه، صفحهٔ ۳۹)

۱۴۳- گزینهٔ «۴» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح موارد:

الف) عثمان‌بن عفّان (حکومت ۲۳-۳۵ ق)

ب) امام علی (ع) (حکومت ۳۵- ۴۰ ق)

ج) عمر بن خطاب (حکومت ۱۳-۲۳ ق)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مربوط به زمان عمربن خطاب است.

گزینهٔ «۲»: مربوط به زمان امام علی(ع) است.

گزینهٔ «۳»: مربوط به زمان عثمان‌بن عفّان است.

(تاریخ (۲)، تثبیت و گسترش اسلام در دوران خلفای نخستین، صفحه‌های ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸ و ۵۰)

۱۴۴- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۱۴۰۰)*

یکی از اقدام‌های برجستهٔ امویان، توسعهٔ نیروی دریایی و گسترش فتوحات در دریا بود. معاویه این اقدام را به منظور فتح جزایر دریای مدیترانه و پایان دادن به حاکمیت مطلق رومیان بر آن دریا انجام داد.

(تاریخ (۲)، امویان بر مسند قدرت، صفحهٔ ۵۵)

۱۴۵- گزینهٔ «۴» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

پس از امام سجاد (ع)، امامان شیعه، عمدهٔ تلاش‌های خود را بر ترویج اسلام و مبارزه با جریان‌های فکری منحرف و تربیت شاگردان توانمند کردند و منظومه‌ای از معارف اسلامی با عنوان مکتب اهل بیت به وجود آوردند.

(تاریخ (۲)، امویان بر مسند قدرت، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۴)

جغرافیا (۲)

۱۴۶- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

هرچه تابش خورشید مایل‌تر باشد، انرژی خورشیدی در سطح گسترده‌تری پخش می‌شود؛ بنابراین انرژی دریافتی در واحد سطح کاهش می‌یابد و دما نیز کمتر می‌شود.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحهٔ ۲۳)

۱۴۷- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: جهت وزش باد از کمربند شمارهٔ «۲» (پرفشار) به سمت کمربند شمارهٔ «۱» (کم‌فشار) است.

گزینهٔ «۳»: احتمال بیابانی‌شدنِ یک منطقهٔ فرضی بر اثر توزیع فشار، در کمربند شمارهٔ «۳» (پرفشار) بیشتر از کمربند شمارهٔ «۴» (کم‌فشار) است.

گزینهٔ «۴»: بیابان گُبی به‌طور عمده در اثر عامل دوری از منابع رطوبت ایجاد شده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه‌های ۲۶ و ۳۴)

۱۴۸- گزینهٔ «۳» *(حامد صفرخانیان)*

تشریح عبارت‌ها:

عبارت اول: نواحی استوایی و آسیای موسمی بیش از ۱۵۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند و بیابان‌ها، کمتر از ۵۰ یا ۱۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند. ← در نتیجه بخش اول تمام گزینه‌ها صحیح است.

عبارت دوم: نواحی هرچه از اقیانوس‌ها و دریاها دورتر باشند، رطوبت آن‌ها کمتر و خشکی هوایشان بیشتر است یا به عبارتی دیگر، نواحی هرچه به اقیانوس‌ها و دریاها نزدیک‌تر باشند، رطوبت آن‌ها بیشتر و خشکی هوایشان کمتر است. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت سوم: تودهٔ هوای مرطوب ابتدا باید تا ارتفاع معینی بالا رود، سپس سرد شود تا به نقطهٔ اشباع برسد و پس از تشکیل ابر، ببارد. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت چهارم: بیشتر بارندگی‌های بهاری از نوع بارندگی همرفتی هستند. / در بارندگی کوهستانی، کوهستان‌ها مانع حرکت تودهٔ هوای مرطوب به‌طور افقی می‌شوند. / بارندگی سیکلونی بیشتر در محل جبهه‌ها به وجود می‌آید. / در بارندگی ناهمواری، تودهٔ هوا در امتداد دامنهٔ کوه به طرف قله بالا می‌رود و هنگام صعود، دمای آن کاهش می‌یابد و در انتها موجب بارش می‌شود ← در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۴» نادرست است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحهٔ ۲۷)

۱۴۹- گزینهٔ «۲» *(علیرضا سالمی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) دره‌های U شکل معمولاً بر اثر فرسایش یخچالی طی هزاران سال پدید آمده‌اند.

ج) «کارست» پدیدهٔ خوردگی و انحلال سنگ‌های آهکی است.

د) در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی و جنس سنگ‌ها، پیوسته هوازدگی فیزیکی (مکانیکی) و شیمیایی رخ می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

۱۵۰- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

با توجه به تصویر داده‌شده، در میان اشکال فرسایشی، «الف» نشان‌دهندهٔ اشکال تراکمی و «ب» نشان‌دهندهٔ اشکال کاوشی است؛ بنابراین تنها گزینهٔ «۴» به مطلب درستی اشاره دارد، کلوت‌ها و چاله‌های بادی جزو اشکال کاوشی هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۴۷ تا ۴۹)

فلسفهٔ دوازدهم

۱۵۱- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

ذهن در مواجهه با اشیا و واقعیت‌های عینی جهان خارج است که دو حیثیت متمایز یعنی هستی و چیستی را تحلیل و انتزاع می‌کند نه در مواجهه با هر مفهومی؛ به عنوان مثال ما از مفهوم «دیو» دو حیث متمایز هستی و چیستی را برداشت نمی‌کنیم، زیرا دیو صرفاً یک ماهیت فرضی است که در خارج وجود و تحققی ندارد تا دو حیثیت از آن انتزاع شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: افراد و مصادیق گوناگون یک نوع مانند محمد و علی می‌توانند در ماهیت و پاسخ به پرسش چیستی کاملاً مشترک باشند و ماهیت یکسانی چون انسان داشته باشند.

گزینهٔ «۲»: درک ماهیت و تصویر ذهنی یک پدیده به معنای تحقق خارجی آن نیست، زیرا انسان می‌تواند ماهیات فرضی و ناموجودی مانند سیمرغ یا دیو را نیز در ذهن خود تصور و درک کند.

گزینهٔ «۳»: در حمل اولی ذاتی، ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند و به دلیل اتحاد مفهومی میان آنها، اثبات قضیه نیازمند برهان و دلیل خارجی نیست.

(فلسفهٔ دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۳ تا ۵)

۱۵۲- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

«حمل ناطق بر انسان» حمل اولی ذاتی است. در گزینهٔ «۱» نیز «جسم نامی» جزء ذات درخت است و حمل اولی ذاتی است. محمول سایر گزینه‌ها از ذاتیات موضوع نیست و حمل شایع صناعی محسوب می‌شوند.

(فلسفهٔ دوازدهم، هستی و چیستی، صفحهٔ ۵)

۱۵۳- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

اگر وجود عین یا جزء ذات ماهیت فرض می‌شد، تصور وجود از تصور ماهیت منفک نمی‌شد، بنابراین امکان نداشت ماهیتی را تصور کنیم و از وجود آن غافل باشیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اگر وجود جزء یا عین ذات ماهیت باشد، حمل وجود بر هر ماهیتی اولی ذاتی می‌شود و سلب آن به معنای «سلب شیء از خود» (مانند انسان، انسان نیست) بوده و موجب تناقض خواهد شد.

گزینهٔ «۲»: اگر وجود ذاتی ماهیت باشد، ماهیت بدون نیاز به علت بیرونی موجود خواهد بود و قاعدهٔ نیازمندی ممکن‌الوجود به علت برای خروج از حالت تساوی و رسیدن به وجوب بالغیر منتفی می‌شود.

گزینهٔ «۴»: در صورت عینیت یا جزئیت وجود برای ماهیت، به صرف تصور یک شیء در ذهن (مانند آتش)، باید آثار و خواص عینی و خارجی آن (مانند سوزانندگی و گرما) نیز هم‌زمان پدیدار می‌شد.

(فلسفهٔ دوازدهم، هستی و چیستی و جهان ممکنات، ترکیبی)

۱۵۴- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

بخش اول: نسبت دادن «دارای بعد» به «خط» (خط دارای بعد است). از آنجا که خط تک‌بعدی است و داشتن بُعد (طول) از ویژگی‌های ذاتی و جدایی‌ناپذیر خط است، این حمل از نوع «وجوبی» (ضروری) است.

بخش دوم: سلب «شریک خدا» از «موجود» (موجود شریک خدا نیست). از آنجا که شریک خدا ممتنع‌الوجود بالذات است و تحقق خارجی آن محال است، اتصاف موجود به آن امتناعی بوده و در نتیجه سلب آن از موجود «وجوبی» است.

بنابراین در گزینهٔ «۱»، هر دو حمل از نوع وجوبی هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: بخش اول: نسبت دادن «خندان» به «انسان» (انسان خندان است). از آنجا که خندیدن از اوصاف عرضی انسان است و انسان می‌تواند خندان باشد یا نباشد، این حمل «امکانی» است.

بخش دوم: سلب «سه پاره‌خط» از «مثلث» (مثلث سه پاره‌خط نیست). مثلث شکل دوبعدی (سطح) است درحالی‌که پاره‌خط تک‌بعدی است؛ بنابراین مثلث نمی‌تواند پاره‌خط باشد و این سلب «وجوبی» است.

گزینهٔ «۳»: بخش اول: نسبت دادن «واجب‌الوجود بالذات» به «موجود» (موجود واجب‌الوجود بالذات است). این قضیه «امکانی» است؛ زیرا مفهوم موجود هم شامل ممکن‌الوجود (واجب‌الوجود بالغیر) و هم شامل واجب‌الوجود بالذات می‌شود و حمل واجب‌الوجود بالذات بر موجود ضرورت ندارد.

بخش دوم: سلب «دایره» از «مربع» (مربع دایره نیست). چون ماهیت مربع و دایره متباین و متضادند و جمع آنها محال است، این سلب «وجوبی» است.

گزینهٔ «۴»: بخش اول: نسبت دادن «ممکن‌الوجود» به «دیو» (دیو ممکن‌الوجود است). از آنجا که دیو یک امر فرضی است و عقل وجودش را محال نمی‌داند، ماهیتی ممکن دارد و این حمل «وجوبی» است.

بخش دوم: سلب «عدد فرد» از «پنج» (پنج عدد فرد نیست). از آنجا که عدد پنج ضرورتاً فرد است، سلب فرد بودن از آن ممتنع بوده و این قضیه «امتناعی» است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۵۵- گزینهٔ «۲» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

بر اساس قواعد نسبت‌های سه‌گانه در قضایا، هرگاه رابطهٔ میان موضوع و محمول امکانی باشد، با تغییر نسبت یعنی تبدیل قضیه از موجبه به سالبه یا برعکس، رابطهٔ میان موضوع و محمول بدون تغییر مانده و همچنان امکانی خواهد بود. در قضیهٔ گزینهٔ «۲»، نسبت محمول به موضوع امکانی است و قضیه چه به‌صورت موجبه بیان شود و چه با سلب نسبت به‌صورت سالبه درآید، عقلاً امکانی باقی می‌ماند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: رابطهٔ میان پنج‌ضلعی منتظم و داشتن پنج زاویهٔ برابر ضروری و وجوبی است؛ بنابراین با تغییر نسبت و نفی آن یعنی پنج‌ضلعی منتظم پنج زاویهٔ برابر ندارد، رابطهٔ قضیه به امتناعی تبدیل می‌شود.

گزینهٔ «۳»: رابطهٔ میان جیوه و فلز بودن و مایع بودن در دمای اتاق ضروری و وجوبی است زیرا فلز بودن و مایع بودن در دمای اتاق از ویژگی‌های ذاتی و مقوم جیوه است و با تغییر نسبت و سلب آن، رابطه به امتناعی دگرگون می‌شود.

گزینهٔ «۴»: رابطهٔ میان مجموع زوایای داخلی مثلث و سه قائمه امتناعی و محال است؛ از این رو با تغییر نسبت و سلب آن یعنی «مجموع زوایای داخلی مثلث سه قائمه نیست»، رابطهٔ قضیه به وجوبی تبدیل خواهد شد.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۵۶- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

شریک خداوند در هر حالتی ممتنع‌الوجود است. پس موضوع محمول را همیشه می‌پذیرد و نمی‌توان خلاف آن را تصور کرد. لذا رابطهٔ وجوبی برقرار است. هر انسانی بالذات ناطق است. انسان نمی‌تواند ناطق نباشد. پس این قضیه رابطهٔ امتناعی دارد. وجود خداوند واجب و ضروری است و نمی‌تواند وجودش امکانی باشد، پس بین «وجود خدا» و «غیرامکانی» رابطهٔ وجوبی برقرار است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

۱۵۷- گزینهٔ «۱» *(علی معزی)*

اموری که رابطهٔ ذات آنها با وجود ضروری است، واجب‌الوجود بالذات نامیده می‌شوند. این موجود وجود را از ذات خود دارد و عدم در ذات آن راه ندارد؛ بنابراین همیشه موجود بوده و هرگز و به‌هیچ‌وجه معدوم نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: اموری که رابطهٔ ذات آنها با وجود امتناعی است، ممتنع‌الوجود بالذات هستند و به دلیل تناقض در ذات، هرگز موجود نخواهند شد.

گزینهٔ «۳»: واجب‌الوجود بالذات در تحقق خود کاملاً بی‌نیاز از غیر و مستقل است؛ بنابراین فرض مانع و عدم تحقق دربارهٔ آن عقلاً محال است.

گزینهٔ «۴»: برخی از اموری که رابطهٔ ذات آنها با وجود ضروری نیست ممکن‌الوجود بالذات هستند و با وجود اینکه ذاتاً اقتضایی نسبت به هستی و نیستی ندارند، در صورت تحقق علت به وجود می‌آیند.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

۱۵۸- گزینهٔ «۲» *(مهبد پیرحسینلو)*

چیزی که به لحاظ ذاتش (یعنی ذاتش را که فرض کنیم) عدم برایش ضرورت دارد، ممتنع‌الوجود بالذات است. در میان گزینه‌ها، تنها دایرهٔ منتظم‌الاضلاع است که عقلاً عدم وجودش ضروری است. هر چند سایر موارد، بسیار بعید و نزدیک به محال هستند، اما محال عقلی نیستند.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

۱۵۹- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۹۶)*

به موضوعی ممتنع‌الوجود گویند که محمول وجود نمی‌تواند بر آن عارض شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تصور آن لزوماً غیرممکن نیست. ممتنع‌الوجود بالغیر همان ممکن‌الوجود بالذات است که می‌توان تصورش کرد، اما به خاطر عدم وجود علت موجود نشده است.

گزینهٔ «۳»: این عبارت تنها در مورد ممتنع‌الوجود بالذات صادق است، نه ممتنع‌الوجود بالغیر.

گزینهٔ «۴»: می‌تواند وجود خیالی و فرضی نداشته باشد. (مانند مفاهیم ممتنع‌الوجود بالذات)

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۱۶۰- گزینهٔ «۱» *(کیمیا طهماسبی)*

اگر رابطهٔ وجود با چیزی بالذات ضروری باشد و نتوان وجود را از آن منفک کرد، بدین معناست آن چیز همواره موجود است و در هیچ برهه‌ای از زمان، وجود از او جدا نمی‌شود. از طرف دیگر وجود داشتن چنین حقیقتی در گرو یک عامل و علت بیرونی نبوده است.

رابطهٔ واجب‌الوجود بالذات با ممکن‌الوجود بالذات تباین است؛ یعنی این دو مفهوم در جهان خارج هیچ مصداق مشترکی ندارند.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

منطق

۱۶۱- گزینهٔ «۳» *(علی معزی)*

هدف اصلی علم منطق، جلوگیری از خطای اندیشه و تفکر است. از آنجا که انسان‌ها برای تفکر و انتقال اندیشه‌های خود از الفاظ و زبان بهره می‌برند، هرگونه اشتباه و ابهام در به‌کارگیری الفاظ یا معنای آنها می‌تواند مستقیماً به خطای ذهنی و فکری منجر شود؛ بنابراین منطق‌دانان ناچارند برای مصون ماندن از خطای تفکر، به بررسی مباحث الفاظ و معانی بپردازند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: قواعد منطق قواعد عام تفکر و مستقل از ساختار زبان‌ها هستند؛ منطق تابع زبان خاصی نیست، بلکه استفاده از زبان ابزاری برای بیان تفکر است.

گزینهٔ «۲»: واژهٔ «فقط» نادرست است؛ خطاهای زبانی تنها یکی از عوامل لغزش ذهن هستند و منطق تمامی خطاهای مربوط به حوزهٔ تعریف و استدلال را بررسی می‌کند.

گزینهٔ «۴»: علم منطق به زبان خاصی وابسته نیست و هرگز وارد جزئیات و قواعد صرفی، نحوی یا دستور زبان ویژهٔ یک زبان خاص نمی‌شود، بلکه تنها اصول کلی و مشترک زبان را مطرح می‌سازد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۱۶۲- گزینهٔ «۱» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

مشترک لفظی به لفظی گفته می‌شود که دارای چند معنای کاملاً متفاوت و مستقل باشد، به‌طوری‌که این واژه‌ها از نظر شکل نوشتاری (نگارش) و صورت صوتی و تلفظ (خوانش) کاملاً یکسان هستند. مانند کلمهٔ «شیر» که بر مایع خوراکی، حیوان درنده و ابزار قطع و وصل آب دلالت می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: این بیت معروف از مولانا در پی هشدار دادن نسبت به فریب‌خوردن از شباهت ظاهری واژه‌هاست و نشان می‌دهد که یکسانی لفظ نباید موجب یکی پنداشتن حقایق شود؛ بنابراین خودِ بیت مغالطه نمی‌کند، بلکه دربارهٔ رواج و خطر این نوع خطای فکری هشدار می‌دهد.

گزینهٔ «۳»: در مبحث اشتراک لفظ، دقیقاً برعکس این عبارت صادق است؛ یعنی «یک لفظِ واحد» دارای «چندین معنای متمایز» است، نه اینکه یک معنی دارای الفاظ یا کاربردهای مختلف باشد. اگر گوینده بدون توجه به تفاوت معانی، لفظ را در بیش از یک معنا به کار برده و نتیجه‌گیری نادرست کند، مغالطهٔ اشتراک لفظ رخ می‌دهد.

گزینهٔ «۴»: اشتراک لفظ و چندمعنایی بودن کلمات پدیده‌ای عام است و ویژگی مشترک تمامی زبان‌های بشری به شمار می‌رود، نه اینکه تنها به برخی زبان‌های خاص محدود باشد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۶۳- گزینهٔ «۴» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

واژهٔ «اختلاف» یک مشترک لفظی است (به معنای نزاع و مشاجره / تفاوت و فاصله)؛ اما در این عبارت به دلیل وجود قرینهٔ روشنِ «سنی»، معنای واژه کاملاً شفاف و معین است (تفاوت در سن و سال) و هیچ‌گونه ابهام معنایی به وجود نمی‌آید؛ در نتیجه زمینه و امکانی برای جابه‌جایی معنا و شکل‌گیری مغالطهٔ اشتراک لفظ وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: حرف «و» در این جمله مشترک لفظی است؛ زیرا می‌تواند «واو عطف» باشد (کتاب بیش از ده فصل دارد و هر دو فصل دهم و پایانی آن دربارهٔ فلسفهٔ زندگی‌اند) یا «واو بیان و تفسیر» باشد (کتاب کلاً ده فصل دارد و فصل دهم همان فصل آخر است)؛ بنابراین ابهام در معنای حرف زمینهٔ مغالطه را ایجاد می‌کند.

گزینهٔ «۲»: واژهٔ «سیر» یک مشترک لفظی است که دو معنای مستقل دارد: ۱. گیاه خوراکی، ۲. حالت پری معده و متضاد گرسنگی؛ نبود قرینهٔ کافی و مشخص نبودن مقصود گوینده، زمینهٔ بروز مغالطه را فراهم می‌سازد.

گزینهٔ «۳»: حرف «با» مشترک لفظی است؛ زیرا می‌تواند به معنای ابزار و سواره بودن باشد (با استفاده از اسب بیایید) یا به معنای همراهی باشد (اسب را همراه خودتان بیاورید) و این دوگانگی معنایی موجب ابهام و زمینهٔ مغالطه است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۶۴- گزینهٔ «۴» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

در هر سه عبارت این گزینه، دلالت التزامی وجود دارد، زیرا معنایی خارج از معنای اصلی واژه‌ها اراده شده است. در عبارت اول، مقصود از «دست»، رفتارها و آزارهای شخص مقابل است. در عبارت دوم، مقصود از «خانه»، اثاثیه و وسایل درون آن است که دزد برده و این وسایل جزء معنای اصلی خود خانه نیستند. در عبارت سوم نیز واژهٔ «ببر» مجاز از شجاعت و قدرت فوق‌العاده است که لازمهٔ معنای اصلی به شمار می‌رود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در عبارت اول، منظور از «شستن دست»، شست‌وشوی مچ تا انگشتان است و چون جزئی از دست اراده شده، دلالت تضمنی دارد. در عبارت دوم، واژهٔ «مدرسه» به معنای اصلی خود یعنی کل مدرسه اشاره دارد و دلالت مطابقی است. در عبارت سوم، عبارت «سر تیم را برید» کنایه از ناداوری و پایمال شدن حق است و دلالت التزامی دارد.

گزینهٔ «۲»: در عبارت اول، واژهٔ «شیر» پس از ادات تشبیه آمده و در معنای اصلی خود به کار رفته است و دلالت مطابقی دارد. در عبارت دوم، منظور از «بریدن سر»، زخم شدن پوست سر حین کوتاه کردن موهاست که جزئی از سر به شمار می‌آید و دلالت تضمنی دارد. در عبارت سوم، مقصود از «کشور ایران» بخش‌هایی از خاک و سرزمین ایران است نه تمام آن، بنابراین دلالت تضمنی دارد.

گزینهٔ «۳»: دو عبارت نخست یعنی «از دستش آب نمی‌چکد» به معنای خسیس بودن و «زبانم مو درآورد» به معنای تکرار بیش از اندازهٔ سخن، کنایی بوده و دلالت التزامی دارند؛ اما در عبارت سوم، واژهٔ «دریا» پس از ادات تشبیه آمده و بیانگر معنای اصلی است و دلالت مطابقی دارد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۶۵- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

در این گزینه واژهٔ «حیوان» در معنای کنایی خود به کار رفته و نشانهٔ بی‌ملاحظگی، خشونت و رفتارهای دور از انسانیت است؛ از آنجا که این معنا خارج از ذات و تعریف اصلی واژهٔ حیوان است، دلالت التزامی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

در عبارات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» کلمهٔ «حیوان» بر کل معنای اصلی خود دلالت دارد و از این‌رو دلالتش مطابقی است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۶۶- گزینهٔ «۲» *(جواد پاکدل - فاروج)*

در این جمله، عبارت «بازگرداندن روشنایی» در فهم عرفی دلالت التزامی بر بازگرداندن امید و شادی دارد، اما شهردار با توزیع چراغ‌قوه صرفاً معنای ظاهری و مطابقی روشنایی را مبنا قرار داده و مرتکب مغالطه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: با توجه به قرینه‌ها «پیچ» فقط در یک معنا در این عبارت به کار رفته و امکان مغالطهٔ اشتراک لفظ وجود ندارد.

گزینهٔ «۳»: مقصود از «اعدام کردن»، مجازات مرگ و سلب حیات است و حاکم نیز در ادامه او را کشته است؛ بنابراین جابه‌جایی نادرستی در دلالت‌های واژه صورت نگرفته و مغالطه‌ای رخ نداده است.

گزینهٔ «۴»: عبارت «حساب کردن» در ادامهٔ جمله دقیقاً در همان معنای التزامی خود یعنی پرداخت هزینه به کار رفته است و هیچ‌گونه مغالطه یا تغییری در معنا دیده نمی‌شود.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

۱۶۷- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

بررسی تک‌به‌تک موارد:

مورد «الف»: نوشتن «خاهر» به‌جای «خواهر» صرفاً یک غلط املایی ساده است. هر غلط املایی لزوماً مغالطه نیست؛ زمانی خطای املایی به مغالطه تبدیل می‌شود که واژهٔ جدیدی با معنای متفاوت ایجاد کند و منجر به نتیجه‌گیری نادرست شود.

مورد «ب»: واژه‌های «سوگند خوردن» و «قسم یاد کردن» مترادف هستند. جایگزینی کلمات هم‌معنی نه غلط املایی است و نه ابهام نگارشی ایجاد می‌کند؛ بنابراین هیچ‌گونه مغالطه‌ای در آن رخ نداده است.

مورد «ج»: با تغییر یک نقطه، واژهٔ «پند» (نصیحت/اندرز) به «بند» (زندان / اسارت) تغییر یافته و این خطای املایی معنای حقوقی جمله را دگرگون کرده و قاضی یا مخاطب را در دادگاه به نتیجه‌گیری نادرست کشانده است.

مورد «د»: عدم استفادهٔ دقیق از علائم سجاوندی (مانند علامت تعجب برای مشخص کردن لحن طنز، تعجب یا کنایه) در فضای نوشتار، باعث می‌شود مخاطب پیام کنایی را به‌صورت جدی و واقعی برداشت کند؛ این موضوع مصداق عدم رعایت دقیق علائم نگارشی در مغالطهٔ شیوهٔ نگارش کلمات است.

بنابراین تنها موارد (ج) و (د) مصداق مغالطهٔ شیوهٔ نگارش کلمات هستند (۲ مورد)

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۶)

۱۶۸- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

در عبارت این گزینه، مشخص نیست ضمیر متصل در واژهٔ «خنجرش» به سهراب برمی‌گردد یا به رستم؛ یعنی معلوم نیست چه کسی خنجر خود را از غلاف بیرون کشیده بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در این عبارت، ضمیر «آنها» به‌وضوح به مدارک بازمی‌گردد و ابهام در ارجاع ضمیر وجود ندارد.

گزینهٔ «۲»: ضمیر متصل «ش» در «والدینش» به دانش‌آموز برمی‌گردد و ابهامی وجود ندارد.

گزینهٔ «۴»: در این عبارت ضمیر «آن» به‌روشنی به مقاله برمی‌گردد و جمله فاقد زمینهٔ مغالطه است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۱۶۹- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

این گزاره نادرست است، زیرا مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری زمانی رخ می‌دهد که لفظ دارای دلالت غیرمطابقی و یا کنایی باشد اما فرد به دلالت مطابقی و معنای ظاهری کلمه تمسک جوید؛ بنابراین هرگونه جابه‌جایی میان دلالت‌ها به معنای مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این عبارت درست است؛ مغالطهٔ شیوهٔ نگارش کلمات ناشی از عدم رعایت فاصله‌گذاری، سرهم‌نویسی یا عدم استفادهٔ دقیق از نشانه‌های نگارشی در متن نوشتاری است و در کلام شفاهی با لحن و مکث رفع می‌شود.

گزینهٔ «۲»: این عبارت درست است؛ به کار بردن الفاظ چندمعنایی در صورتی که در بافت کلام معنای مشخصی داشته باشند یا در یک استدلال موجب انحراف در نتیجه‌گیری نشوند، مغالطه ایجاد نمی‌کند.

مثال: جملهٔ «شیر آب حیاط باز است» دارای واژهٔ مشترک لفظی شیر است، اما هیچ ابهام و مغالطه‌ای در فهم معنای آن برای شنونده ایجاد نمی‌شود.

گزینهٔ «۳»: این عبارت درست است؛ در دلالت التزامی ذهن با شنیدن لفظ، به معنا و لازمه‌ای خارج از حقیقت موضوع پی می‌برد که می‌تواند ناشی از عقل، عرف یا عادت باشد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۸)

۱۷۰- گزینهٔ «۳» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

در عبارت گزینهٔ «۳» امکان مغالطهٔ توسل به‌معنای ظاهری وجود دارد، نه اشتراک لفظ.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اگر ویرگول بعد از «معلم» یا اینکه «معلمِ علی» با کسره نوشته شود معنی جمله تغییر می‌کند.

گزینهٔ «۲»: سوختن به معنای التزامی به کار رفته است. اگر به معنی مطابقی گرفته شود باعث مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری می‌شود.

گزینهٔ «۴»: مرجع ضمیر «او» مشخص نیست که مسعود است یا برادرش.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۷)

فلسفهٔ یازدهم

۱۷۱- گزینهٔ «۲» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

سخن ارسطو در این عبارت به بررسی چگونگی آغاز شناخت، مراحل شکل‌گیری ادراک حسی و نقش عقل در انتزاع مفاهیم کلی می‌پردازد؛ از آنجا که این موضوع به ابزارها و نحوهٔ شناخت انسان از حقایق مربوط می‌شود، کاملاً در حوزهٔ معرفت‌شناسی قرار دارد و فقط به بخش ریشه‌ای فلسفه اشاره می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: سخن سقراط ناظر به خودشناسی، کشف حقیقت وجودی انسان و تبیین شیوهٔ زیست است و در حوزهٔ شاخه‌های فلسفه یعنی انسان‌شناسی فلسفی و فلسفهٔ اخلاق قرار می‌گیرد.

گزینهٔ «۳»: سخن ارسطو دربارهٔ تعیین خیر، ملاک فضیلت، نظریهٔ حد وسط و اعتدال در رفتار است که تماماً در قلمرو فلسفهٔ اخلاق به عنوان یکی از شاخه‌های فلسفه جای دارد.

گزینهٔ «۴»: دیدگاه افلاطون به بررسی حقیقت زیبایی می‌پردازد که مربوط به فلسفهٔ هنر و زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از بخش‌های شاخه‌ای فلسفه است.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۷۲- گزینهٔ «۱» *(پرگل رحیمی)*

مسئلهٔ نخست به بررسی توانایی‌ها و ابزارهای شناختی انسان در دست‌یابی به واقعیت‌های جهان می‌پردازد و امکان شناخت هستی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که این مبحث در قلمرو معرفت‌شناسی جای دارد.

مسئلهٔ دوم به کاوش در مبانی، ملاک‌ها و چرایی ارزش‌گذاری افعال و صفات انسانی می‌پردازد و رابطهٔ ارزش اخلاقی با سود و زیان را بررسی می‌کند که این موضوع از مباحث بنیادین فلسفهٔ اخلاق به‌عنوان یکی از شاخه‌های فلسفه به شمار می‌رود.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۷۳- گزینهٔ «۲» *(کیمیا طهماسبی)*

همان‌طور که می‌دانیم، مکاتب مختلفی در علوم تربیتی هست که هرکدام ریشه در یک مکتب فلسفی خاص دارد. به عبارت دیگر، از فلسفه‌های افلاطون، ابن‌سینا، کانت و دیگر فیلسوفان، فلسفهٔ تربیت ویژه‌ای پدید می‌آید و براساس آن، نظام تربیتی خاصی حاصل می‌شود و این توضیحات بیانگر تأثیر فلسفه در علوم مختلف از طریق فلسفه‌های مضاف است.

به عبارت دیگر مبانی و زیربناهای علوم در فلسفه‌های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالودهٔ نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۷)

۱۷۴- گزینهٔ «۲» *(الهه فاضلی)*

هر دو مورد مرتبط با دیدگاه‌های معتقدان به اصالت جامعه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: اصالت فرد، اصالت جامعه

گزینهٔ «۳»: اصالت فرد، اصالت جامعه

گزینهٔ «۴»: اصالت جامعه، اصالت فرد

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۱۷۵- گزینهٔ «۳» *(حسین آفونری راهنماپی)*

هرگاه انسان فارغ از اشتغالات روزمره به چرایی باورهای خود بیندیشد، باورهای درست را بپذیرد و باورهای غلط را کنار بگذارد، بنیان فکری‌اش را خود بنا نهاده است و در نتیجهٔ این فرآیند، به آزاداندیشی و شخصیتی مستقل دست پیدا می‌کند؛ بنابراین استقلال شخصیتی نتیجهٔ ساختن آگاهانهٔ بنیادهای فکری است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: انسان همواره و در همهٔ شرایط تنها بر پایهٔ باورهای بنیادینش عمل نمی‌کند بلکه گاهی تحت تأثیر تمایلات، احساسات، غرایز و عادت‌ها دست به رفتارهایی می‌زند که ممکن است حتی با باورهای او سازگار نباشد.

گزینهٔ «۲»: صرف وجود دلیل و استدلال متضمن درستی یک باور نیست زیرا امکان دارد در جریان استدلال از مقدمات نادرست استفاده شده باشد یا مغالطه‌ای رخ داده باشد.

گزینهٔ «۴»: باورهای مبتنی بر عادت و سنت لزوماً باطل نیستند بلکه ممکن است پس از سنجش با ترازوی عقل مشخص شود که برخی از این باورها کاملاً منطقی و درست هستند.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحهٔ ۲۱)

۱۷۶- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

شاخصهٔ اصلی «اندیشیدن فیلسوفانه» این است که فرد مستقل از تعصبات، تبلیغات یا تقلید از دیگران، بر پایهٔ تفکر و تحلیل‌های شخصی خود به باوری برسد؛ حتی اگر در مسیر استدلال دچار خطا شده و باورش در نهایت نادرست یا باطل باشد. علی چون با تکیه بر تحلیل شخصیِ خود به این نتیجه رسیده، باور او محصول اندیشیدن فیلسوفانه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: رفتار و گفتار امیر ناشی از فشار اجتماعی و ترس از قضاوت دیگران است و هیچ ریشه‌ای در استقلال اندیشه و تفکر فلسفی ندارد.

گزینهٔ «۲»: انتخاب المیرا بر پایهٔ تبلیغات رسانه‌ای و القائات محیطی شکل گرفته است؛ درحالی‌که تفکر فیلسوفانه از تبلیغات و شایعات دوری می‌گزیند و تابع دلیل است.

گزینهٔ «۴»: انگیزهٔ نرگس صرفاً تظاهر، خودنمایی و پیروی از جوّ حاکم بر دوستان است و پذیرش و تکرار سخن بدون درک و تعقلِ پشت آن، در دایرهٔ رفتارهای مقلدانه قرار می‌گیرد، نه تفکر فلسفی.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۷۷- گزینهٔ «۱» *(موسی سپاهی – سراوان)*

عبارت صورت سؤال کاملاً درست است. یکی از مهم‌ترین فواید تفکر فلسفی رهایی از عادت‌های غیرمنطقی است؛ فیلسوف باورهای رایج و کهن جامعه را که صرفاً بر اثر تکرار و انتقال میان نسل‌ها تبدیل به عادت شده‌اند، بدون دلیل نمی‌پذیرد و آنها را در ترازوی عقل و برهان نقد و ارزیابی می‌کند تا در صورت عدم تطابق با عقل کنار گذاشته شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: نتیجه‌گیری و ادعای این گزینه نادرست است، زیرا همهٔ عقاید سنتی و دیرینهٔ جامعه لزوماً باطل و فاقد پشتوانهٔ عقلی نیستند بلکه ممکن است برخی از این باورها با موازین عقل سازگار باشند.

گزینهٔ «۳»: اصل حکم و توجیه آن نادرست است، زیرا در تفکر فلسفی پذیرش عمومی و قدمت تاریخی هرگز معیار و دلیل لازم یا کافی برای درستی و منطقی بودن یک باور به شمار نمی‌آید.

گزینهٔ «۴»: تفکر فلسفی به تشخیص و افشای مغالطه‌ها محدود نمی‌شود بلکه فواید مهم دیگری چون استقلال در اندیشه و رهایی از عادت‌های غیرمنطقی را نیز در بر می‌گیرد و باورهای رایج را نیز با عقل می‌سنجد.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۷۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

رهایی از عادات غیرمنطقی: اگر ما افکار، عقاید و عادت‌های خود و اطرافیان را با نگاه نقادانه بازبینی کنیم، درمی‌یابیم که برخی از این افکار و عقاید پشتوانهٔ عقلی و منطقی محکمی ندارند.

استقلال در اندیشه: فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایهٔ توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۷۹- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

در تمثیل غار افلاطون، «زنجیرها» نماد بارز «عادت‌ها، تعصبات غیرمنطقی، تقلید کورکورانه و باورهای نسنجیده» هستند که انسان‌ها را در تاریکی جهل و نادانی محبوس نگه داشته و مانع چرخش نگاه آن‌ها به‌سوی حقیقت می‌شوند. بیت مولوی در گزینهٔ «۱» مستقیماً به نقد و نکوهش تقلید کورکورانه پرداخته و آن را عامل تباهی و هلاکت انسان‌ها می‌داند؛ بنابراین بیشترین و دقیق‌ترین تطابق مفهومی را با مفهوم اسارت در بند تعصبات و عادات (زنجیرهای غار) دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: این بیت ناظر بر سکوت، تسلیم و دوری از جدال کلامی در طریقت عرفانی است و هیچ ارتباطی با مفاهیم تمثیل غار یا نقد تعصبات ندارد.

گزینهٔ «۳»: این بیت به تقابل میان «عالم محسوسات/ظواهر» و «عالم معقولات/حقیقت باطنی» اشاره دارد. در تمثیل غار، این مفهوم متناظر با «سایه‌ها» و «خورشید حقیقت بیرون غار» است، نه نماد «زنجیرها».

گزینهٔ «۴»: این بیت بر لزوم همراهی مرشد و راهنما برای طی مسیر دشوار تأکید می‌کند که در تمثیل غار متناظر با نماد «شخص تنومند / راهنمای هدایت‌گر» است، نه نماد تعصب و زنجیر اسارت.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

۱۸۰- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

از نظر افلاطون اگر برحسب اتفاق، زنجیر یکی از این مردمان پاره شود و مجبورش کنند که یک باره برخیزد و روی خود را برگرداند و آتش را ببیند یا به سوی مدخل غار برود و به بیرون بنگرد، روشنایی چشم‌هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیایی را که تا آن هنگام تنها سایه‌های آن‌ها را می‌دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم‌هایش به دردی طاقت‌فرسا مبتلا خواهد شد؛ بنابراین این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه‌ها پناه خواهد برد زیرا آن‌ها را بهتر می‌تواند ببیند. عقیده‌اش هم نسبت به سایه‌ها استوارتر خواهد شد. بنابراین به محض مشاهدهٔ واقعیت، نادرستی توهمات و دروغ‌ها آشکار نمی‌شود. بلکه فرد، چون توان مواجهه با حقیقت را ندارد، از آن گریزان خواهد شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: در تمثیل غار می‌بینیم که هنگامی فرد دوباره به جست‌وجوی حقیقت می‌رود، که شخص توانمندی او را از دهانهٔ غار بالا بکشد و البته این کار باید به‌تدریج انجام شود. این مورد نشان‌دهندهٔ نقش آموزگار و راهنما در جست‌وجوی معرفت حقیقی است.

گزینهٔ «۳»: در تمثیل غار می‌خوانیم که اگر به تدریج چشمان فرد با روشنایی خو بگیرد، یکی پس از دیگری آن انسان‌ها و حیوانات و اشیای واقعی را خواهد شناخت و به سایه‌بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آن‌ها را حقیقت می‌پنداشت، پی خواهد برد. این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری را که عامل شناخت اشیا است ببیند و بداند که تا اندازه‌ای خورشید عامل هر چیزی است. بنابراین کسب شناخت و معرفت یک امر تدریجی است و به صورت دفعی حاصل نمی‌شود.

گزینهٔ «۴»: در تمثیل غار خواندیم که اگر زندانی آزادشده را از نور برگیرند و به داخل غار ببرند و در جایگاه قبلی‌اش قرار دهند، او به اطرافیان می‌گوید این سایه‌ها حقیقی نیستند. اما همه حرف او را خنده‌دار خواهند یافت. آنان به یکدیگر می‌گویند او از غار بیرون رفت و با خراب‌شدن و از دست دادن بینایی‌اش برگشت. این عبارت بدین معنا است که حقیقت غایی با سخن به دیگران منتقل نمی‌شود و آن‌ها خود باید کشف آن را تجربه کنند.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

اقتصاد

۱۸۱- گزینهٔ «۲» *(مهدی ضیائی)*

الف) کسب‌وکار شخصی: در کسب‌وکار شخصی، مالکیت و مسئولیت تصمیمات مهم کسب‌وکار بر عهدهٔ یک شخص است و درآمد حاصل از فعالیت نیز متعلق به اوست.

ب) شرکت: در شرکت، کسب‌وکار دارای هویت قانونی مستقل است و در شرکت سهامی، هر فرد متناسب با میزان سهام خود در مالکیت و سود و زیان شرکت سهیم است.

ج) تعاونی: در تعاونی، شیوهٔ اداره بر اساس اصل «هر نفر، یک رأی» است؛ بنابراین میزان سرمایه، تعداد آرای عضو را تغییر نمی‌دهد.

د) مؤسسهٔ غیرانتفاعی و خیریه: این مؤسسات برای انجام مأموریتی غیرسودآور و با اهدافی مانند امور خیریه، آموزش و توسعهٔ علمی تشکیل می‌شوند.

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب‌وکار، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

۱۸۲- گزینهٔ «۳» *(کنکور خارج از کشور ۱۴۰۲)*

ویژگی‌های مشترک کارآفرینان موفق:

تیزبین	فرصت‌های کسب‌وکار را زمانی که دیگران شاید متوجه نشوند، می‌بینند.
نوآور	ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب‌وکارهای جدید تبدیل می‌کنند.
ریسک‌پذیر	پس‌انداز و خوش‌نامی‌شان را با شجاعت و تدبیر، به میدان می‌آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه‌اندازی کنند.
خوش‌بین	کارآفرینان واقع‌بین هستند؛ اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی هستند.
پرانگیزه	نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.
یادگیرنده	از کارشناسان، همکاران و مشتریان می‌آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می‌دهند.
سازمان‌دهنده	منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند.

(اقتصاد، کسب‌وکار و کارآفرینی، صفحهٔ ۶)

۱۸۳- گزینهٔ «۱» *(کنکور سراسری ۱۴۰۲ نوبت دوم تیرماه)*

هزینهٔ خرید سالانهٔ مواد اولیه = (ارزش سرمایهٔ فیزیکی $\times \frac{۱}{۸}$) $\times ۱۲$

$= \frac{۱}{۸} \times ۸۰۰ \times ۱۲ = ۱۲۰۰$ میلیون تومان

دستمزد سالانهٔ مجموع کارگران $= ۴ \times ۱۰ \times ۱۲ = ۴۸۰$ میلیون تومان

هزینهٔ آب، برق، گاز و اجارهٔ سالانه = (دستمزد کارگران در سال $\times \frac{۲۵}{۱۰۰}$) $\times ۱۲$

$= \frac{۲۵}{۱۰۰} \times ۴۸۰ \times ۱۲ = ۱۴۴۰$ میلیون تومان

سرمایهٔ فیزیکی $= ۸۰۰$ میلیون تومان

درآمد سالانهٔ حاصل از فروش محصولات $= ۱۵۰۰ \times ۶۰۰,۰۰۰ \times ۱۲$

$= ۱۰,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان $= ۱۰۸۰۰$ میلیون تومان

هزینهٔ فرصت سالانه $= ۲۰ \times ۱۲ = ۲۴۰$ میلیون تومان

مجموع هزینه‌های کارگاه تولید کفش با احتساب هزینهٔ فرصت

$= ۱۲۰۰ + ۴۸۰ + ۱۴۴۰ + ۸۰۰ + ۲۴۰ = ۴۱۶۰$ میلیون تومان

چون میزان درآمد از هزینه‌ها بیشتر است، تولیدکننده از فعالیت خود سود برده است.

سود واقعی = درآمد − (هزینه‌های مستقیم و هزینهٔ فرصت) مجموع هزینه‌های تولید

$= ۱۰۸۰۰ - ۴۱۶۰ = ۶۶۴۰$ میلیون تومان $= ۶,۶۴۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۹، ۲۵، ۲۶ و ۳۳)

۱۸۴- گزینهٔ «۲» *(مهدی کاردان)*

هزینهٔ فرصت، برابر است با عایدی (منافع) حاصل از دومین انتخاب سودآور فرد؛ که از آن صرف‌نظر کرده است.

برای پاسخ به این سؤال باید ببینیم که از میان گزینه‌های مختلف به‌جز سرمایه‌گذاری در سازمان بورس اوراق بهادار که انتخاب فرد است، کدام گزینه منافع بیشتری دارد و منافع آن گزینه، می‌شود هزینهٔ فرصت انتخاب فرد، در نتیجه خواهیم داشت:

نکته: ۳ میلیارد تومان برابر با ۳,۰۰۰ میلیون تومان است.

سود حاصل از سرمایه‌گذاری در بانک $= ۳,۰۰۰ \times \frac{۲۵}{۱۰۰} = ۷۵۰$ میلیون تومان

سود حاصل از فعالیت خدمات مهندسی $= ۳۵۰ \times ۱,۵۰۰,۰۰۰$

$= ۵۲۵,۰۰۰,۰۰۰$ تومان $= ۵۲۵$ میلیون تومان

در نتیجه منافع بهترین انتخاب بعدی که سرمایه‌گذاری در بانک (با سود سالیانهٔ ۷۵۰ میلیون تومان) است ولی فرد از آن صرف‌نظر کرده است، هزینهٔ فرصت انتخاب فرد محسوب می‌شود.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

تلاشی در مسیر موفقیت

۱۸۵- گزینهٔ «۴» *(محمدحسین متولی)*

الف) هزینهٔ فرصت حرکت از نقطهٔ A به نقطهٔ B میزان طلایی است که فرد از خرید آن صرف‌نظر کرده است تا بتواند میزان بیشتری نیروی کار استخدام کند.

در نقطهٔ A ۱۶۰۰واحد طلا و در نقطهٔ B ۸۰۰ واحد طلا خریداری می‌شود، بنابراین هزینهٔ فرصت حرکت از نقطهٔ A به نقطهٔ B، ۸۰۰ واحد طلا است (۸۰۰ = ۸۰۰ − ۱۶۰۰) که از خرید آن صرف‌نظر شده است، اما در صورت سؤال ارزش هزینهٔ فرصت به تومان خواسته شده است و نه براساس واحد یا تعداد کالایی که از خرید آن صرف‌نظر کرده‌ایم؛ در نتیجه خواهیم داشت:

تومان ۸۰۰×۴۲۵,۰۰۰ = ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰

ب) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهندهٔ مقدار نهاده‌های طلا و نیروی کاری است که فرد می‌تواند با بودجهٔ مشخص ۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان بخرد، در نتیجه خواهیم داشت:

$$۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = (x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰) + (۸۰۰ \times ۴۲۵,۰۰۰)$$

$$۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = (x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰) + ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰ = x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰ \Rightarrow x = \frac{۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۷,۰۰۰,۰۰۰} = ۳۰$$

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

۱۸۶- گزینهٔ «۳» *(مهدی ضیائی)*

در (الف)، گزارهٔ مربوط به قانون اول؛ کمیابی منابع است، نه هزینهٔ فرصت.

در (د) نیز گزارهٔ مربوط به قانون پنجم، مقایسهٔ بین هزینه‌ها و منافع است، نه کمیابی منابع.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۹)

۱۸۷- گزینهٔ «۲» *(آخرین ساجدی)*

ابتدا درصد مالکیت آقای اسدی را محاسبه می‌کنیم:

$$\text{درصد مالکیت فرد} = \frac{\text{تعداد سهام فرد}}{\text{تعداد کل سهام شرکت}} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد مالکیت آقای اسدی} = \frac{۴۰۰}{۸,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۵ \text{ درصد}$$

حالا باید ببینیم کل سود شرکت در پایان سال چقدر بوده است:

کل سود شرکت × درصد مالکیت فرد = میزان سهم فرد از سود شرکت

$$\text{کل سود شرکت} \times \frac{۵}{۱۰۰} = ۲۷۵$$

$$\Rightarrow \text{کل سود شرکت} = \frac{۲۷۵ \times ۱۰۰}{۵} = ۵,۵۰۰ \text{ میلیون تومان}$$

حالا که مقدار کل سود شرکت را داریم، براساس فرمول بالا، سود دریافتی خانم اصغری را به‌دست می‌آوریم:

کل سود شرکت × درصد مالکیت خانم اصغری = میزان سود خانم اصغری

$$\text{میزان سود خانم اصغری} = \frac{۱۸}{۱۰۰} \times ۵,۵۰۰ = ۹۹۰ \text{ میلیون تومان}$$

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب‌وکار، صفحهٔ ۱۶)

۱۸۸- گزینهٔ «۳» *(سارا شریفی)*

الف) توجه به هزینه‌های هدررفته: فرد به دلیل پرداخت هزینهٔ قبلی (پول بلیت)، اصرار به ادامهٔ مسیری دارد که دیگر برای او سودمند نیست (حضور در مسابقه با وجود بیماری).

ب) بی‌صبری زیاد: فرد برای تأمین نیاز یا لذت فعلی (خرید گوشی گران‌قیمت)، بدون داشتن پس‌انداز، زیر بار سنگین بدهی (وام) می‌رود و منافع آتی خود را فدای منافع آنی می‌کند.

ج) چسبیدن به وضعیت فعلی: فرد با وجود تغییر شرایط بازار و وجود گزینه‌های بهتر، از تغییر روش خود اجتناب کرده و به همان وضعیت قدیمی و آشنا چسبیده است.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحهٔ ۳۱)

۱۸۹- گزینهٔ «۲» *(سارا شریفی)*

به دلیل کمیابی منابع، افراد و کسب‌وکارها با مسئلهٔ انتخاب مواجه‌اند. علم اقتصاد نیز به ما می‌آموزد در چنین شرایطی با درنظرگرفتن هزینه‌ها و منافع گزینه‌های مختلف، بهترین انتخاب را انجام دهیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مسئلهٔ انتخاب فقط به کسب‌وکارها محدود نیست و هر فرد در زندگی روزمره نیز بارها با انتخاب اقتصادی مواجه می‌شود.

گزینهٔ «۳»: مسئلهٔ انتخاب ناشی از کمیابی منابع است؛ یعنی منابع برای تأمین همهٔ نیازها و خواسته‌ها کافی نیستند، نه اینکه منابع به اندازهٔ کافی وجود داشته باشند.

گزینهٔ «۴»: برای انتخاب درست، باید هم هزینه‌ها و هم منافع هر انتخاب را در نظر گرفت، نه اینکه فقط منافع را بررسی کنیم.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحهٔ ۲۴)

۱۹۰- گزینهٔ «۱» *(سارا شریفی)*

الف) زمین کارگاه ← منابع طبیعی؛ زیرا زمین از منابع طبیعی است.

ب) کارگر ← نیروی کار؛ زیرا فعالیت و تلاش جسمی انسان در فرایند تولید، نیروی کار محسوب می‌شود.

ج) دستگاه‌های برش و دوخت ← سرمایهٔ فیزیکی؛ زیرا ابزار و تجهیزات ساخته‌شده‌ای هستند که برای تولید به کار می‌روند.

د) تجربه و مهارت کارگر ← سرمایهٔ انسانی؛ زیرا دانش، مهارت و تجربهٔ فرد، توانایی او را برای تولید افزایش می‌دهد.

هـ) پارچه ← منابع طبیعی؛ در این طبقه‌بندی، مواد اولیه‌ای که از منابع طبیعی به دست آمده‌اند در گروه منابع طبیعی قرار می‌گیرند.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۴ و ۳۲)

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

پاسخنامه

دوازدهم علوم و معارف اسلامی

۱ آبان‌ماه ۱۴۰۵

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۹۱- گزینهٔ «۱» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

«إنّی»: همانا من، بی‌گمان من، قطعاً من (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «رَأیتُ» (صیغهٔ متکلّم‌وحده): دیدم (رد گزینهٔ ۳) / «أحد عشرَ»: یازده / «کوکباً و الشّمس و القمر»: ستاره، خورشید و ماه / «رَأیتُهُم»: آن‌ها را دیدم (رد سایر گزینه‌ها) / «ساجِدینَ»: سجده‌کنان (رد گزینهٔ ۲)

در گزینهٔ «۴»، «در آسمان» و «بودند» اضافی آمده است. (رد گزینهٔ ۴)

(ترجمه)

۱۹۲- گزینهٔ «۳» *(ابوطالب درانی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اِصبِرْ: (فعل امر مخاطب) صبر کن

گزینهٔ «۲»: أعلَمُ: (فعل مضارع متکلّم‌وحده) می‌دانم

گزینهٔ «۴»: أنزَلَ: (فعل ماضی غایب) فروفرستاد

(ترجمه)

۱۹۳- گزینهٔ «۱» *(عمار تاجبخش)*

«قدرٌ»: ارزش/ «کُلٌّ مِنّا»: هر کدام از ما، هر یک از ما (رد گزینهٔ ۲) / «نُحسِنُه»: آن را خوب انجام می‌دهیم (رد گزینهٔ ۴) / «فَعلینا»: پس بر ما واجب است / «أن نَقومَ بِـ»: که بپردازیم به ... / «واجِباتنا»: وظایف خود / «بأحسَنِ ما نَستطیعُ»: با بهترین چیزی که می‌توانیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لأنَّ للرّجال»: چرا که انسان‌ها ... دارند (رد گزینهٔ ۳) / «علی الأفعالِ أسماء»: با عملکردها، نام‌هایی (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۹۴- گزینهٔ «۴» *(محمود بادبرین- یاسوج)*

«اِستَمعوا»: گوش فرا دهید (رد گزینهٔ ۳) / «کلامٍ فیه شیء من الحکمة»: سخنی که در آن چیزی از حکمت است (رد گزینهٔ ۳) / «تَعلَّموها»: آن را بیاموزید (یاد بگیرید) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «علِّموها»: آن را آموزش دهید (یاد بدهید) / «لمن یَطلبونها منکم»: به کسانی که آن را از شما می‌طلبند / «نُورٌ للحیاة و سببٌ لِلنَّجاح»: نوری برای زندگی و دلیلی برای موفقیت است (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

۱۹۵- گزینهٔ «۲» *(پیروز وجدان - گنبدکاووس)*

«سَبّ عقائد الآخَرین»: دشنام دادن به عقاید دیگران (رد گزینهٔ ۳) / «فی أیّ مُجتمع»: در هر جامعه‌ای (رد گزینهٔ ۴) / «سَیؤدّی إلی»: منجر به ... خواهد شد (رد گزینهٔ ۳) / «إبتَعِدوا»: دوری کنید، دور شوید (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

نکات مهم درسی:

«إبتَعِدوا»: (فعل امر برای جمع مذکّر مخاطب) دوری کنید

«إبتَعَدوا»: (فعل ماضی برای جمع مذکّر غایب) دوری کردند

(ترجمه)

۱۹۶- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لا یحزنْک: نباید تو ناراحت کند / قولٌ: سخن

گزینهٔ «۳»: إنّما الفخر: افتخار تنها ... / عقلٍ ثابتٍ (موصوف و صفت نکره): خِردی استوار/ النّسَب: تبار / در عبارت عربی ذکرشده، معادلی برای «آدمی» نیامده است.

گزینهٔ «۴»: بِطاقتها: بلیتش/ غالیة: گران است

(ترجمه)

۱۹۷- گزینهٔ «۱» *(کامران عبداللهی)*

ترجمهٔ صورت سؤال: «دانش را به دست بیاور و جایگزینی برای آن مجو؛ زیرا مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۱» آمده است: «هر کس به طلب دانش بپردازد، به جاودانگی معنوی می‌رسد که چیزی هم‌ارز آن نیست؛ در حالی‌که زندگی افراد غافل از معرفت، معنای حقیقی خود را از دست می‌دهد!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «انسان هنگامی می‌تواند منافع دنیا را بر علم ترجیح دهد که بقای جسمانی‌اش به کسب این منافع وابسته باشد!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «مرگ همه را یکسان فرا می‌گیرد، ولی اهل علم به دلیل بصیرتشان در امور زندگی می‌توانند اجل خود را به تأخیر بیندازند!» (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: «غایت زندگی، کسب فضیلت‌های گوناگون است؛ پس هر کس علم و دیگر نعمت‌ها را با هم جمع کند، از نابودی حتمی نجات می‌یابد!» (نامناسب)

(مفهوم)

۱۹۸- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

ترجمهٔ صورت سؤال: «کاش فصل بهار در سرزمین ما طولانی باشد!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۴» آمده است: «گویندهٔ این عبارت می‌خواهد روزهای بهار زیاد شود، اما این فصل در واقع در سرزمین او کوتاه است!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «آرزو در این عبارت نشان می‌دهد که بهار به این سرزمین نمی‌آید و اهالی آن، زیباییِ این فصل را حس نمی‌کنند!» (نامناسب)

گزینهٔ «۲»: «جمله نشان می‌دهد که فصل بهار در سرزمین گوینده آغاز شده است و اهالی آن سرزمین، با شکیبایی در انتظار پایان آن هستند!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «گوینده به‌طور قطعی می‌خواهد تمامی فصل‌های سال در وطن او، مانند روزهای فصل بهار باشند!» (نامناسب)

(مفهوم)

۱۹۹- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

ترجمهٔ صورت سؤال: «هر گروهی به آن چیزی که دارند، خوشحال هستند!» مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۲» آمده است: «آیه به وضعیت غرور فکری و تعصّب اشاره دارد؛ به‌طوری که هر گروهی می‌پندارد آنچه از نظرات کـه نـزد خود دارد، حق مطلق است و با این کار، از جستجوی حقیقت باز می‌ماند!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «خداوند اینان را ستایش می‌کند؛ چرا که شادمانی به عقیـده‌ای که دارند، باعث تقویت روابط میان افـراد گـروه مـی‌شـود و برایشـان انـس و خوشبختی به ارمغان می‌آورد!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «همانا قرآن کریم بر اهمیت تکثّرگرایی تأکید می‌ورزد؛ چرا کـه طبیعی است هر گروهی برای ترویج روش ویژهٔ خود که مـردم را خوشـبخت می‌کند، تلاش نماید!» (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: «مقصود قرآن این است که هر فرقه‌ای به دستاوردهای مـادی و نفوذ خود در دنیا دل‌خـوش اسـت؛ از ایـن‌رو، انسـان بایـد در پـی شـادمانی بزرگ‌تری در زندگی آخرت باشد!» (نامناسب)

(مفهوم)

۲۰۰- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

ترجمهٔ عبارات: بی‌گمان این امّت شماست؛ امّتـی یگانـه و مـن پروردگارتـان هستم؛ پس مرا بپرستید. – همانا خداوند فقط پروردگار یک امّت است، پـس بر ماست که او را بپرستیم.

می‌دانیم خداوند، پروردگار همهٔ جهانیان است و پروردگار یک امّت یـا گـروه خاص نیست. (در این آیه، بر وحدت امّت اسلامی تأکید شده است.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بخل و دروغ – ایمان مانع از جمع شدن بخل و دروغ در شخص مؤمن می‌شود. (صحیح)

گزینهٔ «۲»: مؤمن کسی است که مردم او را در مورد خون‌ها و اموال خویش امین بدانند. – از نشانه‌های مؤمن این اسـت کـه مـردم در مـورد جـان‌هـا و مال‌هایشان به وی اعتماد کنند. (صحیح)

گزینهٔ «۴»: مردم خوابند؛ پس هرگاه بمیرند بیدار می‌شوند. – انسان در ایـن زندگی مانند شخص خوابیده است و با مرگ، بـه حقـایق دنیـا پـی مـی‌بـرد. (صحیح)

(مفهوم)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

بسیاری از مردم معتقدند که ثـروت، معیـار نخسـت بـرای ارزش انسـان در جامعه است، در حالی که دیگران تمایل دارند به این که هرگونه نقش پـول در ساخت جایگاه انسانی را انکار کنند. با این حال، نگاهی عمیق به حقیقت امر آشکار می‌سازد که پول صفتی ذاتی نیست که به جـوهر انسـان افـزوده شود و مقام او را بالا ببرد، بلکه بزرگ‌نمایِ آن چیزی اسـت کـه در درون او وجود دارد. چرا که ثروت به فرد نادان حکمت نمی‌بخشد و فرد خسـیس را بخشنده نمی‌کند، بلکه حقیقت اخلاق فرد را، آنگاه کـه بـه او قـدرت عمـل بدون محدودیت می‌دهد، آشکار می‌سازد.

انسان بخشنده، اگر صاحب مال شود، دایـرهٔ نیکـی‌اش گسـترده‌تـر شـده و ثروتش به ابزاری برای خدمت به دیگران و پیشرفت جامعه‌اش بدل می‌شود؛ در حالی که در فرد دارای نفس ضعیف، ثروت ممکن است سرکشی و تکبّـر او را افزایش دهد. بنابراین، پول نمی‌تواند ارزش انسان را بالا یا پایین ببـرد؛ ارزش حقیقی تنها در استفادهٔ خوب از قـدرت اسـت و ثـروت جـز آزمـونی عملی نیست که گـوهر وجـودی انسـان را آشـکار کـرده و آنچـه را کـه در اعماقش پنهان بوده، نمایان می‌سازد.

۲۰۱- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«متن، ثروت را دلیل مهمّی می‌شمارد که ممکن است جوهر انسان نـادان را به انسـانی حکـیم تبـدیل کنـد!» (نادرسـت؛ ثـروت جـوهر انسـان را عـوض نمی‌کند!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: پول در اصل خود امری خنثی است که ارزش انسـانیِ انسـان را بالا نمی‌برد و آن را به ذات خویش پایین نمی‌آورد! (صحیح)

گزینهٔ «۳»: پول عاملی شمرده می‌شود که هنگام دارا بودنِ آن، باطن انسـان و اخلاق حقیقی او را آشکار می‌سازد! (صحیح)

گزینهٔ «۴»: گسترش دایرهٔ نیکی فرد با پول، پیش از به دست آوردن ثـروت، به کرامت نفس او وابسته است! (صحیح)

(درک مطلب)

۲۰۲- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

پول، بزرگ‌نمایِ آن چیزی است که در باطن انسان وجود دارد، زیرا ...

گزینهٔ «۲»: به او قدرت می‌دهد تا خصلت‌هایش را، خواه بخشندگی باشد یـا تکبّر، بدون هیچ قید و بندی آشکار کند!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هر کس را که آن را در اختیار داشته باشد، بـه فـردی بخشـنده تبدیل می‌کند که برای خدمت به جامعه و هم‌وطنانش می‌کوشد! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: صـاحبانِ نفـس‌هـای ضـعیف را از سرکشـی و تکبّـر کـردن بـاز می‌دارد! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: بر تمام افراد جامعه واجب می‌کند که ثروتمند را محترم بدارند و از او اطاعت کنند! (نادرست)

(درک مطلب)

۲۰۳- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

متن به این موضوع اشاره می‌کند: ثروت به عنوان ابزاری برای آشکار کردن گوهر انسانی و آزمودن آن!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: نفی مطلق اهمیت پول در زندگی امروزی! (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: تکبّر و سرکشی به عنوان نتیجهٔ داشتن ثروت! (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: نقش قناعت در حفظ پاکی نفس انسانی! (نامناسب)

(درک مطلب)

۲۰۴- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: من الأعداد الأصلیّة (نادرست) ← من الأعداد التّرتیبیّة

گزینهٔ «۳»: صفة، و موصوفها ... (نادرست) ← مضاف‌الیه و مضافه ...

گزینهٔ «۴»: مصدره: تَملُّک (نادرست) ← مصدره: امتِلاک

(تحلیل صرفی و اعراب)

۲۰۵- گزینهٔ «۳» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مزید ثلاثی بحرف زائد واحد (نادرست) ← مزید ثلاثی بحرفینِ زائدینِ («تحوَّلَت» فعل ماضی از باب تفعُّل است)

گزینهٔ «۲»: فعله الماضی: قدَّمَ (نادرست) ← فعله الماضی: تَقدَّمَ («تَقدُّم» مصدر از باب تفعُّل است)

گزینهٔ «۴»: حرفان زائدان (نادرست) ← ثلاثة حروف زائدة (باب استفعال، سه حرف زائد دارد)

(تحلیل صرفی و اعراب)

۲۰۶- گزینهٔ «۳» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «تَعَلَّم» امر باب تفعُّل و مصدر آن «تَعَلُّم» است.

گزینهٔ «۲»: «تُحسِنینَ» مضارع باب إفعال و مصدر آن «إحسان» است.

گزینهٔ «۴»: «انتَصَروا» ماضی باب افتِعال و مصدر آن «اِنتصار» است.

(فعل ثلاثی مزید)

۲۰۷- گزینهٔ «۴» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

در گزینهٔ «۴»، حرف «تـ» در «تُرغّب» از حروف مضارعه است و حرف زائد فعل محسوب نمی‌شود. «تُرغِّبُ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «تَفعیل» به معنای «ترغیب می‌کند» است.

نکات مهم درسی:

حرف «تـ» در افعال ثلاثی مزید از باب‌های «اِستِفعال، اِفتِعال، تَفعُّل، تَفاعُل» حرف زائد فعل محسوب می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: حرف «تـ» در «تَجاهل» حرف زائد فعل است. «تَجاهَلَ» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «تَفاعُل» است.

گزینهٔ «۲»: حرف «تـ» در «یَنتَفِعُ» حرف زائد فعل است. «یَنتَفِعُ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «اِفتِعال» است.

گزینهٔ «۳»: حرف «تـ» در «لا یَترک» نخستین حرف اصلی فعل است. دقت کنید «لا یَترک» مضارع منفی، ثلاثی مجرّد و بدون حرف زائد است.

(فعل ثلاثی مزید)

۲۰۸- گزینهٔ «۲» *(سیدمحمدعلی مرتضوی)*

«من» در گزینهٔ «۲»، اسم استفهام (پرسشی) است، درحالی که در سایر گزینه‌ها، اسم موصول و معرفه است.

(قواعد اسم)

۲۰۹- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی رضایی)*

«یَکُنْ» از مادّهٔ «کَوَنَ» معتل اجوف است و «یَصِلْ» از مادّهٔ «وصل» معتل مثال است. بنابراین در این گزینه هم معتل مثال آمده است و هم معتل اجوف.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: «رأتْ» از مادّه‌ی «رَأیَ» معتل ناقص است و فعل «صافَحَ» از مادّهٔ «صفح» معتل نیست.

گزینهٔ «۲»: «یَجِبُ» از مادّه‌ی «وجب» معتل مثال است و «تشارک» از مادّهٔ «شرک» معتل نیست.

گزینهٔ «۴»: «یَیأسُ» از مادّهٔ «یَئِسَ» معتل مثال است و فعل «رأی» معتل ناقص است.

(معتلات)

۲۱۰- گزینهٔ «۲» *(رضا معصومی)*

صرف افعال معتل مثال واوی در زمان مضارع، در صیغهٔ مفرد مذکر مخاطب، با حذف حرف علّه همراه است؛ بنابراین «تجد» صحیح است.

(معتلات)

ترنج بوک

تاریخ (۳)

۲۱۱- گزینهٔ «۱» *(عاطفه طاهر)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) میرزا محمدجعفر خورموجی از مورخان عصر ناصری، از منتقدان تملق‌گویی بود و نخستین کسی است که واقعیت قتل امیرکبیر را بازتاب داده است.

ب) انقلاب مشروطه، تأثیر عمیقی بر دگرگونی بینش مورخان ایرانی داشت و توجه آنان را به ابعاد گوناگون رویدادهای تاریخی به‌ویژه نقش مردم جلب کرد.

د) ذیل برنامه‌های اصلاحی عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی شاه) ترجمهٔ آثار اروپایی به‌تدریج آغاز شد و سپس در زمان ناصرالدین شاه با تأسیس مدرسهٔ دارالفنون و ایجاد دارالطباعهٔ دولتی و دارالترجمهٔ همایونی گسترش یافت.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

۲۱۲- گزینهٔ «۱» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح گزاره‌ها:

الف) خاطرات، حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شرح حال رجال دورهٔ معاصر است، که به‌ندرت در سایر منابع یافت می‌شود.

ب) سفرنامه‌ها از نظر مطالعهٔ تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ موضوع‌های اقتصادی، مسائل اجتماعی و مباحث فرهنگی هستند.

ج) تاریخ شفاهی، یک روش پژوهشی تاریخی برنامه‌ریزی شده برای جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از حافظهٔ افرادی است که خود در وقایعی شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۱۷، ۱۸ و ۲۳)

۲۱۳- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

تشریح موارد نادرست:

الف) سپاه تحت فرمان نادر در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران را آزاد کرد، روس‌ها نیز با مشاهدهٔ توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

د) نادرشاه نخست، تهماسب دوم را به بهانهٔ بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

۲۱۴- گزینهٔ «۴» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، گرچه لیاقت، شجاعت و محبوبیت نسبی در بین مردم داشت، اما به‌دلیل اشتباهات نظامی و رویگردانی عده‌ای از درباریان، از آقا محمدخان قاجار شکست خورد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۴۸)

۲۱۵- گزینهٔ «۱» *(فاطمه عزیزی)*

الف) در دورهٔ کریم‌خان زند، اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر، به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند.

ب) تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه افشار، سبب کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی به‌دلیل نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده شد.

ج) در پی سقوط صفویه، مدارس و حوزه‌های علمیهٔ اصفهان و شهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طلاب که از هجوم افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند.

نکته: مهم‌ترین تحول ادبی در دورهٔ زندیه، شکل‌گیری انجمن‌های ادبی است. در این انجمن‌های ادبی که کانون اصلی بیشتر آن‌ها اصفهان است، نهضت بازگشت ادبی شکل می‌گیرد. جریان ادبی بازگشت در دوره‌های افشاریه و قاجاریه نیز ادامه یافت.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۴۹)

جغرافیا (۳)

۲۱۶- گزینهٔ «۴» *(مریم فسروی رهنوی)*

منظور از موقعیت یک شهر یا روستا، وضعیت آن سکونتگاه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و همچنین جایگاه آن در سطح ناحیه است.

دسترسی شهر اهواز به شبکهٔ ارتباطی خط راه‌آهن و ایجاد موقعیت مناسب برای رونق تجارت و گسترش شهر قاهره به‌سبب دسترسی به عوامل طبیعی و انسانی پیرامون آن (عبارت‌های «ج» و «د»)، به مفهوم موقعیت اشاره می‌کنند.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲۱۷- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

با حرکت از قاعده به سمت رأس هرم سلسله‌مراتب، جمعیت سکونتگاه‌ها بیشتر و تعداد و تنوع خدمات آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین سکونتگاه‌های بزرگ‌تر می‌توانند خدمات بیشتری به ساکنان خود و حتی روستاها و شهرهای همجوار ارائه دهند. بنابراین با افزایش جمعیت و تعداد و تنوع خدمات، حوزهٔ نفوذ برخی عملکردهای سکونتگاه نیز می‌تواند گسترده‌تر باشد؛ مانند شهر تهران که در برخی عملکردها حوزهٔ نفوذ زیادی در سطح کشور دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: با حرکت به سمت رأس هرم، جمعیت و تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینهٔ «۳»: در سکونتگاه‌های کم‌جمعیت، خدمات کمتری ارائه می‌شود و با افزایش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات افزایش می‌یابد؛ بنابراین نمی‌توان گفت با کاهش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینهٔ «۴»: تعداد و تنوع خدمات با حرکت به سوی رأس هرم و افزایش جمعیت، افزایش می‌یابد و برای بررسی حوزهٔ نفوذ به دو جنبه آستانهٔ جمعیتی نفوذ و دامنهٔ نفوذ توجه می‌شود.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۷ و ۹)

۲۱۸- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

گسترش حمل و نقل و افزایش شهرنشینی باعث گسترش حومه‌نشینی شد. در نتیجهٔ آن، مناطق مادرشهری ایجاد شده و گسترش یافتند، از به هم پیوستن این مناطق، مگالاپلیس‌ها ایجاد شدند. این موارد با ترتیب درست تنها در گزینهٔ «۳» دیده می‌شوند.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۲۱۹- گزینهٔ «۱» *(محمدمهدی یعقوبی)*

تشریح عبارت‌ها:

الف) در سدهٔ نوزدهم و نیمهٔ اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به‌دنبال توسعهٔ صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد.

ب) مبادلهٔ نابرابر بین شهر و روستا سبب می‌شود، شهر محل انباشت سرمایه، تولید کالاهای کارخانه‌ای و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی باشد.

ج) منظور از شهرگرایی، روندی اقتصادی – اجتماعی است که طی آن شیوه‌های زندگی، رفتار و عملکردها، ارزش‌ها و مظاهر شهری در روستاها و بین روستانشینان رواج می‌یابد.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۲۲۰- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

علل شهرنشینی سریع عبارت‌اند از:

۱) دولت‌ها با استفاده از درآمد نفتی، بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها، توسعهٔ کارخانه‌ها و تجهیزات و زیرساخت‌ها را به شهرها اختصاص دادند.

۲) به‌سبب تقسیم نادرست زمین در اصلاحات ارضی، حمایت نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی، شرایط انهدام کشاورزی در ایران فراهم آمد و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

تاریخ (۱)

۲۲۱- گزینهٔ «۱» *(میلاد هوشیار)*

از آنجا که رسول خدا خود، تحت حمایت بنی‌هاشم و رئیس آنان ابوطالب قرار داشت و از آزار جانی قریش مصون بود، به مسلمانان بی‌پناه توصیه کرد به کشور حبشه هجرت کنند و چنین فرمود: «آنجا پادشاه عدالت‌خواه دارد و سرزمین راستی است.»

(تاریخ (۱)، رسول خدا (ص)، صفحهٔ ۳۹)

۲۲۲- گزینهٔ «۲» *(میلاد هوشیار)*

حدود دو ماه پس از پایان محاصره در شعب، دو تن از عزیزترین یاران رسول خدا (ص) یعنی ابوطالب و خدیجه، رحلت کردند. این مصیبت به قدری بر رسول خدا (ص) سنگین بود که سال رحلت آن دو (دهم بعثت) را عام‌الحزن نامید.

(تاریخ (۱)، رسول خدا (ص)، صفحهٔ ۴۲)

۲۲۳- گزینهٔ «۲» *(جواد میربلوکی)*

با توجه به خط زمان زندگانی رسول خدا (ص) در دوران پیش از بعثت، گزینهٔ «۲» درست است.

(تاریخ (۱)، رسول خدا (ص)، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۵)

۲۲۴- گزینهٔ «۲» *(میلاد هوشیار)*

مهم‌ترین محورهای پیمان عمومی مدینه بدین قرار است:

۱- تشکیل جامعه‌ای متشکل از مسلمانان و یهودیان مدینه

۲- آزادی مسلمانان و یهودیان مدینه در پیروی و عمل بر اساس دین خود

۳- حاکمیت عدالت، در برخورد با تجاوز افراد نسبت به هم

تلاشی در مسیر تولید علم

۴- دفاع مشترک مسلمانان و یهودیان از مدینه

۵- مقدس بودن شهر مدینه و حرمت خون‌ریزی در آن

۶- مرجعیت پیامبر (ص) برای داوری و رفع هرگونه اختلاف در مدینه

(تاریخ (۱)، پیامبر در مدینه، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۲۲۵- گزینهٔ «۲» *(میلاد هوشیار)*

به گفتهٔ مورخان، نقش امیرمؤمنان علی (ع) در کشتن پرچم‌داران شرک، زمینه‌ساز جرئت مسلمانان در غلبه بر مشرکان در نبرد احد شد.

(تاریخ (۱)، پیامبر در مدینه، صفحهٔ ۵۳)

جغرافیای ایران

۲۲۶- گزینهٔ «۲» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

در عبارت «ایران در جنوب دریای خزر و شمال خلیج فارس قرار گرفته است.»، جایگاه ایران نسبت به پدیده‌های پیرامونش بیان شده است؛ بنابراین کل عبارت مذکور، نمونه‌ای از موقعیت نسبی هستند.

جنوب دریای خزر: موقعیت ایران نسبت به دریای خزر

شمال خلیج فارس: موقعیت ایران نسبت به خلیج فارس

نکتهٔ مهم درسی:

«موقعیت جغرافیایی» مفهوم کلی است و از دو منظر قابل مطالعه است: ۱- موقعیت ریاضی (مطلق) ۲- موقعیت نسبی

(جغرافیای ایران، موقعیت جغرافیایی ایران، صفحه‌های ۱۴ و ۱۶)

۲۲۷- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

بررسی موارد:

الف) حدود ۶۶ درصد ذخایر نفت جهان و ۲۸ درصد ذخایر گاز طبیعی را در خود جای داده است ← خلیج فارس

ب) مهم‌ترین آبراههٔ استراتژیک در تجارت جهان محسوب می‌شود ← تنگهٔ هرمز

ج) ۹۰٪ از خاویار جهان را تأمین می‌کند و به بازار مصرف ۳۰۰ میلیون نفری آسیای میانه دسترسی دارد ← دریای خزر

د) بزرگ‌ترین پهنهٔ آبی محصور در خشکی است و از منابع نفت و گاز بهره‌مند است ← دریای خزر

(جغرافیای ایران، جغرافیایی طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۷ و ۱۹)

۲۲۸- گزینهٔ «۲» *(یاسین ساعدی)*

تشریح گزینهٔ نادرست:

پس از آخرین تحولات دوران سوم زمین‌شناسی «سنوزوئیک»، طی دورهٔ «کواترنر» ناهمواری‌های کشور ایران شکل نهایی یافته و از آن پس تحت تأثیر عوامل فرسایش تغییر شکل می‌یابند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۲۹- گزینهٔ «۲» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: اگر سه نقطهٔ کوه جغتای در خراسان رضوی، گردنهٔ آوج در استان قزوین و قلّهٔ کوه بزمان یا خضر زنده در سیستان و بلوچستان را به یکدیگر وصل کنیم، مثلثی تشکیل می‌شود که منطقهٔ کوهستانی مرکزی نامیده می‌شود.

گزینهٔ «۳»: ریزش‌های جوی شدید، کوه‌های زاگرس را فرسایش می‌دهد و مواد آن در دسترس این رودها قرار می‌گیرد.

گزینهٔ «۴»: سرزمین‌های کوهستانی که اغلب بیش از هزارمتر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارند؛ شامل رشته‌کوه‌های مختلفی از ارسباران (قره‌داغ) تا آلاداغ می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ و ۲۸ تا ۳۰)

۲۳۰- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

دشت‌ها، سرزمین‌های هموار یا نسبتاً هموار هستند که حصاری کوهستانی، آن‌ها را فرا گرفته است.

علل پیدایش دشت‌ها:

۱) برخی دشت‌ها در هنگام چین خوردگی‌ها و در حد فاصل تاقدیس‌ها (در میان ناودیس‌ها)، ایجاد شده‌اند؛ مانند دشت کاکان در فارس.

۲) برخی دشت‌ها مانند دشت نهاوند در استان همدان بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به‌وجود آمده است.

۳) پاره‌ای از دشت‌ها حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها هستند؛ مانند ماهی‌دشت کرمانشاه و دشت ارژن در فارس.

۴) برخی از دشت‌ها در نتیجهٔ گسل‌خوردگی و فرونشست بخشی از پوستهٔ زمین شکل گرفته‌اند که فرسایش بادی و آبی، ناهمواری‌های جدیدی در سطح آن‌ها تشکیل داده است؛ مانند دشت لوت.

نکتهٔ مهم درسی:

جلگه‌ها، سرزمین‌های هموار هستند که از یک طرف به کوه‌ها و از طرف دیگر به دریاها و دریاچه‌ها منتهی می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

تاریخ (۲)

۲۳۱- گزینهٔ «۲» *(میلاد هوشیار)*

از پیامدهای حکومت علی‌بن عیسی بر خراسان، شورش رافع‌بن لیث بود. با آغاز قیام رافع‌بن لیث، مخالفان خلیفه در ماوراءالنهر به وی پیوستند. این جنبش با مرگ هارون هم خاموش نشد و تا زمان مأمون ادامه یافت.

(تاریخ (۲)، امام رضا (ع)، صفحهٔ ۲۹)

۲۳۲- گزینهٔ «۲» *(میلاد هوشیار)*

خطر واقفیه برای جریان شیعه بسیار جدی بود. علت این امر در ویژگی‌هایی بود که سران این فرقه داشتند. برخی از سران واقفیه از وکیلان امام کاظم (ع) بودند. شیعیان به آنان اعتماد داشتند و اموال زیادی به ایشان سپرده بودند تا به دست امام (ع) برسانند. این عده با شنیدن خبر رحلت امام کاظم (ع)، درگذشت حضرت را انکار و از تحویل اموال به امام رضا (ع) سرباز زدند.

(تاریخ (۲)، امام رضا (ع)، صفحهٔ ۳۴)

۲۳۳- گزینهٔ «۳» *(میلاد هوشیار)*

یکی از ویژگی‌های مهم دوران امامت امام رضا (ع) وجود مسائل فکری و اعتقادی متعدد است؛ از جمله وجود زندیقان که بحث‌های کلامی گسترده در مورد توحید و اصل وجود خداوند مطرح می‌کردند.

(تاریخ (۲)، امام رضا (ع)، صفحهٔ ۳۴)

۲۳۴- گزینهٔ «۲» *(علی‌محمد کریمی)*

معتصم (خلیفهٔ عباسی) نامه‌ای به کارگزار خود در مدینه نوشت و از او خواست تا امام جواد (ع) را به همراه امّ فضل (همسرش) دختر مأمون راهی بغداد نماید.

(تاریخ (۲)، امام جواد (ع)، صفحهٔ ۴۰)

۲۳۵- گزینهٔ «۴» *(علیرضا رضایی)*

اوج فساد و ظلم حکومت عباسی، در زمان متوکّل عباسی بود.

(تاریخ (۲)، امام هادی (ع)، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

جغرافیا (۲)

۲۳۶- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

هرچه تابش خورشید مایل‌تر باشد، انرژی خورشیدی در سطح گسترده‌تری پخش می‌شود؛ بنابراین انرژی دریافتی در واحد سطح کاهش می‌یابد و دما نیز کمتر می‌شود.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحهٔ ۲۳)

۲۳۷- گزینهٔ «۲» *(علیرضا پدرام)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: جهت وزش باد از کمربند شمارهٔ «۲» (پرفشار) به سمت کمربند شمارهٔ «۱» (کم‌فشار) است.

گزینهٔ «۳»: احتمال بیابانی‌شدنِ یک منطقهٔ فرضی بر اثر توزیع فشار، در کمربند شمارهٔ «۳» (پرفشار) بیشتر از کمربند شمارهٔ «۴» (کم‌فشار) است.

گزینهٔ «۴»: بیابان گُبی به‌طور عمده در اثر عامل دوری از منابع رطوبت ایجاد شده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه‌های ۲۶ و ۳۴)

۲۳۸- گزینهٔ «۳» *(حامد صفرخانیان)*

تشریح عبارت‌ها:

عبارت اول: نواحی استوایی و آسیای موسمی بیش از ۱۵۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند و بیابان‌ها، کمتر از ۵۰ یا ۱۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند. ← در نتیجه بخش اول تمام گزینه‌ها صحیح است.

عبارت دوم: نواحی هرچه از اقیانوس‌ها و دریاها دورتر باشند، رطوبت آن‌ها کمتر و خشکی هوایشان بیشتر است یا به عبارتی دیگر، نواحی هرچه به اقیانوس‌ها و دریاها نزدیک‌تر باشند، رطوبت آن‌ها بیشتر و خشکی هوایشان کمتر است. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت سوم: تودهٔ هوای مرطوب ابتدا باید تا ارتفاع معینی بالا رود، سپس سرد شود تا به نقطهٔ اشباع برسد و پس از تشکیل ابر، ببارد. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت چهارم: بیشتر بارندگی‌های بهاری از نوع بارندگی همرفتی هستند. / در بارندگی کوهستانی، کوهستان‌ها مانع حرکت تودهٔ هوای مرطوب به‌طور افقی می‌شوند. / بارندگی سیکلونی بیشتر در محل جبهه‌ها به وجود می‌آید. / در بارندگی ناهمواری، تودهٔ هوا در امتداد دامنهٔ کوه به طرف قله بالا می‌رود و هنگام صعود، دمای آن کاهش می‌یابد و در انتها موجب بارش می‌شود ← در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۴» نادرست است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحهٔ ۲۷)

۲۳۹- گزینهٔ «۲» *(علیرضا سالمی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) دره‌های U شکل معمولاً بر اثر فرسایش یخچالی طی هزاران سال پدید آمده‌اند.

ج) «کارست» پدیدهٔ خوردگی و انحلال سنگ‌های آهکی است.

د) در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی و جنس سنگ‌ها، پیوسته هوازدگی فیزیکی (مکانیکی) و شیمیایی رخ می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

۲۴۰- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

با توجه به تصویر داده‌شده، در میان اشکال فرسایشی، «الف» نشان‌دهندهٔ اشکال تراکمی و «ب» نشان‌دهندهٔ اشکال کاوشی است؛ بنابراین تنها گزینهٔ «۴» به مطلب درستی اشاره دارد، کلوت‌ها و چاله‌های بادی جزو اشکال کاوشی هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۴۷ تا ۴۹)

ترنج بوک
تلاشی در مسیر موفقیت

دفترچه پاسخ

آزمون هوش و استعداد

(دورهٔ دوم)

۱ آبان

تعداد کل سؤالات آزمون: ۲۰
زمان پاسخ‌گویی: ۳۰ دقیقه

گروه فنی تولید

مسئول آزمون	حمید لنجان‌زاده اصفهانی
مسئول دفترچه	حامد کریمی
مدیر گروه مستندسازی	محیا اصغری
مسئول درس مستندسازی	علیرضا همایون‌خواه
ویراستاران مستندسازی	بیتا مرادی، پریا اقبالی
طراحان	حمید اصفهانی، فاطمه راسخ، حامد کریمی، حمید گنجی، رامتین شمشکی، فرزاد شیرمحمدلی
حروف‌چینی و صفحه‌آرایی	معصومه روحانیان
ناظر چاپ	حمید عباسی

تلاشی درمسیر موفقیت

استعدادتحلیلی

۲۵۱- گزینهٔ «۳» (حمید اصفهانی)

در بند نخست، برای ارزیابی اعضای هیئت علمی به کیفیت و تعداد پژوهش‌ها، انتشار مقاله در نشریات معتبر و جذب منابع پژوهشی اشاره شده است امّا رضایت دانشجو از استاد در متن نیست.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۲- گزینهٔ «۱» (حمید اصفهانی)

طبق متن، هر دو نظام آموزش عالی از آزمون‌های ورودی سراسری و رقابت میان داوطلبان بهره می‌برند؛ بنابراین در این مورد تفاوت کمتری میان آن‌ها وجود دارد. در سایر موارد، متن از تفاوت‌هایی میان این نظام‌های آموزشی ایران و برخی کشورهای شرق آسیا سخن می‌گوید.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۳- گزینهٔ «۱» (حمید اصفهانی)

متن می‌گوید نظام‌های رقابتی ممکن است به رشد توانمندی‌های علمی و پژوهشی کمک کنند، امّا از شاخصی برای سنجش کیفیت پژوهش‌ها و نیز از سهمیه‌های گائوکائو اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۴- گزینهٔ «۴» (حمید اصفهانی)

بخش نخست، موضوع و محتوای «مقایسهٔ نظام‌های آموزش عالی شرق آسیا و ایران» را بیان می‌کند و بخش دوم با اشاره به «آموختن و به‌کارگیری تجربه‌ها»، هدف این مقایسه را توضیح می‌دهد.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۵- گزینهٔ «۱» (حامد کریمی)

متن بر طولانی بودن دورهٔ حیات دایناسورها تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که آن‌ها در یک بازهٔ زمانی کوتاه زندگی نکرده‌اند: فاصلهٔ زمانی میان آغاز و پایان حیات دایناسورها بسیار طولانی‌تر از فاصلهٔ انقراض آن‌ها تا ظهور انسان‌های مدرن بوده است.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۶- گزینهٔ «۳» (حامد کریمی)

فیلم مورد اشاره طبق متن، تضادی میان آرمان‌های دموکراتیک امروز آمریکا و واقعیت‌های خشن و بی‌رحمانهٔ تاریخیِ شکل‌گیری و گسترش قدرت در این کشور برقرار می‌کند. بنابراین این آرمان‌ها لزوماً با ریشه‌های تاریخی و اجتماعی آن سازگار نیستند.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۷- گزینهٔ «۳» (حامد کریمی)

متن از تأثیر عمیق متنبّی بر شعر فارسی، به‌ویژه شعر سعدی، سخن می‌گوید؛ امّا سعدی را مستقیماً «شاگرد» او معرّفی نمی‌کند، به‌ویژه این که می‌گوید «آن را با ظرافت و سادگیِ ایرانی پیوند زد». بنابراین می‌توان تأثیرپذیری سعدی را پذیرفت، بدون آنکه او را شاگرد متنبّی دانست.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۸- گزینهٔ «۳» (حمید کنبی)

تنها حالت ممکن:

س	ش	ص	ض
۵	۳	۶	۱

(استدلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۵۹- گزینهٔ «۱» (حمید کنبی)

تنها حالت ممکن:

س	ش	ص	ض
۳	۱	۵	۶

(استدلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۰- گزینهٔ «۲» (حمید کنبی)

معلوم است که با حذف ۱، ۴ هم حذف می‌شود. حالت‌هایی برای اثبات امکان دیگر گزینه‌ها:

س	ش	ص	ض
۶	۲	۵	۳
۵	۱	۶	۴
۳	۱	۵	۴

(استدلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۱- گزینهٔ «۲» (حمید کنبی)

اگر «ص» ۴ باشد، باید «ض» ۱ باشد که ممکن نیست «ص» زوج و «ض» فرد باشد. در دیگر گزینه‌ها:

س	ش	ص	ض
۶	۲	۵	۳
۳	۱	۶	۵
۵	۱	۶	۴

(استدلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۲- گزینهٔ «۲» (فرزاد شیرممدلی)

حاصل‌ضرب اختلاف عددهای زوج و اختلاف عددهای فرد در بیرون شکل، عدد مرکزی را می‌سازد:

$$(۸-۴)\times(۷-۱)=۴\times۶=۲۴$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۳- گزینهٔ «۲» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

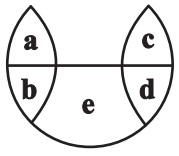
مجموع حاصل‌ضرب عددهای روبه‌روی هم در شکل‌های صورت سؤال، عدد بخش بزرگتر شکل را می‌سازد:

$$(۳\times ?)+(۸\times ۱۷)=۲۰۲ \Rightarrow ۳\times ?=۶۶ \Rightarrow ?=۲۲$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۴- گزینهٔ «۳» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

در الگو داریم:



$$e=|(a-b)+(c-d)|$$
$$|(۱-۴)+(۳-۷)|=۷$$
$$|(۵-۶)+(۹-۱)|=۷$$
$$|(۸-۲)+(۸-۵)|=۹$$
$$|(۷-۳)+(۲-۹)|=۳$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۵- گزینهٔ «۱» *(فرزاد شیرمحمدلی)*

عدد پایینی هر شکل، یک واحد کمتر از بزرگترین شمارندهٔ مشترک سه عدد بالای آن است:

$$۲۷,۷۲,۱۸ \rightarrow ۹ \rightarrow ۸$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

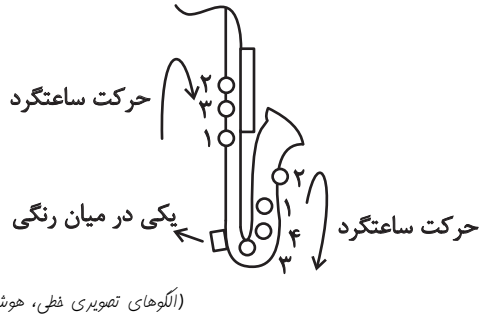
۲۶۶- گزینهٔ «۴» *(فاطمه راسخ)*

دو مربع بخش بالایی شکل در انتقال‌ها، در هر مرحله یک واحد به پایین می‌آید. تعداد خط‌های اریب نیز هر بار یکی بیشتر می‌شود. مربع پایین نیز در حرکت تناوبی افقی است و بخش مربع رنگی آن نیز پادساعتگرد جابه‌جا می‌شود.

(الگوهای تصویری خطی، هوش غیرکلامی)

۲۶۷- گزینهٔ «۴» *(فاطمه راسخ)*

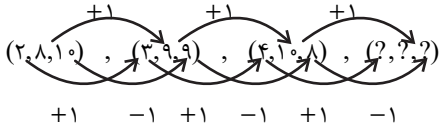
طرح‌های الگوی صورت سؤال:



(الگوهای تصویری خطی، هوش غیرکلامی)

۲۶۸- گزینهٔ «۲» *(فاطمه راسخ)*

شکل مار الگو در هر مرحله از انتقال از چپ به راست ۹۰ درجهٔ پادساعتگرد می‌چرخد. بخش‌های رنگی نیز الگویی دارند که اگر بخش‌های بدن مار را از دُم شماره‌گذاری کنیم، عبارت خواهند بود از:



$$\Rightarrow ?=(۵,۱۱,۷)$$

(الگوهای تصویری خطی، هوش غیرکلامی)

۲۶۹- گزینهٔ «۲» *(رامتین شمشکی)*

دو دستهٔ قاعدهٔ مختلف در الگوی صورت سؤال هست.

برای بخش‌های کوچکتر، با ترتیب چپ و راست:

سفید: سیاه + سیاه

سیاه: سفید + سیاه

سفید: سیاه + سفید

سیاه: سفید + سفید

و برای بخش‌های بزرگتر:

سیاه: سیاه + سیاه

سفید: سفید + سیاه

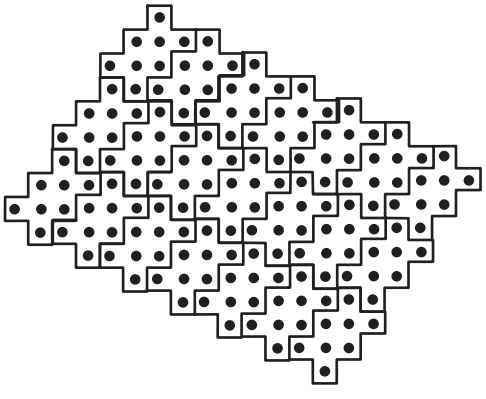
سیاه: سیاه + سفید

سفید: سفید + سفید

(الگوهای تصویری غیر فطّی، هوش غیرکلامی)

۲۷۰- گزینهٔ «۱» *(رامتین شمشکی)*

تکرار مدّنظر:



(الگوهای تصویری غیر فطّی، هوش غیرکلامی)

تلاش مسیر موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

☑ دفترچهٔ پاسخ

عمومی دوازدهم

رشتهٔ انسانی

۱ آبان ماه ۱۴۰۵

طراحان به ترتیب حروف الفبا

فارسی	حسن افتاده، حسین پرهیزگار، نازنین‌فاطمه حاجیلو، سعید جعفری، ابوالفضل عباس‌زاده، الهام محمدی
دین و زندگی	محسن بیاتی، محمد رضایی‌بقا، محسن رحمانی، فردین سماقی، مرتضی محسنی‌کبیر، میثم هاشمی
زبان انگلیسی	رحت‌اله استیری، آرمین رحمانی، عقیل محمدی‌روش

گزینشگران و ویراستاران به ترتیب حروف الفبا

نام درس	مسئول درس	گزینشگر	گروه ویراستاری	رتبه برتر	مسئول درس‌های مستندسازی
فارسی	نازنین‌فاطمه حاجیلو	نازنین‌فاطمه حاجیلو	محسن اصغری	ـــ	فریبا رئوفی
دین و زندگی	بهنام رسولی	بهنام رسولی	امیرمهدی افشار محمدفرحان فخاریان	محمدفرحان فخاریان	سجاد حقیقی‌پور، سیدمجتبی رضازاده
اقلیت‌های مذهبی	دبورا حاتانیان	دبورا حاتانیان	معصومه شاعری	ـــ	ـــ
زبان انگلیسی	رحمت‌اله استیری	رحمت‌اله استیری	محسن رحمانی، فاطمه نقدی	ـــ	سپهر اشتیاقی

مدیران گروه	الهام محمدی
مسئول دفترچه	معصومه شاعری
مستندسازی و مطابقت با مصوبات	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: فریبا رئوفی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا	زهرا تاجیک
ناظر چاپ	سوران نعیمی

گروه آزمون

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

آدرس دفتر مرکزی: خیابان انقلاب- بین صبا و فلسطین- پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی: ۶۴۶۳-۰۲۱

فارسی ۳

۲۷۱- گزینهٔ «۳» *(حسین پرهیزگار- سبزوار)*

ـ حالتی که در آن احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد: انبساط
ـ حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن چیزی: پوییدن
ـ مال کسی را به‌عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگه‌داشتن: گرو
ـ کسی که دیگری فرمان او را می‌برد: مطاع

(واژگان، واژه‌نامه)

۲۷۲- گزینهٔ «۴» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینهٔ «۱»: «بط» به معنای اردک، شکل درست «بت» است. (بَط: اردک_ بُت: مجسمه‌ای که برای پرستش ساخته می‌شد.)
گزینهٔ «۲»: «حال» شکل درست «هال» است.
گزینهٔ «۳»: «خور» شکل درست «خُر» است.

(املا، صفحه‌های ۱۳، ۱۸، ۲۰ و ۲۲)

۲۷۳- گزینهٔ «۲» *(حسن افتاده - تبریز)*

نقش دستوری واژهٔ مشخص‌شده در صورت سؤال و گزینهٔ «۲» مضاف‌الیه است.
حرف کم و بسیار نیست = حرف[مقدار] کم و بسیار نیست: «مقدار» حذف شده و صفات پس از آن باقی‌مانده‌اند؛ پس «کم» صفت جانشین اسم است و از این‌رو، خودش اسم محسوب شده و معنای «کمی، کم بودن» گرفته است. بنابراین ترکیب «حرف کم» در اینجا، ترکیب اضافی و کم مضاف‌الیه است.
اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده: بر سرِ اطفال شاخ، به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه نهاده است. (رای فک اضافه)

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینهٔ «۱»: متمم: توجه شود که «از بهر» «حرف اضافه» و به معنی «برای» است.
گزینه‌های «۳ و ۴»: صفت

(دستور، صفحه‌های ۱۲ و ۱۹)

۲۷۴- گزینهٔ «۳» *(سعید جعفری)*

در گزینه‌های «۱، ۲ و ۴»، «نیست» در مصراع دوم اسنادی است؛ ولی در گزینهٔ «۳» فعل تام است و به معنای «وجود ندارد» آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینهٔ «۱»: این، از عشق‌بازان، عجب (عجیب) نیست (= نمی‌باشد).
گزینهٔ «۲»: قاضی [در] نیمه‌شب، بیدار نیست (= نمی‌باشد).
گزینهٔ «۴»: حرف کم و بسیار[نکتهٔ اصلی] نیست (= نمی‌باشد).

(ترکیبی، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

۲۷۵- گزینهٔ «۲» *(سعید جعفری)*

شعری را که بر پایهٔ پرسش و پاسخ سروده شده است، مناظره یا گفتاگفت می‌نامند. در این نوع سروده، شخصیت‌ها رودرروی هم با هم گفت‌وگو و پرسش و پاسخ می‌کنند.
در بیت الف و ت این ویژگی دیده می‌شود.

بررسی موارد دیگر:
مورد ب: در این بیت، پرسش و پاسخ و گفت‌وگو دیده نمی‌شود.
مورد پ: در این بیت، شخصیت‌ها رودرروی هم درحال گفت‌وگو و پرسش و پاسخ نیستند.

(قلمرو ادبی، صفحه‌های ۱۴، ۲۰ و ۲۱)

۲۷۶- گزینهٔ «۲» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

بررسی آرایه‌های هر بیت:
۱) مجاز: «خاک» مجاز از گور/ کنایه: «دل ز مهر کسی پاک کردن» کنایه از دل بریدن از کسی؛ «خفته در خاک بودن» کنایه از مردن/ جناس: خاک و پاک (گزینه‌ای رد نمی‌شود.)
۲) جناس: جواب و صواب/ سجع ندارد. (رد گزینه‌های «۳ و ۴»)
۳) کنایه: «نانی به کف آوردن» کنایه از «به رزق و روزی رسیدن»/ مجاز: ابر و باد و مه و خورشید و فلک: مجاز از همهٔ پدیده‌های هستی/ سجع ندارد. (رد گزینهٔ «۱»)

(آرایه، صفحه‌های ۱۲، ۲۰ و ۲۱)

۲۷۷- گزینهٔ «۳» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

«گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک، خوب‌تر شوی
یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر، به یک موی تر شوی
از پای تا سرت، همه نور خدا شود / در راه ذوالجلال چو بی‌پا و سر شوی
وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زین پس شکی نماند، که صاحب‌نظر شوی»

(حفظ شعر، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۷۸- گزینهٔ «۴» *(ابوالفضل عباس‌زاده)*

الف) واژهٔ «پروانه» در بیت صورت سؤال نماد «عاشق حقیقی» است؛ در مورد الف، مراد از «بی‌دل»، انسان عاشق است («بی‌نشان» کنایه از معشوق یا خداست).
ب) با توجه به مصراع دوم، شرط اصلی عشق حقیقی، بی‌ادعایی و رازداری در عشق، است.

(مفهوم، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۷۹- گزینهٔ «۲» *(الهام محمدی)*

دقت کنید: ابیات درس «ستایش»، فقط بر یک مفهوم دلالت نمی‌کنند، چون هر بیت بیانگر چند صفت خداوند است، بنابراین لازم است، هنگام مطالعه به همهٔ مفاهیم توجه کنید.
بیت «ج»: اعتراف بنده به درماندگی: نمی‌توانم تو را توصیف کنم زیرا در فهم و درک انسان نمی‌گنجی و نمی‌توانم کسی را به تو مانند کنم که تو در تصور و خیال بندگان قرار نمی‌گیری.
بیت «د»: یگانه‌پرستی: مصراع دوم (فقط تو را به یگانگی می‌ستایم؛ زیرا که تنها تو شایستهٔ یگانگی هستی.)
بیت «ب»: بخشندگی: همه جودی (دلالت بر بخشندگی و گشاده‌دستی می‌کند.)
بیت «هـ»: خواست و مشیّت الهی: مصراع دوم (همهٔ کاستن‌ها و اضافه‌شدن‌ها به دست و ارادهٔ توست)

(مفهوم، صفحهٔ ۱۰)

۲۸۰- گزینهٔ «۲» *(حسن افتاده - تبریز)*

معنای نوشته‌شده در مقابل همهٔ گزینه‌ها کاملاً صحیح بودند به‌جز گزینهٔ «۲».
معنای صحیح عبارت گزینهٔ «۲»: یکی از عارفان که از آن حالت مراقبت و مکاشفتش (که فراتر از نماز هستند)[ ] به حالت عادی] برگشت.

(مفهوم، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

دین و زندگی (۳)

۲۸۱- گزینهٔ «۴» *(محسن بیاتی)*

عبدالرحمن جامی در مقدمهٔ دوم و در توصیف نیازمندی جهان به خدا در پیدایش چنین بیان می‌کند:

ذات نایافته از هستی، بخش / چون تواند که بود هستی‌بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آب‌دهی

(درس ۱، صفحهٔ ۷)

۲۸۲- گزینهٔ «۳» *(محسن بیاتی)*

اگر به خود و اشیای پیرامونمان نظر کنیم همه را پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

(درس ۱، صفحهٔ ۷)

۲۸۳- گزینهٔ «۱» *(فرزین سماقی)*

خداوند در قرآن در پاسخ به کسانی که می‌پرسند «چگونه می‌توان خدا را دید؟» می‌فرماید «لا تدرکُهُ الابصار = چشم‌ها او را نمی‌بینند.» نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کسی باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبهٔ دیدن به وسیلهٔ قلب و ملاقات با خداست.

(درس ۱، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۸۴- گزینهٔ «۴» *(فرزین سماقی)*

با توجه به مُفاد آیهٔ «الله نورالسماوات و الارض» هر موجودی در حدّ خودش تجلّی خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

(درس ۱، صفحهٔ ۱۱)

۲۸۵- گزینهٔ «۲» *(میثم هاشمی)*

آیهٔ صورت سؤال بیانگر توحید در مالکیت است.

با توجه به مراتب توحید، پس از توحید در خالقیت، توحید در مالکیت است.

(درس ۲، صفحهٔ ۱۹)

۲۸۶- گزینهٔ «۳» *(میثم هاشمی)*

مهم‌ترین اعتقاد دینی «توحید و یکتاپرستی» است. اسلام دین توحید و قرآن کتاب توحید است. در اسلام بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد. توحید سرلوحهٔ دعوت همهٔ پیامبران (ع) بوده است. خداوند در قرآن کریم اخلاق، احکام و همهٔ اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است. توحید مانند روحی در پیکرهٔ معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد.

(درس ۲، صفحهٔ ۱۸)

۲۸۷- گزینهٔ «۴» *(میثم هاشمی)*

واژهٔ «ربّ» در قرآن کریم از اهمیت فراوانی برخوردار است و بعد از واژهٔ «الله» بیشترین فراوانی را در میان اسمای الهی دارد. کلمهٔ رب بیش از نهصد بار در قرآن کریم آمده است. عبارت «ربّ العالمین» نیز بیش از ۴۰ بار در قرآن تکرار شده است. ربّ به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۰)

۲۸۸- گزینهٔ «۲» *(مرتضی محسنی‌کبیر)*

در قرآن کریم می‌خوانیم که وزیر سلیمان، آصف بن برخیا، در یک لحظه تخت بلقیس (ملکهٔ صبا) را از مسافتی طولانی منتقل کرد، این نشان‌دهندهٔ آن است که انسان با طی مراتب بندگی می‌تواند به اذن خداوند به چنین توانایی‌هایی در عالم هستی برسد.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۶)

۲۸۹- گزینهٔ «۲» *(مرتضی محسنی‌کبیر)*

قرآن کریم از زبان حضرت عیسی (ع) بیان می‌کند: «من برایتان از خاک پرنده‌ای می‌سازم و در آن می‌دمم و آن خاک به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود» که مؤید «توحید در ربوبیت» است و این کار در راستای اجازه و اذن الهی است که به آن رابطهٔ طولی هم می‌گویند، نه به صورت در کنار آن (رابطهٔ عرضی).

(درس ۲، صفحهٔ ۲۵)

۲۹۰- گزینهٔ «۱» *(مرتضی محسنی‌کبیر)*

جریان تکفیری در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. پیروان این جریان فکری خشک و غیر عقلانی با تفکر غلطی که دربارهٔ توحید و شرک دارند، هر مسلمانی را که مانند آن‌ها نمی‌اندیشد، مشرک و کافر می‌خوانند و گاه کشتن او را واجب می‌شمارند.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۴)

تلاش و مسیر موفقیت

زبان انگلیسی ۳

۲۹۱- گزینهٔ «۱» *(آرمین رمانی)*

نکتهٔ مهم درسی:

نقش "you" برای فعل "invite" (دعوت کردن) مفعولی است، پس نیاز به ساختار مجهول داریم. (رد سایر گزینه‌ها)

(گرامر)

۲۹۲- گزینهٔ «۳» *(آرمین رمانی)*

نکتهٔ مهم درسی:

دقت کنید که فاعل اصلی این جمله "reading" است (نه "these books") که مفرد است. پس باید فعل نیز با آن مطابقت داشته باشد (رد گزینه‌های «۲ و ۴»). همچنین، نقش "reading" برای فعل "recommend" (توصیه کردن) مفعولی است و نیاز به ساختار مجهول داریم (رد گزینه‌های «۱ و ۲»).

(گرامر)

۲۹۳- گزینهٔ «۱» *(آرمین رمانی)*

نکتهٔ مهم درسی:

نقش "he" برای فعل "offer" (پیشنهاد کردن) مفعولی است و نیاز به ساختار مجهول داریم (رد سایر گزینه‌ها).

(گرامر)

۲۹۴- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «شرکت کمک مالی سخاوتمندانه‌ای به مدرسهٔ محلی کرد تا بچه‌ها بتوانند کتاب‌های جدید بخرند.»

۱) سخاوتمندانه ۲) تصادفی

۳) معمولی ۴) مذهبی

(واژگان)

۲۹۵- گزینهٔ «۳» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «یک پیاده‌روی طولانی در هوای تازه و یک مکالمهٔ خوب با یک دوست می‌تواند غم و اندوه مرا به‌طور کامل درمان کند.»

۱) توسعه دادن ۲) اختراع کردن

۳) درمان کردن ۴) تقویت کردن

(واژگان)

۲۹۶- گزینهٔ «۴» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «بسیاری از دانش‌آموزان تحت فشار امتحانات نهایی فراموش می‌کنند به‌درستی غذا بخورند و در نهایت احساس خستگی می‌کنند.»

۱) قدرت ۲) الهام

۳) نمونه ۴) فشار

(واژگان)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

هر کودکی نیاز دارد بداند که ویژگی‌هایی دارد که او را منحصربه‌فرد و خاص می‌کند. اما وقتی فرزندانتان را با هم مقایسه می‌کنید، این پیام از دست می‌رود. حتی تحسین‌کردن یکی از فرزندان در حضور دیگری نیز می تواند باعث شود فرزند دیگر در مورد جایگاه و ارزش خود تردید کند. مقایسه بین دو کودک اغلب نتیجهٔ عکس می‌دهد و باعث می‌شود کودکی که با «فرزند طلایی» مقایسه می‌شود، دست از تلاش بردارد و دیگر نخواهد برای بهترشدن تلاش کند.

علاوه بر این، کودکان به طور طبیعی می خواهند والدین خود را خشنود کنند؛ وقتی آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می کنید، این کار سطح اضطراب و استرس آن‌ها را افزایش داده و اعتمادبه‌نفسشان را کاهش می‌دهد، به‌ویژه زمانی که به این باور برسند که خواهر یا برادرشان از آن‌ها بهتر است.

به‌جای مقایسه کردن، سعی کنید همیشه نقاط مثبت هر کودک را برجسته کنید. برای مثال، می‌توانید در مورد این صحبت کنید که چقدر یک کودک برای پروژه‌اش سخت تلاش کرده است و در جای دیگر، از مهربانی کودکی بگویید که برای دوست بیمارش کارت پستال درست کرده است. اگر این کار را انجام دهید، هیچ‌کدام از فرزندان تصور نخواهند کرد که شما از دیگری راضی‌تر هستید، و این کار به آن‌ها انرژی بی‌پایانی می‌دهد تا تمام تلاششان را بکنند که والدینشان را راضی نگه دارند.»

۲۹۷- گزینهٔ «۳» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «بهترین عنوان برای متن چیست؟»

«از مقایسه بچه‌ها خودداری کنید.»

(درک مطلب)

۲۹۸- گزینهٔ «۳» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «کدام‌یک از موارد زیر معنای "golden child" را آنچنان‌که در پاراگراف «۱» استفاده شده است به بهترین وجه توصیف می‌کند؟»

«بچه‌هایی که به نظر می‌رسد والدینشان آنها را بیشتر دوست دارند.»

(درک مطلب)

۲۹۹- گزینهٔ «۲» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «طبق متن، اگر بچه‌ها احساس کنند که منحصربه‌فرد و خاص نیستند، به احتمال زیاد ... .»

«مضطرب و نگران می‌شوند»

(درک مطلب)

۳۰۰- گزینهٔ «۱» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «کلمه "it" که زیر آن در پاراگراف «۳» خط کشیده شده است، به چه چیزی اشاره دارد؟»

«اشاره کردن به نکات مثبت در هر بچه»

(درک مطلب)

نارنجی بوک
تلاشی در مسیر موفقیت